



پیام آبادگران

ارگان رسمی سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران

PAYAM-E-ABADGARAN

Syndicate Of Iran Construction Companies Monthly Magazine

۳۴۴

No. 344, Tir 1395 (July . 2016)

سال ۳۲ | تیرماه ۱۳۹۵ | شماره ۳۴۴ دوره جدید ۱۱۴ | قیمت ۲۰۰۰۰ ریال

برجام شرط لازم است نه شرط کافی

۱۰ فاصله میان واقعیت‌ها

تا انتظارات بخش خصوصی

۱۲ فراز و فرودهای برجام از دیدگاه صاحب‌نظران



میزگرد مشاوران اقتصادی
و سیاسی روحانی

نیلی: توسعه چهار اصل مهم دارد
سریع‌القلم: در تعریف توسعه اجماع نداریم

۱۵

بررسی مشکل مالیات

برارزش افزوده

پیمانکاران در مناطق آزاد

و ویژه اقتصادی

۳۴

شرکت‌های عمرانی

از نبود مستندسازی

و انتقال تجربه آسیب

می بیند

۳۹

پروژه‌های نیمه تمام

منابع کشور را

قفل

کرده است

۱۹

رئیس جمهور:

بدهی دولت به بانک‌ها

و پیمانکاران شفاف

نیست

۱۴

صاحب امتیاز: سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران

مدیرمسئول: مهندس جواد خوانساری

شورای سیاست‌گذاری:

- مهندس منوچهر ملکبانی فرد (رئیس هیأت مدیره)
- مهندس بهمن دادمان (دبیر)
- مهندس جواد خوانساری (نایب‌رئیس هیأت مدیره و مدیرمسئول)
- مهندس سالار علیاری (خزانه‌دار)
- دکتر ایرج گلابتونچی (عضو هیأت مدیره)

رئیس کمیسیون انتشارات: ● مهندس علی ورزنده

سردبیر: ● مهندس محمود مصطفی‌زاده

کمیسیون انتشارات و تحریریه:

- مهندس علی ورزنده (رئیس کمیسیون انتشارات)
- مهندس کاظم سماک (رئیس کمیسیون اقتصاد)
- مهندس عبدالمجید سجادی (رئیس کمیسیون روابط عمومی)
- مهندس سیامک مسعودی (کمیسیون قوانین و مقررات)
- مهندس محمود مصطفی‌زاده (سردبیر)
- مهندس محمد غنی‌زاده (مدیر اجرایی)
- مهندس علاءالدین سادات باریکانی
- مهندس پرهام سیدین

همکاران این شماره:

- دکتر محمود سریع‌القلم
- دکتر محمود جام‌ساز
- مهندس عبدالمجید قوام
- دکتر علی دینی ترکمانی
- مهندس فریدون پورنیا
- مهندس فریدون خزاعی
- محمد تکلی
- پرویز نصرتی کردکندی
- دکتر علی اکبر نجفی
- مجید فراهانی

حروفچینی، امور بازرگانی و اشتراک: فریبا پورآقا
خبرنگار: آرزو نوری
عکس و صفحه‌آرایی: داود خانی
امور آگهی‌ها: شقایق خواجانه‌نصیری

لیتوگرافی و چاپ: پیمان نواندیش (۸۸۸۲۸۷۳۴)

تهران، خیابان طالقانی، بین میدان فلسطین و خیابان ولیعصر،
خیابان شهید برادران مظفر (صبای جنوبی)، شماره ۸۶،
ک.ب: ۱۴۱۶۹۶۴۶۹۱

تلفن: ۶۶۴۶۴۲۶۱ - ۶۶۴۰۲۰۳۷ - فکس: ۶۶۴۶۴۰۸۴

پست الکترونیکی: payam.abadgaran@acco.ir

نشانی الکترونیکی: www.acco.ir

به نام خداوند جان و خرد

فهرست مطالب

- سرمقاله، برجام شرط لازم است نه شرط کافی
- فاصله میان واقعیت‌ها تا انتظارات بخش خصوصی - فراز و فرودهای برجام از دیدگاه صاحب‌نظران
- رئیس جمهور: بدهی دولت به بانک‌ها و پیمانکاران شفاف نیست
- میزگرد مشاوران اقتصادی و سیاسی دکتر روحانی، نیلی و سریع‌القلم
- دکتر علی دینی ترکمانی: پروژه‌های نیمه تمام منابع کشور را قفل کرده است
- مسابقه باخت - باخت چرا؟ مصاحبه با آقای مهندس پورنیا
- صنعت احداث و قانون بودجه سال ۱۳۹۵
- آنچه استراتژیست‌ها باید بدانند - پرویز نصرتی کردکندی
- راهکار جبران کمبود نقدینگی در بازار بین بانکی
- گشایش گام به گام مراودات بانکی ایران و غرب
- خروج انگلیس از اتحادیه اروپا تأثیری بر اقتصاد ایران ندارد - دکتر محمود جامساز
- بررسی مشکل ناشی از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده پیمانکاران در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی - محمد تکلی
- ابلاغ نظام‌نامه رفتار حرفه‌ای در مهندسی ساختمان از سوی وزیر راه و شهرسازی
- مصاحبه با دکتر علی‌اکبر نجفی مشاور عالی شرکت بلندپایه
- میزگرد سوسیالیسم بازار و سوداگری در ایران
- پاگرد
- مکاتبات سندیکا
- رویکردی به مدیریت برنامه زمان‌بندی پروژه از طریق مسیر بحرانی - عبدالمجید قوام
- چرا مدیریت پروژه؟ مجید فراهانی
- ابلاغ آئین‌نامه اجرایی ماده ۱۰۷ اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم
- گفت و گوی اهالی نهادهای مدنی
- قدردانی اتاق تهران از همراهی دولت با بخش خصوصی
- اهمیت توسعه مبحث دوم مقررات ملی ساختمان
- سمینارهای برگزار شده در سندیکا
- مجمع عمومی سالیانه شرکت تضمین
- مجمع عمومی شرکت تعاونی شرکتهای ساختمانی
- اخبار صنعت احداث
- رونمایی کتاب با طعم توسعه
- رونمایی از کتاب ایران و شاخص‌های جهانی توسعه - نویسنده احمد آل یاسین



نوشته‌های نویسندگان، لزوما نظرات نشریه نیست. نقل مطالب نشریه فقط با ذکر ماخذ مجاز است.

کمیسیون انتشارات در رد یا قبول مقالات ارسالی مختار می‌باشد و در ویرایش علمی، ادبی و خلاصه‌سازی آن مجاز است. در ضمن مقالات ارسالی عودت داده نمی‌شود

برجام شرط لازم است نه شرط کافی

سرمقاله

پیام آبادگران
تیر ۱۳۹۵
شماره ۳۴۴

باید همه موانع را از پیش رو بردارد. چون چنین توانی ندارد، پس پرچم انفعال است. مخالفان برجام به این بسنده نمی‌کنند حتی آن را مظهر عقب‌نشینی ایدئولوژیک دولت در برابر هژمونی غرب می‌پندارند حال آنکه موافقان آن را محصول رهیافت درست نظام از موقعیت ایران در جغرافیای سیاسی و اقتصادی جهان پیرامون می‌دانند. بنابراین به نظر می‌رسد که مخالفان دانسته و طبق یک مهندسی از پیش تعیین شده مطالبات سنگینی را بر دوش برجام نهاده‌اند تا بگویند اگر برجام معجزه نمی‌کند، پس ضرورتی ندارد. صرف نظر از تفاوت نگاه بنیادین مخالفان و موافقان به این توافق، باید دید فرجام خوش یا ناخوش برجام را در همین بازه زمانی کوتاهی که از اجرای آن می‌گذرد چگونه باید سنجید؟ برای چنین سنجشی موافقان از دستاوردهای ملموس و ناملموس برجام سخن می‌گویند. آثار پیدا و پنهان و یا مستقیم و غیرمستقیمی که البته مخالفان آن را قبول ندارند. موافقان در تبیین دستاوردهای ناملموس و درازمدت و غیرمستقیم برجام به شاخص‌هایی چون شادابی و نشاط اجتماعی عمومی، امید به بهبود اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور، گرایش مردم در انتخابات اخیر به حامیان برجام، به حاشیه رفتن تندروها و افراطیون، افزایش تعاملات

درست مانند مخالفان تندرو در غرب با ادعای اینکه "برجام یعنی هیچ" به آن حمله کردند. با این تفاوت که در آنجا، اوپاما متهم به دادن امتیازهای بیش از حد به ایران شده، در این سو روحانی در جایگاهی قرار گرفته که باید پاسخگوی عقب‌نشینی‌هایش در برابر آمریکا باشد. گرچه بررسی مواضع تندروهای دو سو پارادوکسیکال بودن مواضع آنها را نشان می‌دهد، اما مسئله مهم در حال حاضر این است که ببینیم در یک‌سالگی این توافق استنادات مخالفان و موافقان برجام در کشور چیست و هر کدام چه فرجامی برای آن قائل هستند. لازمه این بررسی، آن است که ببینیم موافقان و مخالفان چه موضع کلانی در برابر برجام دارند و نگاه آنها به فرجام برجام تحت تأثیر نحوه اجرای این توافقنامه است یا اینکه از اساس با اصل توافق مسئله دارند؟ از منظر موافقان و حامیان، برجام پنجره‌ای است که گرایش درونی ما نسبت به واقعیت‌های بیرونی را نشان می‌دهد؛ رویکردی است که توسعه درونی و تعامل با اقتصاد و سیاست پیرامونی را مدنظر دارد. شاید در مقام قیاس، برجام قله یخی دریاست که مانند فانوس راه را نشان می‌دهد و در ظلمات، کشتی تعامل را هدایت می‌کند تا از برخورد آن با صخره‌ها و امواج سنگین پیشگیری کند. اما در منظر مخالفان، برجام جعبه جادویی است که

یکسال از توافق جامع هسته‌ای بین ایران و گروه ۵+۱ (شامل چین، فرانسه، روسیه، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و آلمان) با عنوان رسمی برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) سپری شد. این توافق که پس از بیست ماه مذاکره کم سابقه در عرصه بین‌المللی منعقد شده و حدود شش ماه بعد یعنی از اواخر دی ماه سال گذشته، اجرای آن بین ایران و غرب پس از تصویب‌های قانونی آن در کنگره و مجلس دو طرف و سایر مقدمات سیاسی و حقوقی آغاز گشت، همچنان در کانون بحث و جدل‌های مخالفان و موافقان قرار دارد. در همه محافل دیپلماتی، اقتصادی و سیاسی دوازدگانه موافق و مخالف، اصطلاح فرجام با برجام هم‌زاد شده است. در جوامع هر دو سوی مذاکره، میان ناظران و کارشناسان این سؤال مطرح بوده و هست که فرجام و سرانجام برجام چه خواهد بود. نکته جالب در این میان آن است که سؤال از برجام در هر دو سو، صورت مشترکی دارد، همین طور موضع سؤال‌کنندگان نسبت به وضعیت برجام مشابه است، اما استنادهای مخالفان در هر دو سو برای اثبات دیدگاه‌هایشان در مذمت برجام و پیش‌بینی فرجام ناخوشایند برای آن کاملاً با هم تضاد دارد. یعنی مخالفان برجام در ایران که به تندروی شهرت دارند و حل و فصل مناقشه برانگیز مسائل کشور را براستراتژی برد- برد دولت ترجیح می‌دهند

اقتصادی و دیپلماتیک ایران و کشورهای قدرتمند سیاسی و اقتصادی اشاره می‌کنند. آنها می‌گویند بی‌دلیل نیست که عقلای قوم، فعالان اقتصادی بخش خصوصی، کارشناسان و اهل فن از این "جام تفاهم" خرسندند. در حقیقت حامیان برجام در این چند بند توافق میل درونی کشور به ایجاد ثبات در روابط خارجی، احیای جایگاه دیپلماسی کشور در روابط بین‌الملل، پیشگیری از اقدامات افراطی در حوزه سیاست خارجی و خلع سلاح دشمنان خارجی در تشدید گفت‌وگوهای ایران هراسی که ممکن بود در نهایت به اتفاقات پرهزینه‌ای برای کشور منتهی شود، را می‌بینند و فرجام برجام را کاهش هزینه و چالش‌های اداره کشور، افزایش توان سیاسی و اقتصادی مردم، افزایش اثرگذاری مردم و مطالبات آنها بر تنظیم سیاست‌های کلان کشور و... می‌دانند.

اما جبهه مخالفان برجام، نگاه متفاوتی به معنا و مفهوم و الزامات توسعه اقتصادی، تعامل دیپلماسی و... دارد. در گنجینه لغت آنها، تعامل و استراتژی برد-برد از قضا به معنی عقب‌نشینی و زیان است. با توجه به اینکه معیار سنجش ادعای موافقان و مخالفان در این حوزه کیفی بوده و دارای پیچیدگی زیادی است، می‌توان ادعای دوطرف را در عرصه ملموس بررسی کرد.

موافقان در این بخش به تداوم کاهش نرخ تورم، افزایش نرخ رشد سرمایه‌گذاری خارجی، تقویت ضریب حضور ایران در اقتصاد و صنعت جهانی و بالعکس، رشد بی‌سابقه رفت و آمدهای بلندپایگان سیاسی و اقتصادی جهان به ایران و همین‌طور حضور مقامات ارشد ایران در قلب اروپا، آسیا و مجامع جهانی و... توجه دارند و اعتقاد دارند که شاخص‌های فوق‌نشانه بازگشت ایران به ریل رشد و توسعه اقتصادی و ترمیم قدرت دیپلماتیک است. اما مخالفان برجام با یک مغالطه آشکار همه شاخص‌های فوق‌رادر استای رشد غرب‌گرایی دولت و عقب‌نشینی ایدئولوژیک می‌پندارند. نابرجامیان برای اینکه ادعای خود را با جامه حقیقت بیوشانند، مدعی می‌شوند که چرا آفتاب برجام در این شش ماه سایه همه تحریم‌ها را محو نکرده و از چاه برجام

همه مردم سیراب نشده و تکنولوژی برجام صنعت کشور را نوسازی نکرده و کشتی برجام از میان دریای بیکاری، رکود، فقر و حاشیه‌نشینی به ساحل رفاه و ثبات معیشت مردم نرسیده است. آنان می‌گویند فرجام خوش برجام زمانی است که همه مشکلات کشور را حل کند، یعنی از پایان دادن به همه قطعنامه‌های تحریم سی ساله ایران در حوزه‌های مختلف تا خاتمه دادن به همه معضلات اقتصادی کشور که برخی بیش از سی سال قدمت دارند.

در این جدل نگاهی سلبی و ایجابی وجود دارد. موافقان برجام مشکلات و کاستی‌ها و گاه بدعهدی غرب و کارشکنی مخالفان تندروی آن را در غرب و آثار نامیمون آن بر روند و اجرای توافق را نادیده نمی‌انگارند و تأکید دارند که منافع مردم ایران از اجرای این عهدنامه باید بیش از وضعیت موجود باشد، ولی در عین حال نگاه ایجابی به آن دارند و می‌گویند اگر فرجام برجام را تلخ بدانیم در مقابل چه چیزی می‌توانیم عرضه کنیم که هزینه کمتر و فواید بیشتری داشته باشد؟ اما نگاهی که بر مخالفان حاکم است موجب برجسته‌سازی ایرادات و افزایش توقعات می‌شود و به دور از واقع‌نگری و با نگاه سلبی از برجام سلب صلاحیت می‌کنند.

حال آنکه از منظر حامیان برجام، این توافق‌نامه شرط لازم برای چاره‌جویی

از منظر کسانی که فعالیت اقتصادی، عمرانی، تولیدی، علمی، تجاری و... دارند برجام راهگشا بوده و از قضا دستاوردهای آن را نباید محدود به آثار کوتاه‌مدت در گشایش‌های اقتصادی، فروش نفت، گشایش‌های دیپلماسی، مراودات مالی، سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، تعامل صنعتی و علمی و... کرد

مشکلات کشور است نه - آنگونه که مخالفان می‌خواهند القا کنند - شرط کافی. برجامیان می‌گویند اگر در حوزه محیط زیست با معضلاتی مواجه هستیم، اگر در داد و ستد اقتصادی با موانعی روبرو هستیم، اگر در صنعت، کشاورزی، تکنولوژی و رشد علمی کشور و سایر موضوعات به اقتصاد جهانی، محصولات صنعتی، تجربیات و علم آنها نیاز داریم و برای غلبه بر آنها، برجام و تفکر حامی آن، لازم است نه اینکه الزاما کافی باشد. بدیهی است که بدون برقراری سیستم مبادلات بانکی، هزینه واردات، تولید و صادرات افزایش می‌یابد، بنابراین برقراری اتصالات مالی ایران با نهادهای مالی و سیستم‌های بانکی برای رشد صادرات امری لازم است اما کافی نیست.

مخالفان برجام در حقیقت شرط لازم برجام را شرط کافی وانمود می‌کنند و می‌خواهند از طریق این مغالطه برجام را توافقی مضر و رازآلود نشان دهند. از منظر کسانی که فعالیت اقتصادی، عمرانی، تولیدی، علمی، تجاری و... دارند برجام راهگشا بوده و از قضا دستاوردهای آن را نباید محدود به آثار کوتاه‌مدت در گشایش‌های اقتصادی، فروش نفت، گشایش‌های دیپلماسی، مراودات مالی، سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، تعامل صنعتی و علمی و... کرد. بلکه این آثار مربوط به دستاوردهای ملموس و کوتاه‌مدت و قابل سنجش برجام است چرا که آثار اصلی برجام را باید در حوزه ناملموس و جایی که خرد، عقلانیت، دوراندیشی حاکم است، رصد کرد. اکنون در یکسالگی برجام به رغم انتقاداتی که می‌توان نسبت به بدعهدی غربی‌ها داشت اما می‌توان مدعی شد که برجام راه ایران هراسی را ناهموار و راه سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را هموار کرده و زمینه بهتری برای ساماندهی اقتصاد کشور، تأمین معیشت مردم، خروج از رکود و تداوم کاهش تورم که همگی در ارتقای محیط کسب و کار مؤثر هستند، فراهم آورده و امیدها را برای ساختن اقتصادی قوی‌تر و متکی بر دانش بیشتر و با مشارکت بخش خصوصی بیش از گذشته مهیا کرده است. از اینرو شایسته است که نقد و نظرها بر این توافق، اصالت برتری تعامل بر تقابل در اقتصاد جهانی را مخدوش و محدود نکند.





فاصله میان واقعیت‌ها تا انتظارات بخش خصوصی

فراز و فرودهای برجام از دیدگاه صاحب‌نظران



پیام‌آبادگران
تیر ۱۳۹۵
شماره ۳۴۴

شدیم شرایط تحریمی را به شرایطی سرمایه‌گذاری تبدیل کنیم و جایگاه سیاسی ایران را در روابط بین‌المللی ارتقا دهیم به گونه‌ای که قبل از آن مقامی بالاتر از مدیرکل سیاسی را نه دعوات می‌کردند و نه به ایران می‌آمدند.

جلال پور: ما دو گلابه داریم

محسن جلال‌پور رییس اتاق بازرگانی ایران در یادداشت خود به بهانه یک‌ساله شدن امضای برجام نوشت: برجام هم یک ساله شد. فصل دیگری از داستان پرماجرایی ما با غرب ورق خورد و حالا زمان آن رسیده که ببینیم عایدی ما از این فصل چه بوده است.

زمان زود می‌گذرد. از روزی که مشعوف توافق شدیم تا امروز بارها به این فکر کرده‌ام که چرا وقت ما صرف دعوای خوبی و بدی برجام شد به جای این که تلاش کنیم عایدی بیشتری از باز شدن فضا داشته باشیم.

این‌جا، آن‌جا و خیلی جاهای دیگر گفته بودم که «امتیاز ۵ یا ۹۵ برجام مهم نیست. مهم،

همین گشایش‌های اقتصادی، توجه به نقش بخش غیردولتی کافی و رضایت بخش نیست. برجام اقتصاد را از ریاضتی به مقاومتی تغییر داد. محمدباقر نوبخت سخنگوی دولت با بیان اینکه برجام شرایط کشور را از تحریم و اقتصاد ریاضتی به اقتصاد مقاومتی تغییر داد، گفت: با توجه به تزریق اعتبارات دولتی ۱۲۰ تا ۱۵۰ هزار فرصت شغلی جدید تا شهریور ماه در کشور ایجاد می‌شود. وی با اشاره به اینکه در سه سال گذشته کشور با شرایط تحریم مواجه بود، گفت: براساس استمرار رویکرد غیرمنطقی و مردود دولت گذشته کشور همچنان در جهت تضعیف بیشتر پیش می‌رفت تا به نفت در برابر غذا و صادرات صفر برسد. نوبخت خاطر نشان کرد: در دولت قبل صادرات بیش از دو میلیون بشکه نفت در روز به یک میلیون کاهش یافت که همین رقم نیز به سمت صفر پیش می‌رفت.

وی یادآور شد: امروز نخستین روزی است که یکسال از توافق برجام می‌گذرد و اکنون به صادرات روزانه بیش از دو میلیون و ۶۶۷ هزار بشکه نفت دست یافته‌ایم. نوبخت گفت: در این مدت موفق

با گذشت یک‌سال از توافق برجام و چند ماه از اجرای آن، دستاوردهای این توافق محل گفت‌وگو و توجه فعالان بخش‌های مختلف است. با توجه به اینکه تحریم‌های پیش از برجام، بخش مهمی از فعالیت‌های تجاری و اقتصادی بخش خصوصی ایران را هم دربرمی‌گرفت، اکنون با گشایش‌های ایجاد شده، بخش خصوصی گرچه شرایط موجود را هنوز مطلوب نمی‌داند و به رغم اینکه انتقادهای جدی به نحوه عملکرد دستگاه‌های اجرایی و رویکردهای دولتی دارد، اما اعتقاد دارد که پس از برجام گام به گام وضعیت بهتر شده و امید است که این روند ادامه داشته باشد. گزارش ذیل نگاهی بر ارزیابی فعالان و نمایندگان بخش خصوصی از یک سالگی توافق برجام دارد. در این گزارش فعالان اقتصادی هم از مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها مخالفان داخلی برجام و از بدعهدی و کارشکنی آمریکایی‌ها در برقرار تعامل سازنده اقتصادی بین ایران و طرف‌های تجاری انتقاد دارند. موضوعی که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان با روح توافقنامه برجام مغایرت داد اما این همه ماجرا نیست چرا که برخی فعالان اقتصادی براین باورند که با وجود

فرصت طلبی و سهم خواهی ما از هرامکان ایجاد شده پس از برجام است». امروز اما وقتی به یک سال گذشته نگاه می‌کنم، می‌بینم در حوزه اقتصاد حتی از ۵ امتیاز فضای پسا برجام هم بهره‌برداری نکرده‌ایم.

اگر باور داشته باشیم که مشکل اصلی کشور، امروز مسئله اقتصاد است و اگر بپذیریم که خروج از رکود و رونق تولید و ایجاد اشتغال، هدف اصلی سیاست‌گذار است، آن‌گاه مفهوم زمان برای ما اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. برای اشتغال نیاز به رونق داریم و برای رونق نیاز به امید و انگیزه. برجام می‌توانست موتور محرک انتظارات باشد و بذرا امید و انگیزه در جامعه بکار که کاشت اما با جوانه‌ها چه کردیم؟

اتاق‌ها در ایران و تشکل‌های بخش خصوصی با درک این واقعیت، از همان روزهای آغازین امضای برجام، احساس کردند که وظیفه اصلی‌شان استفاده حداکثری از این فضا برای حل معضلات اقتصادی و رونق بخشی به اقتصاد و حرکت به سمت افزایش اشتغال است و به همین جهت بدون نگاه به دیگر جوانب برجام، تلاش کردند در جامعه امید و انگیزه بیافرینند.

در نشست‌ها، ملاقات‌ها و دیدارهای داخلی و خارجی، سعی کردیم انتظارات را تعدیل کنیم و با تکیه بر ظرفیت‌های واقعی برجام، امید و انگیزه بیافرینیم.

نگاه ما این بود که برجام می‌تواند موتور محرک انگیزه‌آفرینی در دو سوی عرضه و تقاضا باشد و در سایه امنیت و آرامش برجام می‌شود سرمایه‌گذاری را تقویت کرد و تولید و بازرگانی را هدف گرفت. تکاپوی ما همین بود و بس.

حالا یک سال از برجام گذشته است و ما دو گلایه داریم. گلایه اول از دولت عزیز است که حتی در این یک سال، چندان بندی از دست و پای بخش خصوصی باز نشد و آن‌جا که می‌توانست این پرنده را از قفس رها کند، نکرد. یک سال پس از برجام، هنوز فضای کسب و کار مساعد نیست و مشکلات زیادی پیش روی تولید و تجارت قرار دارد.

پس از دولت، روی سختم با مخالفان برجام است. کاش می‌دانستند نقش آنها در مخالفت با برجام چه صدمه‌ای به فضای امید در فضای کسب و کار زد. همان‌ها که در یک سال گذشته تا توانستند بذرا ناامیدی در جامعه پراکندند. کاش گروه‌های سیاسی در این شرایط حساس درک می‌کردند که برجام برای رونق بخشی اقتصاد ایران یک فرصت است و باید غنیمت بشماریمش. کاش یک سال، اختلاف‌های سیاسی کنار گذاشته و همه حواس‌ها به منافع ملی جلب می‌شد.

به قول رئیس‌جمهور در اجلاس اقتصاد ایران در پساتحریم: «سال‌های طولانی است که اقتصاد به سیاست‌یارانه می‌دهد، اکنون زمان آن رسیده که

سیاست به اقتصاد یارانه بدهد.»

مخالفان می‌خواهند

برجام را بی‌اهمیت نشان دهند

پدرام سلطانی، نایب رئیس اتاق ایران: فضایی که مخالفان داخلی و خارجی برجام برای بالا بردن انتظارات عمومی از دستاوردهای آن ایجاد کرده‌اند، به بی‌اهمیت جلوه دادن این توافق منجر می‌شود. متأسفانه مخالفان برجام تله‌ای برای اقتصاد کشور درست کرده‌اند که القا کنند باید در مدت کوتاه از برجام نتایج بزرگ و سطح بالا بگیریم. طبیعتاً برجام تاکنون ثمره‌های زیادی داشته که البته اینها نتایج ابتدایی بوده و تناسبی با نتایج بلندمدتی که از برجام انتظار می‌رود، ندارد.

سلطانی درباره نتایج و دستاوردهای برجام اعتقاد دارد: «هزینه‌های نقل و انتقال پولی، هزینه‌های لجستیک و حمل و نقل، هزینه‌های بیمه و ریسک سیاسی با اجرایی شدن برجام کاهش یافته است. همچنین برجام توانسته قدرت چانه‌زنی ایران را در تجارت با دنیا در موضوع صادرات و واردات افزایش دهد. دسترسی سریع‌تر و آسان‌تر به فناوری نیز از دیگر نتایج آن است که این امور، در همین شش ماهه اتفاق افتاده و هرچه جلوتر رویم این نتایج بزرگ‌تر خواهد شد. جوی که مخالفان داخلی و خارجی برجام مبنی بر بالا بردن انتظارات عمومی از دستاوردهای این توافق ایجاد کرده‌اند، منجر به بی‌اهمیت جلوه دادن برجام می‌شود.

افزایش اعتماد به نفس بخش خصوصی

مسعود خوانساری رئیس اتاق تهران: تصویب برجام موجب شد تا بخش خصوصی اکنون با اعتماد به نفس بیشتری پای میز مذاکره با طرف‌های خارجی بنشینند و مذاکرات را دنبال کند. حصول این توافق و اجرای آن نقطه عطفی در تاریخ کشور محسوب می‌شود و تصور اینکه با

افخمی راد:

اگر می‌خواهیم بخش خصوصی با خارجی‌ها مشارکت کند باید بخش خاصی را در شرکت خود ایجاد کند و این بخش توانمندی مذاکرات با طرف خارجی را داشته باشد، مقررات سرمایه‌گذاری و بازار هدف صادراتی را بشناسد و اگر شرکت‌ها نتوانند دفتر نمایندگی دایره و خدمات پس از فروش ارائه و علائم تجاری خود را ثبت کنند قطعاً نمی‌توانند در بازار آنها حضور یابند و ماندگار شوند.



اجرای برجام، شاهد هجوم سرمایه‌گذاران خارجی خواهیم بود، نگرشی ساده انگارانه است. به گفته خوانساری، طی ماه‌های اخیر اغلب سرمایه‌گذارانی که وارد ایران شده‌اند، نیت ارزیابی محیط کسب و کار ایران و شناسایی ظرفیت‌ها را داشته‌اند اما این توافق در بلندمدت آثار خود را بر اقتصاد نشان خواهد داد. وی، گزارش مجمع جهانی اقتصاد از وضعیت کشورها از منظر شاخص رقابت‌پذیری را یادآور شد و گفت: براساس این ارزیابی، ایران در میان ۱۴۴ کشور، رتبه ۷۴ را کسب کرده که نسبت به سال گذشته، چند پله صعود را نشان می‌دهد.

ورود ۶۴ هیات تجاری

شامل ۸۳۷ نفر از ۲۸ کشور

به گفته ولی‌الله افخمی راد رئیس سازمان توسعه تجارت سال گذشته ۶۴ هیات تجاری شامل ۸۳۷ نفر از ۲۸ کشور وارد ایران شدند تا راه‌های توسعه همکاری مشترک را جستجو کنند.

وی می‌گوید: سرمایه‌گذاری‌های مشترک، راه‌اندازی خطوط پروازی، اعطای نمایندگی محصولات ایرانی به کشورهای دیگر، امضای تفاهم‌نامه‌های همکاری در زمینه‌های مختلف، مذاکره و عقد قراردادهای تجاری، همکاری در زمینه گردشگری سلامت و توسعه گردشگری، انجام خدمات فنی - مهندسی، و... از جمله نتایج اعزام و پذیرش هیات‌های تجاری بوده است.

وی می‌گوید: باید بپذیریم بخش خصوصی توانمندی که از نظر ساختار و نهادهای مورد نیاز برای گفت‌وگو با شرکت‌های خارجی در مقیاس بزرگ باشند در حوزه سرمایه‌گذاری و صادرات و واردات بسیار کم داریم. زمانی که شرکت‌ها خارجی به ایران می‌آیند و می‌خواهند با طرف بخش خصوصی خود در ایران مذاکره کنند، اختلاف دو طرف بسیار زیاد است از این رو بخش خصوصی ما وظیفه بسیار سنگینی بر عهده دارد و باید خود را توانمند کند.

افخمی راد اضافه کرد: اگر می‌خواهیم بخش خصوصی با خارجی‌ها مشارکت کند باید بخش خاصی را در شرکت خود ایجاد کند و این بخش توانمندی مذاکرات با طرف خارجی را داشته باشد، مقررات سرمایه‌گذاری و بازار هدف صادراتی را بشناسد و اگر شرکت‌ها نتوانند دفتر نمایندگی دایره و خدمات پس از فروش ارائه و علائم تجاری خود را ثبت کنند قطعاً نمی‌توانند در بازار آنها حضور یابند و ماندگار شوند. افخمی راد می‌گوید: بخش خصوصی باید از بازاریابان مطرح استفاده کند و اگر در داخل کشور قابل تامین نیست از بازاریابان خارجی در بازارهای صادراتی استفاده کند، چه ایرادی دارد شرکت‌های که در صادرات مشکل دارند بازاریاب خارجی متخصص استخدام



کنند. بخش خصوصی باید توانمندی خود را تا حدی ارتقا دهد که اگر نگوئیم با برندی بزرگ مقیاس خارجی قادر به رقابت باشد حداقل در حد متوسط‌های بین‌الملل امکان رقابت و گفتگو را برای کار، تولید مشترک و حضور در بازار ثالث داشته باشد.

سهام نامطلوب بخش خصوصی

در ارتباطات خارجی

محمد آقایی دبیرکل مجمع واردات با بیان اینکه توافقنامه‌های اقتصادی با طرف‌های خارجی عمدتاً ناظر بر جریان‌های اقتصادی و تجاری بخش دولتی است و سهم بخش خصوصی بسیار ناچیز است، می‌گوید: برای تقویت اقتصاد کشور باید از هیات‌های تجاری خارجی، پل اقتصادی بسازیم و نه سیاسی.

دبیرکل مجمع واردات معتقد است: تا امروز نباید انتظار داشت که سرمایه‌گذاری خاصی از سوی هیات‌های تجاری که تاکنون وارد کشورمان شده‌اند، صورت گرفته باشد. چرا که آنها بیشتر برای آشنایی با وضعیت فعلی اقتصاد ایران و نیز بازسازی روابط سیاسی خود به کشور ما می‌آمدند. اما اینکه ما تا چه میزان از ورود و خروج آنها می‌توانیم بهره‌برداری اقتصادی کنیم، به توان و هوشمندی خودمان ارتباط پیدا می‌کند.

وی با انتقاد از به‌حاشیه رفتن بخش خصوصی در مذاکرات اقتصادی با هیات‌های خارجی می‌گوید: اقتصاد کشور باید به سمت واگذاری امور به بخش خصوصی، تقویت رقابت‌پذیری و فاصله گرفتن از اقتصاد دستوری پیش برود. اما مسیری که الان پیش روی هیات‌های تجاری خارجی گذاشته می‌شود، بر مدار این رویکردها نیست. بی‌شک برای تقویت اقتصاد کشور باید از هیات‌های تجاری خارجی، پل اقتصادی بسازیم و نه سیاسی.

دبیرکل مجمع واردات تأکید کرد: با وجود توقع نداشتن توسعه تجارت در فاصله چند ماه از برجام، شاهد این واقعیت تلخ هستیم که متأسفانه با زحم دولت، بخش خصوصی را محرم فعالیت‌های اقتصادی ندانسته و توافقنامه‌های تجاری، اقتصادی و سرمایه‌گذاری با طرف‌های خارجی عمدتاً ناظر بر جریان‌های اقتصادی و تجاری بخش دولتی است و سهم بخش خصوصی بسیار ناچیز است.

افزایش تعامل سیاسی

و اقتصادی ایران با دنیا

رضانعلی سبحانی‌فر عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس معتقد است: افزایش سطح تعاملات سیاسی و اقتصادی ایران با دنیا از دستاوردهای مهم برجام و دولت یازدهم است. سبحانی‌فر افزود: اجرای برجام اثرات مثبتی

در حوزه اقتصادی برای کشور داشته و حضور سرمایه‌گذاران و افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در کشور، بازگشت پول‌های بلوکه شده، ارتباط با صنایع بزرگ دنیا و بهره‌برداری از تکنولوژی‌های روز، ارتباط بین بانک‌های ایرانی و خارجی و افزایش میزان صادرات کالاهای ایرانی به خارج از کشور بخشی از اثرات مثبت اجرای برجام در حوزه اقتصاد است.

وی عنوان کرد: امروز بازار کشورهای آسیایی، آمریکایی لاتین و روسیه آماده پذیرش محصولات، تبادل فناوری، فکرواندیشه ایرانی برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های معدنی و صنعتی این کشورهاست و بازرگانان و دانشمندان ما بایستی خود را برای حضور در این کشورها آماده کنند.

آثار برجام به زودی

به بخش خصوصی نمی‌رسد

به اعتقاد یک عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی ایران، نمی‌توان خیلی امیدوار بود که آثار برجام به زودی به بخش خصوصی کشور برسد. چرا که به گفته وی، بخش خصوصی کشور باید تحرک داشته باشد و خودش منشأ اثر باشد و در غیر این صورت طبیعی است که هیات‌هایی که به دعوت دولت به ایران می‌آیند به دنبال شرکت‌های بزرگ و همکاری با بخش دولتی باشند.

«سیدحمید حسینی» گفت: با رشد اقتصادی سال گذشته که بین صفر و نیم درصد بوده است، پیش‌بینی می‌شود با توجه به لغو تحریم‌ها و گشایش‌هایی که به‌طور تدریجی در حال رخ دادن است، ایران بتواند در بسیاری از صنایع افزایش تولید داشته باشد و بخش‌های مختلف از جمله نفت، تجارت، خدمات و کشاورزی بتوانند به رشد اقتصادی پنج درصدی در سال جاری کمک کنند. حسینی عنوان کرد: اتاق بازرگانی در حال کمک به توسعه بخش دولتی است و به توسعه بخش خصوصی کمکی نمی‌کند. در واقع در این مرحله

مسعود خوانساری رئیس اتاق تهران:

تصویب برجام موجب شد تا بخش خصوصی اکنون با اعتماد به نفس بیشتری پای میز مذاکره با طرف‌های خارجی بنشیند و مذاکرات را دنبال کند. حصول این توافق و اجرای آن نقطه عطفی در تاریخ کشور محسوب می‌شود و تصور اینکه با اجرای برجام، شاهد هجوم سرمایه‌گذاران خارجی خواهیم بود، نگرشی ساده‌انگارانه است



همگی دست به دست هم داده‌ایم و بخش دولتی را بزرگتر می‌کنیم و می‌خواهیم از این طریق به رشد اقتصادی برسیم.

بخش خصوصی بعد از برجام

بلا تکلیف بوده است

علاء میرمحمد صادقی نائب رئیس اتاق بازرگانی تهران معتقد است که هنوز بعد از برجام بخش خصوصی به جایگاه واقعی خود نرسیده است و برای اینکه بتواند به رونق اقتصادی کمک کند باید از وضعیت نامشخص فعلی خارج شود.

علاء میر محمد صادقی گفت: در یک سال گذشته بعد از برجام تلاشی که در اقتصاد ملموس باشد مشاهده نشد، البته در این زمینه بعضی از دولت‌مردان معتقد هستند که علت این اتفاق این است که هنوز ابتدای کار هستیم و بعد از برجام هم قرار بر این بوده که به تدریج بعضی تحریم‌ها برداشته شود. وی افزود: بعد برجام تلاش‌های بهبود و رونق فضای اقتصادی از سوی مردم و بخش خصوصی انجام گرفت اما هنوز در بخش‌های اقتصاد این تلاش به پیشرفتی نرسیده است.

نائب رئیس اتاق بازرگانی تهران ادامه داد: اما با این حال روی هم رفته امید برای اقتصاد ایران وجود دارد و نیاز است که دولت‌مردان دیپلماسی خود را بیشتر و ارتباط گسترده‌تری برقرار کنند تا بتوانیم برای سرمایه‌گذاری و صادرات شاهد تلاش‌های بیشتری از طرف بخش خصوصی باشیم.

دستاوردهای برجام کم نبود

محمدرضا تابش نماینده اردکان در مجلس اعتقاد دارد: برجام برای کشور در عرصه بین‌المللی اهمیت بسزایی دارد که این روزها برخی آگاهانه یا ناآگاهانه دست به تخریب دستاوردهای آن زده‌اند.

تابش نماینده مردم اردکان در خصوص تأثیرات برجام معتقد است: یکی از تأثیرات برجام این است، که ایران از کانون تهدید خارج شده و حس امید در مردم احیا شده است. همچنین در عرصه اقتصادی نیز حضور سرمایه‌گذاران را مشاهده می‌کنیم، که دستاورد بسیار مهمی محسوب می‌شود. تابش اضافه کرد: یکسری بدعهدی‌ها از سوی آمریکا برجام را تحت شعاع قرار داده و این اقدام برای این کشور مناسب نیست. اگر بخواهیم در مقابل بدعهدی‌ها مقابله به مثل کنیم، توافق هسته‌ای بلا اثر می‌شود.

۱۸۰ هیات خارجی تا پیش از ماه رمضان

به ایران آمد

معاون امور بین‌الملل اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران از بازدید ۱۸۰ هیات خارجی

از ایران تا پیش از آغاز ماه رمضان و همچنین درخواست موسسه انگلیسی برای برگزاری سمینار «جلب سرمایه خارجی برای پروژه‌های اقتصادی ایران» در مهرماه خبر داد.

معاون امور بین‌الملل اتاق تهران افزود: پس از اجرای برجام تا پیش از آغاز ماه رمضان، حدود ۱۸۰ هیأت خارجی از ایران بازدید کردند و اتاق تهران نیز در این دوره میزبانی حدود ۷۰ هیأت را برعهده داشت.

بختیاری یادآوری کرد بیشتر هیأت‌ها با انگیزه شریک یابی عازم ایران شده بودند اما اکنون به دلیل برخی مسائل بانکی و مالی، همکاری اقتصادی با شرکای خارجی در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است.

به گفته وی، کمیته جلب سرمایه‌گذاری خارجی ستاد اقتصادی پساتحریم اتاق تهران در ماه‌های گذشته با برخی موسسه‌های حقوقی و مشاوره‌ای بین‌المللی وارد همکاری شده است تا مطالعات امکان‌سنجی پروژه‌هایی را که به سرمایه‌گذار خارجی نیاز دارد از طریق این موسسه‌های بین‌المللی به تایید برساند.

همچنین مسئول کمیته جلب سرمایه‌گذاری خارجی ستاد اقتصادی پساتحریم اتاق تهران گفت: سی‌ام تیرماه (بیستم جولای) نیز مدیران موسسه بیمه ساچه ایتالیا به اتاق ایران می‌آیند. ما موافقت اولیه مدیران این موسسه را برای پوشش بیمه‌ای فعالیت شرکت‌هایی که می‌خواهند به طور مستقیم در ایران سرمایه‌گذاری کنند، جلب کرده ایم.

فریال مستوفی افزود: در مرکز مشاوره سرمایه‌گذاری اتاق تهران با چند موسسه معتبر بین‌المللی مانند امبروزوتی و رولندبرگر در زمینه مشاوره سرمایه‌گذاری و حقوقی تفاهمنامه‌هایی امضا شده است و صاحبان پروژه‌هایی که به سرمایه‌گذاری خارجی نیاز دارند، می‌توانند مطالعات امکان‌سنجی خود را به تایید این موسسه‌ها برسانند و این پروژه‌ها را با این مهر و امضای معتبر برای تامین مالی به بانک‌های خارجی ارایه کنند.

افزایش حضور

سرمایه‌گذاران خارجی در ایران

سلیمی رئیس انجمن سرمایه‌گذاری مشترک ایرانی و خارجی اتاق ایران می‌گوید: پس از رفع تحریم‌ها جرات حضور سرمایه‌گذاران خارجی در ایران بیشتر شد. به طور نمونه در دو ماه نخست امسال ۲/۲ میلیارد دلاری مجوز سرمایه‌گذاری خارجی صادر شده که نشان می‌دهد هیأت‌های خارجی پس از حضور در ایران تصمیم گرفتند در بازار ایران به صورت سرمایه‌گذاری حضور یابند.

وی اضافه می‌کند: حضور تعداد قابل ملاحظه‌ای از سرمایه‌گذاران خارجی در دو ماه اول سال که

تقریباً نیمی از آن نیز تعطیلات بود، بسیار خوشایند است.

سلیمی می‌گوید: بیشتر مجوزهای سرمایه‌گذاری در حوزه تولید مانند تولید انرژی خورشیدی، مشارکت در تولید مواد شوینده و تولید مواد معدنی است و بیشتر مشارکت‌کنندگان از کشورهای اروپایی مانند آلمان، فرانسه، انگلیس و استرالیا و چند سرمایه‌گذار از کشورهای عربی هستند ضمن اینکه از کره جنوبی هم سرمایه‌گذاران خوبی در ایران حضور یافتند و بنا دارند ماشین‌آلات سنگین را در ایران تولید کنند.

بدون برجام اقتصاد فرو نمی‌پاشید

«سعید لیلان» استاد اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی گفت: تحریم‌ها مانع بزرگی بر سر راه پیشرفت اقتصادی بود اما حذف تحریم‌ها به تنهایی موتور پیشران اقتصاد نیست؛ بلکه با مدیریت درست مسائل می‌توان از اقدام‌هایی مانند اجماع بین‌المللی بر سر تحریم‌ها علیه کشور جلوگیری کرد.

لیلان افزود: در صورت ادامه تحریم‌ها نیز اقتصاد کشور دچار فروپاشی نمی‌شد و فقط منابع ارزی تحت فشار شدیدتری قرار می‌گرفت. وی یادآوری کرد: اقتصاد ایران با ۶۰ میلیارد درآمد سالیانه حتی در زمان جنگ توانست خود را اداره کند و گفت: کاهش منابع ارزی موجب کوچک‌سازی و انقباض اقتصاد می‌شود اما این سخن را قبول ندارم که «بدون برجام اقتصاد از هم می‌پاشید»؛ البته به شرطی که اقتصاد مدیریت شود. وی تاکید کرد حتی با مدیریت می‌توانستیم کاهش منابع ارزی را جبران کنیم و افزود: در سال ۱۳۵۷ که انقلاب شد و سپس جنگ پیش آمد، صادرات نفت کشور برای یک سال به طور کامل متوقف شد. در سال ۱۳۶۴ نیز قیمت نفت آنقدر سقوط کرد که گویی متوقف شد. در سال ۱۳۷۷ نیز یک دلار درآمد ارزی ایران هفت میلیارد دلار بود اما با رشد اقتصادی کشور منفی

محمد آقایی:

اقتصاد کشور باید به

سمت واگذاری امور به

بخش خصوصی، تقویت

رقابت‌پذیری و فاصله گرفتن

از اقتصاد دستوری پیش برود.

اما مسیری که الان پیش روی

هیأت‌های تجاری خارجی

گذاشته می‌شود، بر مدار این

رویکردها نیست.



نشد. بنابراین سه بار پس از انقلاب مسائل ارزی و نفتی داشتیم اما اقتصاد از هم پاشیده نشد.

مهمترین آثار بانکی رفع تحریم‌ها

ولی‌الله سیف رئیس کل بانک مرکزی مهمترین آثار بانکی رفع تحریم‌ها را اینگونه ارزیابی می‌کند:

۱- دارایی‌های مسدود شده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و دولت آزاد شده و بانک مرکزی ایران امکان نقل و انتقال آنها در خارج از کشور را خواهد داشت. این امر بدون نیاز به کسب مجوز از مقامات اروپایی انجام خواهد گرفت و در چارچوب یک کانال مالی مشخص و تعریف شده از قبل نیز نخواهد بود و ایران آزاد خواهد بود که بانک‌های مدنظر خود را برای نگهداری سپرده‌ها و نقل و انتقال آنها انتخاب کند.

۲- انجام کلیه روابط و خدمات کارگزاری میان بانک‌های ایرانی و بانک‌های خارجی (به استثنای بانک‌های آمریکایی)؛

۳- خدمات پیام‌رسانی مالی که پیش از این برای بانک‌های ایرانی متوقف شده بود مجدداً قابل ارائه خواهد بود و تحریم‌های آن برداشته خواهد شد.

۴- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند عواید حاصل از فروش نفت را در هر بانک و کشوری که خود صلاح می‌داند (به استثنای ایالات متحده آمریکا) دریافت کند و از این حیث محدودیتی برای بانک مرکزی ایران وجود نخواهد داشت.

۵- شعب بانک‌های ایرانی که از فهرست تحریم‌ها خارج می‌شوند می‌توانند فعالیت‌های متوقف شده خود را از سر بگیرند و این امر موجب خواهد شد که آنها در خدمت‌رسانی به شهروندان ایرانی بتوانند نقش قابل توجهی ایفا کنند.

۶- امکان خرید اسکناس، مسکوک و طلا برای بانک‌های ایرانی آزاد خواهد شد و امکان مدیریت ذخایر از طرق متنوع فراهم خواهد شد.

۷- امکان دریافت وام و تسهیلات خارجی برای تامین مالی تجاری و تامین مالی پروژه‌های عمرانی کشور فراهم خواهد شد.

۸- امکان دریافت وام‌های ترجیحی و کمک‌های موسسات مالی خارجی برای جمهوری اسلامی ایران مجدداً فراهم خواهد شد.

۹- امکان صدور ضمانت‌نامه بانکی و گشایش اعتبارات اسنادی به نفع بانک‌ها و ذی‌نفعان ایرانی فراهم خواهد شد.

۱۰- اشخاص و نهادهای ایرانی امکان سرمایه‌گذاری در بانک‌ها و موسسات اعتباری خارجی را خواهند داشت و خارجی‌ان نیز امکان حضور در بازارهای مالی ایران را به دست خواهند آورد.

۱۱- امکان خرید و فروش اوراق قرضه برای دولت جمهوری اسلامی ایران و بانک‌ها و موسسات مالی ایرانی در بازارهای مالی خارج از کشور فراهم خواهد شد.



پیام‌آبادگران
تیر ۱۳۹۵
شماره ۳۴۴



رئیس جمهور:

بدهی دولت به بانک‌ها و پیمانکاران شفاف نیست

حسن روحانی در جلسه ستاد اقتصادی دولت، تقویت بانک‌ها برای ارائه تسهیلات به بنگاه‌های تولیدی را هدف اصلی طرح اصلاح نظام بانکی دانست و اظهار داشت: پرداخت بدهی دولت به پیمانکاران از طریق اوراق بهادار، رونق اقتصادی را تضمین می‌کند.

به گزارش ایسنا، روحانی با بیان اینکه طرح تحول نظام بانکی، آغاز فرایند مهمی در انضباط پولی، صورت مالی دولت و شفافیت و نظم‌دهی به بدهی‌های دولت است، گفت: به این ترتیب پیچیدگی‌های قبلی این سه عرصه، در مسیر گشایش و تسهیل در امور مالی برای پشتیبانی سریع از بخش‌های تولیدی و اشتغال‌زا قرار خواهند گرفت.

رئیس‌جمهور با اشاره به اینکه اقتصاد کشور ما اقتصادی بانک‌محور است و امیدوارم گام به گام به سمت اقتصاد سرمایه‌محور حرکت کند، گفت: شفافیت در رابطه بین دولت و بانک‌ها، درجه اعتماد عمومی به سیستم بانکی را بالا می‌برد و برای ایجاد رونق اقتصادی در کشور که هدف دولت در سال جاری است، باید بتوانیم تحرکی در

فعالیت بنگاه‌های تولیدی با هدف اشتغال‌زایی ایجاد کنیم.

روحانی با تشریح وضعیت اقتصادی کشور طی ده سال گذشته گفت: طی این دوره زمانی با دو دوره خاص مواجه بودیم. نخست دوره‌ای که در آن وفور درآمدهای نفتی بود و با افزایش واردات، روند ایجاد اشتغال و تولید عملاً دچار مشکل شد؛ تورم پیوسته در حال افزایش بود و با ابلاغ دستورالعمل‌هایی به بانک‌ها مبنی بر ضرورت ارائه تسهیلاتی پایین‌تر از نرخ تورم، عملاً بانک‌ها برای عمل به آن ابلاغیه‌ها ناچار شدند از بانک مرکزی پول دریافت کنند که این به نوبه خود در نرخ تورم و پایه پولی کشور، مشکلاتی ایجاد کرده بود.

رئیس‌جمهور افزود: با پایین بودن نرخ کارمزدها در مقایسه با نرخ تورم، عملاً روند بازگشت وام‌ها از سوی وام‌گیرندگان نیز متوقف و شرایط پیچیده‌ای را ایجاد کرده بود. این روند با تشدید تحریم‌ها شکل دیگری یافت، چرا که نرخ ارز نیز یکباره با جهش مواجه و عملاً سه برابر شد و در چنین فضایی بدهکاران بانکی اگر هم می‌خواستند بدهی و موقوفات خود را به بانک‌ها بپردازند، از آن

توانمندی برخوردار نبودند.

دکتر روحانی در ادامه به شفاف نبودن میزان بدهی‌های دولت به بانک‌ها و پیمانکاران اشاره کرد و افزود: شفاف شدن میزان بدهی‌های دولت و نحوه بازپرداخت این بدهی‌ها، ضروری بود. دولت در همین ارتباط به دنبال انتشار اوراق مالی اسلامی است که این اوراق یکی از پایه‌های نشان‌دهنده شرایط اقتصادی دولت و جامعه است.

رئیس‌جمهور، بانک مرکزی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و وزارت اقتصاد را سه دستگاه خاص مسئول در ارتباط با این اوراق مالی اسلامی معرفی کرد و گفت: با انتشار این اوراق، یک گام مهم در دولت جمهوری اسلامی برداشته می‌شود. این اوراق جزو معتبرترین اوراق کشور خواهد بود و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی باید به گونه‌ای عمل کند که کارمزدهای این اوراق به موقع پرداخت شود و به عنوان معتبرترین اوراق در بازار مالی حضور یابد.

دکتر روحانی افزود: به این ترتیب از مشکلات پیمانکاران کاسته شده و بنگاه‌های اقتصادی وابسته به این پیمانکاران جان تازه‌ای برای فعالیت می‌گیرند و شرایط بهتری برای ایجاد رونق اقتصادی در کشور ایجاد می‌شود. رئیس‌جمهور با اشاره به لایحه‌ای که اخیراً در ارتباط با نظام بانکی به مجلس ارائه شده، گفت: با تصویب این لایحه و اجرای طرح اصلاح نظام بانکی، بانک‌ها قدرتمند شده، دولت به بدهکار خوش حساب تبدیل می‌شود و اوراق مالی در مسیر رشد و رونق اقتصادی قرار خواهند گرفت. در کنار آن روند تورم کاهنده ادامه یافته و بانک‌ها نیز این فرصت را می‌یابند تا تسهیلات بیشتر با نرخ کارمزد کمتر را در اختیار مشتریان خود قرار دهند و البته روند کاهش نرخ کارمزد باید تداوم یابد.

دکتر روحانی افزود: با نظارت دقیق روی اجرای طرح روند اصلاح نظام بانکی کشور، زمینه برای یک تحول بسیار خوب در اقتصاد و نظام بانکی کشور در چارچوب بندهای ۹ و ۱۹ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ایجاد خواهد شد. رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه "به طور منظم اجرای دقیق این طرح را دنبال خواهیم کرد، ابزار امیدواری کرد با اجرای دقیق و هماهنگ دستگاه‌های مسئول شامل بانک مرکزی، سازمان مدیریت و وزارت اقتصاد به وظایفشان، به زودی همگان شاهد یک تحول بسیار خوب در نظام مالی و اقتصادی کشور باشند.

روحانی همچنین از دکتر جهانگیری و ستاد اقتصادی دولت و همه دست‌اندرکاران طرح تحول نظام بانکی کشور قدردانی کرد.

محمد طاهری : سال‌های سال است که در محافل روشنفکری ایران پیشنهادهایی برای الگوی توسعه در ایران مطرح می‌شود. در طول ۱۰۰ سال گذشته گاهی شوروی الگوی پیشنهادی روشنفکران بوده و گاهی آمریکا. گاهی الگوی آلمان پیشنهاد شده و گاهی تجربه ژاپن. این اواخر هم الگوی سوئد به عنوان اتوپیای روشنفکران ایرانی مطرح شده است. احتمالاً با این تصور که چون این کشور سوسیال دموکرات است، الگوی اقتصادی‌اش نیز مبتنی بر سوسیالیسم است. گذشته از آنکه این پیشنهادها روزگاری مطرح شده‌اند و بعدها به فراموشی سپرده شده‌اند. حال این پرسش مطرح می‌شود که چرا در ایران این قدر تشنگت فکری در حوزه ادبیات توسعه وجود دارد؟ پاسخ به این پرسش و پرسش‌های مهم دیگر را دو مشاور ارشد رئیس‌جمهور در یک میزگرد داده‌اند. مسعود نیلی که مشاور ارشد رئیس‌جمهور در مسائل اقتصادی است و محمود سریع‌القلم که مشاوره رئیس‌جمهور در مسائل سیاسی را بر عهده دارد. این میزگرد در ماهنامه مهرنامه انعکاس یافته و دو اندیشمند سرشناس ایرانی به انعکاس دیدگاه‌های خود درباره توسعه پرداخته‌اند.

مسعود نیلی این‌گونه پاسخ می‌دهد: «گاهی می‌شنویم و می‌بینیم که عده‌ای پیشنهاد می‌دهند ایران در پیشبرد توسعه از الگوی چین یا الگوی ژاپن یا این اواخر، الگوی سوئد استفاده کند. خیلی قابل فهم نیست که برداشت ما از مقوله توسعه این قدر سطحی و کم‌عمق باشد به این دلیل که الگوی ژاپن یا الگوی سوئد، قرص یا شربت نیست که بتوانیم از داروخانه تهیه کنیم و بعد مثل این کشورها توسعه یافته شویم. یا اینکه فکر کنیم متنی یا گزارشی یا مقاله‌ای وجود دارد و ما اگر به تک‌تک توصیه‌های این متن توجه کنیم، می‌توانیم براساس الگوی آن کشوری پیشرفته شویم.»

مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور در پاسخ به این پرسش که مبانی یا اصول مشترک کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه



میزگرد مشاوران اقتصادی و سیاسی روحانی

نیلی: توسعه چهار اصل مهم دارد سریع‌القلم: در تعریف توسعه اجماع نداریم

یعنی اینکه خط قرمز دولت کجاست؟ کجا می‌تواند ورود پیدا کند و کجا نباید وارد شود؟

اصل سوم: نحوه تعامل با دنیاست. ارتباط یک کشور با دنیا چگونه باید باشد؟ اصل چهارم: تعریف نظام حمایتی است. قاعده و چارچوب حمایت‌های دولتی چیست؟

به اعتقاد مسعود نیلی، همه کشورهای توسعه یافته در مسیر توسعه گام برداشته‌اند، به این پرسش‌ها به صراحت پاسخ داده و این اصول و مبانی را به شکل شفاف و صریح ترسیم کرده‌اند.

او در ادامه این تحلیل به مبحث نهادهای اقتصادی اشاره می‌کند و می‌گوید: «نهادهای اقتصادی تشبیه شده بازی که روی انگیزه آحاد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. نهادهای قوانین و قیودی هستند که باعث ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات می‌شوند. در

چیست؟ می‌گوید: «اصول توسعه در همه کشورها یکسان است اما این الگوی توسعه است که می‌تواند تفاوت داشته باشد. هر کشوری برای اینکه بخواهد به رفاه پایدار و توسعه برسد، اصولی را رعایت می‌کند اما ممکن است براساس شرایط فرهنگی، جغرافیایی، منابع طبیعی و مسیرهای طی شده قبلی، الگوها متفاوت باشند.»

آن‌گونه که دکتر نیلی اعتقاد دارد، اگر ذره بین بگذاریم و اقتصاد کشورهای توسعه یافته را تک‌تک مطالعه کنیم، می‌بینیم در چهار اصل با هم انطباق دارند یا حداقل اینکه به هم نزدیک هستند. او این چهار اصل را این‌گونه برمی‌شمرد.

اصل اول: حیطة آزادی عمل بخش خصوصی است. یعنی اینکه بخش خصوصی چقدر می‌تواند روی حقوق مالکیت و دیگر حقوق خود اطمینان داشته باشد.

اصل دوم: حیطة دخالت‌های دولت است.



در آن فعالیت دارند. چشم اندازی برای خود ترسیم کند؟ یا اینکه یک بنگاه اقتصادی به شکلی انحصار ایجاد کرده که دیگر بنگاه ها نمی توانند وارد بازار شوند. یک فعال اقتصادی می تواند با تکیه بر لیاقت خود، در بازاری رقابتی برای خود چشم اندازی ترسیم کند و سهمی از بازار را در اختیار بگیرد؟

به این ترتیب مسعود نیلی این گونه نتیجه می گیرد: «قرار نیست به فروشگاهی مراجعه کنیم تا کالای مطلوب خود را بخریم و مصرف کنیم و توسعه یافته شویم. می خواهیم اول این پدیده را بشناسیم و بعد برای استقرار آن هزینه پردازیم. اگر کشوری به لحاظ کیفیت سیاسی، به حدی از بلوغ رسید که توانست توسعه اقتصادی را به عنوان یک ضرورت نهادینه کند، می تواند سه نهاد اقتصادی را ایجاد کند.

مبهم ترین تعاریف توسعه را داریم

تعریف محمود سریع القلم از توسعه نزدیک به دیدگاه مسعود نیلی است اما او مفصل تر و مبسوط تر به تشریح دیدگاه خود می پردازد. او نیز در ابتدای این میزگرد نسبت به تشتت فکری در حوزه ادبیات توسعه ابراز نگرانی می کند و می گوید: «کشور ما صاحب مبهم ترین تعاریف در این حوزه

را تضمین کند. یعنی من اگر با بنگاهی یا فردی، به هر شکل قراردادی بسته ام، این قرارداد استحکام داشته باشد. استحکام این قرارداد بستگی به قدرت و کارآمدی قوه قضائیه دارد.

۳ - نهاد سوم، موضوع رقابت و انحصار است. یعنی اینکه فعال اقتصادی می تواند در بازاری که یک یا چند بنگاه اقتصادی دیگر

بحث توسعه اقتصادی، نهادهای اقتصادی و در توسعه سیاسی نهادهای سیاسی مهم و اثرگذار هستند. اقتصاد، اندازه یک را تعیین می کند و سیاست، برش های این یک را مشخص می کند و اینکه چه فرد یا گروهی چقدر از این یک سهم دارد.»

به این ترتیب او به تفکیک نهادهای اقتصادی می پردازد و می گوید: «نهادهای اقتصادی را در سه نهاد خلاصه می کنیم و می گوئیم اگر این سه نهاد به درستی کار نکنند، یک کشور ممکن است به توسعه اقتصادی دست پیدا نکند. یعنی اگر کشوری نتواند سه نهاد مهم اقتصادی را تعریف کند، جز با اتکا به منابع طبیعی که آن هم نوسان خود را خواهد داشت، نمی تواند بهبودی در وضع زندگی مردم خود ایجاد کند.»

مسعود نیلی سه نهاد را این گونه تعریف می کند.

۱ - نهاد حقوق مالکیت. منظور از حقوق مالکیت داشتن سند منگوله دار نیست. بر اساس تعریف امروزی از حقوق مالکیت، من مالک همه عواید حاصل از نوآوری های خود هستم.

۲ - نهاد دومین نهاد اقتصادی، استحکام قراردادهاست. عاملی که بتواند قراردادها

دکتر نیلی: چهار اصل در

توسعه همه جوامع وجود دارد:

۱- اینکه بخش خصوصی چقدر می تواند روی حقوق مالکیت و دیگر حقوق خود اطمینان داشته باشد.

۲- اینکه خط قرمز دولت کجاست؟ کجا می تواند ورود پیدا کند و کجا نباید وارد شود؟

۳ - ارتباط یک کشور با دنیا چگونه باید باشد؟

۴- قاعده و چارچوب حمایت های دولتی چیست؟



در میان کشورهای در حال توسعه است و به همین دلیل کانونی، توسعه آن به تاخیر افتاده است چون توسعه یافتگی صراحت مفهومی می‌طلبد. ما عجیب به فضیلت ابهام علاقه داریم و در تعریف مفاهیم، و در چارچوب‌سازی مفاهیم، عموماً ضعیف هستیم.»

به اعتقاد دکتر سریع‌القلم «هر کشوری که تمایل داشت به سمت توسعه حرکت کند، اصولی را رعایت کرده است. این اصول ربطی به جغرافیا، تاریخ، فرهنگ و بعد نظام باورها یا بعد مساحت یک کشور یا ماهیت نظام سیاسی آن ندارند.»

این اصول چه هستند؟ سریع‌القلم نخستین اصل را این‌گونه برمی‌شمرد: «هیچ کشوری را پیدا نمی‌کنید که توسعه پیدا کرده، ولی دایره عملکرد آن بین‌المللی نبوده است. هر کشوری که توسعه پیدا کرده، ارتباطات گسترده بین‌المللی داشته است.»

به اعتقاد او کشورهای توسعه یافته پس از آنکه روابط بین‌المللی خود را تحکیم بخشیدند، اجرای قاعده و قانون را به عنوان یک اصل پذیرفتند و در مرحله بعد قوانین مربوط به تولید، واردات، نحوه بنگاهداری، سیستم مالیاتی و دیگر قوانین بنیادین را نوشتند. یعنی همه قبول کردند که با اصولی مشخص، فعالیت اقتصادی کنند. پذیرفتن این اصول، باعث قاعده‌مندی در این کشورها شد. قواعدی که سریع‌القلم نیز به عنوان نهادها از آن یاد می‌کند. او با اشاره به تجربه غرب می‌گوید: «در اروپا نخست نهاد اقتصادی به وجود آمد. بنگاه اقتصادی به وجود آمد و بعد نهاد سیاسی شکل گرفت. غربی‌ها در نهادهای اقتصادی، تمرین نهادی کردند و بعدها حزب تشکیل دادند و بعد تشکل‌های اجتماعی و جامعه مدنی شکل گرفت. اگر بنگاه اقتصادی در غرب به وجود نیامده بود، شاید مقدمات کار نهاد سیاسی شکل دیگری می‌گرفت.»

او تلاش می‌کند این نتیجه را بگیرد که «مردم در بنگاه‌های غربی همکاری را یاد گرفتند و فهمیدند که باید دور هم جمع شوند. هدف تعریف کنند و قواعدی را مشخص کنند. پس

از آن بود که بنگاه می‌سازند و می‌توانند ثروت تولید کنند.»

در ادامه این تحلیل، محمود سریع‌القلم تلاش می‌کند به ریشه‌های کار جمعی غربی‌ها در بنگاه اقتصادی اشاره کند و آن را به فراگیر شدن فرهنگ مدارا در غرب ربط دهد. او می‌گوید: «از نسانس، فعالیت اقتصادی در بنگاه شروع شد. جریان‌ها و گروه‌های مختلف صنعتی شکل گرفتند. موفق به استخراج معادن شدند و بعد به تجارت رو آوردند. کار جمعی را آموختند. از همه مهم‌تر فرهنگ مدارا به عنوان یک اصل سیاسی، از فعالیت اقتصادی اروپایی‌ها شروع شد.»

استاد سرشناس دانشگاه شهید بهشتی با اشاره به اهمیت تولید در شکل‌گیری عقلانیت در غرب می‌گوید: «دلیل اینکه جوامع ایدئولوژیک می‌شوند این است که تولید در میان آنان، اصل نیست. تولید به انسان‌ها، اصل همکاری را می‌آموزد. مهم‌ترین دلیل تقویت عقلانیت در چند قرن اخیر، تولید بوده است. هر چند کتاب و کنفرانس و دانشگاه مهم است اما ریشه ظهور و تکامل عقلانیت، در فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی بوده است. سپس اندیشمندان

سریع‌القلم:

هر کشوری که تمایل داشت به سمت توسعه حرکت کند، اصولی را رعایت کرده است. این اصول ربطی به جغرافیا، تاریخ، فرهنگ و بعد نظام باورها یا بعد مساحت یک کشور یا ماهیت نظام سیاسی آن ندارند، هیچ کشوری را پیدا نمی‌کنید که توسعه پیدا کرده، ولی دایره عملکرد آن بین‌المللی نبوده است. هر کشوری که توسعه پیدا کرده، ارتباطات گسترده بین‌المللی دارد.»



سیاسی و فلاسفه آنچه آنان انجام داده‌اند را نظریه‌پردازی کرده‌اند. ایدئولوژیک به معنای جزئی بودن ریشه در عدم خلاقیت فکری دارد. خلاقیت فکری نیز به تولید و آزادی عمل در تولید مربوط است. بنابراین، اصل مدارا میان انسان‌ها به فعالیت اقتصادی آنها مربوط می‌شود که زمینه‌ساز عقلانیت است و سپس صورت تکامل یافته آن در سیاست ظاهر می‌شود.»

مشاور سیاسی رئیس‌جمهور در ادامه این بحث با ارائه تعریفی نزدیک به آنچه مسعود نیلی درباره نهادها مطرح کرد، می‌گوید: «نهاد، یعنی عده‌ای به قواعدی اعتقاد دارند و به آن پایبند هستند و بر اساس آن فعالیت می‌تواند اقتصادی باشد یا مدنی باشد. می‌تواند حقوق بشری یا سیاسی باشد. همچنین می‌تواند اجتماعی یا آموزشی باشد. پایبندی به قواعد خیلی مهم است.»

آن‌گونه که محمود سریع‌القلم در این میزگرد مطرح کرده، بوروکراسی به عنوان یکی از اصول توسعه، از سال ۱۷۰۰ در اروپا شکل گرفته است. در انگلیس، قاعده و قانون، به وجود آمد و بعد به قسمت‌های دیگر اروپا تسری یافته است. این نظام اداری در بعضی کشورها از جمله کشورهای جنوب اروپا با تاخیر و برای بعضی کشورها مثل هلند و آلمان خیلی سریع شکل گرفته و بعدها به آمریکا تسری یافته است.

به این ترتیب دکتر سریع‌القلم از بوروکراسی هم به عنوان یکی از اصول توسعه نام می‌برد و می‌گوید: «بوروکراسی یعنی مجموعه ادارات و نظام اداری، که بر اساس قواعد و قوانین و آیین‌نامه‌ها کار توسعه را تسهیل می‌کنند.»

مشاور سیاسی رئیس‌جمهور یکی دیگر از اصول توسعه را تفکیک قدرت اقتصادی از قدرت سیاسی می‌داند که «میلتون فریدمن» هم موفقیت بازار آزاد را در آن دانسته و آن را به عنوان مقدمه توسعه سیاسی و دموکراسی مطرح کرده است. او اعتقاد دارد فعالیت اقتصادی و قدرت اقتصادی باید از حوزه‌های قدرت سیاسی تفکیک شوند.

مشاور سیاسی رئیس‌جمهور از نیروی محرکه توسعه به عنوان یکی از اصول آن نام برده

و گفته «توسعه، نیروی محرکه می‌خواهد و باید در نظر داشت که توسعه یک انتخاب است. نیروی محرکه توسعه در غرب، جوامع بوده‌اند. صنعتگران و تجار و حتی مرکانتالیست‌ها بودند.»

او معتقد است «مردم می‌توانند دور هم جمع شوند و تشکل پیدا کنند، آموزش ببینند. این روند، طولانی است. اما حاکمیت‌ها وقتی تصمیم به توسعه می‌گیرند، کارها خیلی سریع‌تر انجام می‌شود.»

تجربه چین، مثالی است که آقای سریع‌القلم مطرح می‌کند و می‌گوید: «چین ۴۰ سال قبل را در نظر بگیرید، فقر عمومی حاکم بود و مردم به سختی زندگی می‌کردند. در دوره «مائوتسه تونگ» فقر عمومی در سطح اکثریت حاکم بود اما در درون حزب کمونیست چین، افرادی چون «دن شیائوپنگ» ظهور می‌کنند و می‌گویند به این شکل نمی‌توانیم زندگی کنیم. همسایه ما ژاپن است که تبدیل به اقتصاد دوم جهان شده اما ما کشوری هستیم، با این همه جمعیت و امکانات ولی مردم ما از گرسنگی می‌میرند. شیائوپنگ و همفکرانش آنقدر

تلاش می‌کنند تا در نهایت موفق می‌شوند. برای تغییر وضع موجود، اجماع ایجاد کنند. جامعه چین هم می‌پذیرد که تغییر و توسعه به نفع مردم است. رسیدن به فهم مشترک از وضع یک کشور، شرط موتور محرکه بودن حاکمیت است.»

او پذیرش این نکته را که بخش خصوصی یکی از مهم‌ترین بنیان‌های توسعه است این‌گونه تشریح می‌کند: «چه کسی تصور می‌کرد در چین، حزب کمونیست به کارآفرینان چینی بگوید اگر گردش مالی بالای دو میلیارد دلار دارید، به شما در حزب کمونیست جایگاه می‌دهیم. می‌گوید شما طرف مشورت دولت هستید. این یعنی چه؟ یعنی اینکه آن حاکمیت و آن سیستم، برای بخش خصوصی جایگاهی شایسته قائل شده است. اصل دوم که دکتر نیلی به آن اشاره کردند، یعنی بخش خصوصی برای توسعه اهمیت دارد.»

به اعتقاد دکتر سریع‌القلم، «جامعه چین فهمیده که باید تلاش کند تا عقب‌ماندگی‌ها جبران شود. این تلاش عمومی و این اراده محکم، نیروی محرکه توسعه در چین است.»

حتی کشور کوچکی مثل بوتسوانا در آفریقا، با حاکمیتی که اعتقاد به رشد دارد، به توسعه رسیده است.»

شاید یکی از مهم‌ترین اظهارات محمود سریع‌القلم در این میزگرد این بوده که به مقوله توسعه در راستای منافع حاکمیت کشورها تاکید کرده است. به اعتقاد او «حاکمیت، باید احساس کند که اگر کشور توسعه پیدا کرد و مردم ثروتمند شدند و جامعه به لحاظ اقتصادی مستقل شد، برخلاف منافع حاکمیت نیست. این اتفاقاتی است که در آمریکای لاتین و آسیا رخ داده و البته مدیریت این مساله همراه با هنرمندی پیچیده سیاسی بوده است.»

او در نهایت این‌گونه نتیجه‌گیری کرده است که «توسعه، در نهایت یک سیستم می‌خواهد. ممکن است نیروی محرکه توسعه، یک نفر مثل ماهاتیر محمد باشد، اما ماهاتیر محمد هم باید یک سیستم ایجاد کند تا توسعه محقق شود. ریشه سیستم در همکاری است؛ همکاری، برای تولید، برای توزیع، برای مدارای اجتماعی، برای رعایت قانون و همه چیز.»

در ایران برخی علاقه دارند توسعه را در خارج از اصول سرمایه‌داری و اقتصاد بازار آزاد تعریف کنند. وقتی از محمود سریع‌القلم پرسیده‌اند آیا می‌توانیم در نبرد ال‌ترناتیوها، به گزینه‌ای غیر از اقتصاد بازار آزاد یا سرمایه‌داری فکر کنیم؟ او پاسخ داده است: «اینجا دو بحث مجزا از هم داریم. یکی این است که یک جامعه، چگونه تولید می‌کند. و بعد، یکی هم اینکه جامعه چگونه ثروت را توزیع می‌کند. روش متداول تجربه‌شده جهانی، همین روش بازار آزاد است، یعنی رقابت بنگاه‌ها. وجود فناوری و بعد داشتن سهم در بازار بین‌المللی، همه اینها مشتقات بازار آزاد است. بعد می‌رسیم به اینکه، کشوری که تولید می‌کند و ثروت می‌اندوزد، چگونه ثروت را توزیع می‌کند. اینجا احتمالاً ال‌ترناتیوهای داریم. در غیر این صورت در تولید ثروت دیگر ال‌ترناتیو نداریم.»





پروژه های نیمه تمام منابع کشور را قفل کرده است

دکتر علی دینی ترکمانی - تحلیلگر مسائل اقتصادی

یک تحلیلگر مسائل اقتصادی گفت: در سال های گذشته منابع محدود کشور به خوبی در بخش های عمرانی و سرمایه گذاری مدیریت نشد که نتیجه آن راکد شدن منابع در دل هزاران پروژه نیمه تمام بود.

بیش از ۲۹۰۰ طرح نیمه تمام از دولت های نهم و دهم به جای مانده است که طبق بررسی های انجام شده در صورتی که دولت یازدهم بخواهد وجوه مورد نیاز برای اتمام طرح های نیمه تمام کنونی را تامین کند، به بیش از ۲ تریلیون و ۸۰ هزار میلیارد ریال (۲۰۸ هزار میلیارد تومان) اعتبار نیاز دارد.

علی دینی ترکمانی در گفت و گو با ایرنا اظهار داشت: نیمه تمام ماندن طرح ها در سال های پیش به بیکاری و تورم دامن زد زیرا به ازای هزینه هایی که صورت گرفت، تقاضا در جامعه را افزایش داد اما به تناسب آن عرضه کالا از محل به بار نشستن این پروژه ها تغییری نکرد.

وی ادامه داد: قفل شدن منابع کشور در طرح های نیمه تمام، به معوقات بانکی نیز دامن زد زیرا سرمایه گذاران وام های قابل توجهی برای راه اندازی طرح های خود از سیستم بانکی دریافت کردند اما چون طرح ها به بهره برداری نرسید، امکان پرداخت اقساط و تسویه بدهی ها فراهم نشد. دینی ترکمانی با بیان اینکه ایران از تکنولوژی روز در تولید کالا دور است، افزود: زمانی

که فضای کسب و کار بهبود نیابد، سرمایه، مغزو فناوری به این حوزه ورود پیدا نخواهد کرد. استادیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، با یادآوری بالا بودن هزینه های جاری در اقتصاد ایران، گفت: افزایش هزینه های جاری موجب افزایش تورم، افزایش مطالبات معوق، افزایش واردات و کاهش صادرات می شود. دینی ترکمانی خاطر نشان ساخت: در سال های گذشته واردات بی رویه به عامل ورشکستگی تولید داخلی تبدیل شد.

این تحلیلگر مسائل اقتصادی افزود: جلوگیری از قاچاق کالا و تلاش برای ارتقای کیفیت تولیدات داخلی نیازمند برنامه ریزی دقیق است. وی ادامه داد: بخشی از مشکلات اقتصادی کشور به توان جذب اقتصاد باز می گردد زیرا ما در تبدیل منابع حاصل از درآمدهای نفتی به سپرده های ارزی که بانک ها تجهیز می کنند، ناتوانیم. دینی ترکمانی یادآور شد: در سال های اخیر تحریم ها و کاهش بهای جهانی نفت درآمدهای ارزی کشور را کاهش داد که این امر لزوم تعادل در دخل و خرج دولت و هدایت منابع به سمت سرمایه گذاری درست را بیشتر می کند.

استادیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی افزود: راهکار اساسی برای کاهش تورم، کاهش بیکاری و حل مشکل رکود این است که ظرفیت جذب را ارتقا دهیم زیرا در این

صورت می توان منابع درآمدی را به پروژه های سرمایه گذاری تبدیل کرد.

وی بر کاهش هزینه های جاری دولت از بودجه کل کشور تاکید کرد و گفت: موازی قرار گرفتن دستگاه ها سبب افزایش سهم هزینه های جاری در بودجه می شود و در نتیجه سهم هزینه های عمرانی را کاهش می دهد.

دینی ترکمانی، با یادآوری اینکه بیش از نیمی از درآمد های نفتی به جای ظرفیت سازی های مولد، صرف هزینه های جاری می شود، افزود: این هزینه ها فقط مربوط به دولت نمی شود بلکه به دستگاه حاکمیتی، به معنای اعم کلمه ارتباط پیدا می کند.

استادیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی اضافه کرد: برای حل مشکل هزینه های جاری، حل مشکل بیکاری، افزایش سهم هزینه های عمرانی، صرف منابع بودجه برای سرمایه گذاری ها و بالا بردن سطح تولید، ابتدا باید بدنه دستگاه های حاکمیتی ترمیم و کوچک سازی شود.

این تحلیلگر اقتصادی افزود: اگر فقط روی کوچک شدن قوه مجریه یا دولت تاکید کنیم، به کاهش هزینه های اجتماعی (بهداشت و درمان) و هزینه های فرهنگی (آموزش و پرورش) کمک کرده ایم که آثار ضد توسعه ای قابل توجهی در پی خواهد داشت.

مسابقه باخت - باخت چرا؟



مهندس فریدون پورنیا / شرکت پایاساز

می‌رود و بانک‌هایی که مرتباً درگیر ضبط انواع ضمانت‌نامه‌ها و وثائق آنها با مراجعه به دادگاه‌ها و مراجع قانونی خواهند بود سود و ثمر دیگری نخواهد داشت، علی‌رغم اینکه به گواهی بانک‌ها شرکت‌های ساختمانی با تمامی مشکلات موجود با انجام تعهدات بانکی خود تاکنون جزء بهترین مشتری‌های سیستم بانکی کشور بوده‌اند.

جالب‌ترینجاست که اکثریت قریب به اتفاق عقلا در کارفرمایان، مشاوران و مجریان طرح‌ها، به این واقعیت تلخ ایمان داشته و وقوف کامل دارند که آینده روشنی در انتظار هیچ یک از دست‌اندرکاران در اینگونه پروژه‌ها نبوده و کاملاً آمادگی هرگونه مقابله و برخورد با انواع مشکلات قریب‌الوقوع در آنها را دارا می‌باشند.

و افسوس و صدافسوس که ما دست‌اندرکاران، بخش خصوصی را مسبب و علت اصلی و اساسی در این پدیده که واقعاً "مسابقه مرگ" براننده‌ترین نامگذاری برای آن می‌باشد، می‌دانند.

همگی ما آگاهیم که اینگونه قیمت دادن که در جداول مشاهده می‌گردد اثر عمده کاهنده‌ای نیز در محاسبات قیمت در دامنه داشته و عملاً نظرات و محاسبات مشاور و کارفرما را بلااثر نموده و بدتر اینکه شباهت و تفکرات عجیب و غریبی را در اذهان قلبی از عوامل ذی‌نقش که متأسفانه به هر دلیل دیده و نظر نیکویی نسبت به بخش خصوصی دارا نبوده و نمی‌باشند، ایجاد می‌نماید.

مدیریت این شرکت با سابقه ۴۵ ساله در حرفه و خود شرکت با سابقه حضور ۳۸ ساله در صنعت احداث کشور به تمامی مشکلات دامنگیر همکاران عزیز از هر نوع و شکل که موجب و محمل و استدلال اینگونه قیمت دادن می‌گردد، آشنائی و وقوف کامل دارد اما مرتباً این سؤال بزرگ و زجرآور آزارمان می‌دهد که آیا واقعاً از چاله در نمی‌آئیم تا به چاه بیفتیم؟ و یا استمرار اینگونه رقابت‌های مرگ‌آور سرنوشت ما و شرکت‌هایمان و پروژه‌های

اختصاص اعتبارات به طرح‌های عمرانی و نیز امید به گشایش‌های پس از پسابرجام این شرکت در چند مناقصه که نتایج برخی از آنها در ادامه منعکس گردیده، شرکت نمود.

نتایج: بسیار شگفت‌آور، ناامیدکننده و خطرناک و مصداق کامل از چاله به چاه بود، این نتایج شگفتی و تعجب شدید و گه‌گاه خنده و درد خنده اعضای کمیسیون مناقصه را نیز به همراه داشت. به حکم اخلاق مهندسی و حرفه‌ای سکوت را جایز ندانسته و صراحتاً اعلام کردیم که این خنده‌ها، گریه‌هایی به دنبال خواهد داشت و افسوس که پشیمانی برای شرکت‌هایی که تهمانده توان مالی و اعتباری خود را به باد فنا داده و با اجرای پروژه‌هایی که زیر تازیانه عوامل متعدد طبیعی و غیرطبیعی به سرعت به سوی نابودی رفته و سرمایه‌های مصروفه در آن هر روزه به هدر

اشاره: مقاله ذیل درباره نقد رقابت‌های ناسالم در حوزه پروژه‌های عمرانی است. نویسنده مقاله اعتقاد دارد که تعدیل غیرواقعی قیمت‌های اعلام شده در مناقصات عمومی پروژه‌های عمرانی زنگ خطر را برای شرکت‌های عمرانی به صدا در آورده و این تعدیل‌ها که ناشی از رقابت‌های مخرب و نادیده گرفتن اصول و قواعد حرفه‌ای و اخلاقی است، سوت مسابقه‌ای را به صدا در آورده که در آن همه بازنده‌اند. چرا که نگاهی به برخی قیمت‌های اعلام شده نشان می‌دهد که برخی از شرکت‌های به گونه‌ای در مناقصات شرکت می‌کنند که به اصول اولیه برآورد هزینه‌های پایبندی ندارند و دانسته یا نادانسته فضای فعالیت در این حوزه را مخدوش و مشوش ساخته‌اند. در اینکه رقابت شرکت‌ها در مناقصات باید براساس اصول و قواعد نانوشته اخلاقی و حرفه‌ای باشد.

مجله آبادگران ضمن اینکه نویسندگان و کارشناسان را به رعایت قواعد نقد دعوت می‌کند آمادگی انتشار هرگونه نظر موافق و مخالف که متضمن نکات اخلاقی و حرفه‌ای در این باره باشد را اعلام می‌کند.

بدیهی است که گفت‌وگو درباره قواعد حرفه‌ای و نقد به آسیب‌های موجود می‌تواند راهگشا و سازنده باشد. مقاله ذیل به قلم یکی از فعالان این حوزه است که فارغ از تأیید یا رد محتوای آن صرفاً جهت اطلاع فعالان صنف و هرگونه نقد و نظر آنها منتشر می‌شود.

**یکی بر سر شاخ بن می‌برید
خداوند بستان نظر کرد و دید
بگفتا گر این مرد بد می‌کند
نه با من که با نفس خود می‌کند**

در ماه‌های پایانی سال ۹۴ و آغازین سال ۹۵، پس از مدت‌ها انتظار و با امید به بهبود شرایط

تعدیل غیرواقعی قیمت‌های اعلام شده در مناقصات عمومی پروژه‌های عمرانی زنگ خطر را برای شرکت‌های عمرانی به صدا در آورده و این تعدیل‌ها که ناشی از رقابت‌های مخرب و نادیده گرفتن اصول و قواعد حرفه‌ای و اخلاقی است، سوت مسابقه‌ای را به صدا در آورده که در آن همه بازنده‌اند. چرا که نگاهی به برخی قیمت‌های اعلام شده نشان می‌دهد که برخی از شرکت‌های به گونه‌ای در مناقصات شرکت می‌کنند که به اصول اولیه برآورد هزینه‌های پایبندی ندارند و دانسته یا نادانسته فضای فعالیت در این حوزه را مخدوش و مشوش ساخته‌اند.



پیام آبادگران
تیر ۱۳۹۵
شماره ۳۴۴



مورد تعهدمان را به ناکجا نخواهد برد؟

تکلیف "اصول اخلاق حرفه‌ای مهندسی اخیرالتصویب در هیأت محترم وزیران" چه خواهد شد؟ با این گونه قراردادهایی که با این قیمت‌ها منعقد می‌گردند چگونه می‌توانیم حیثیت و شخصیت حرفه‌ای و صنفی و مهندسی خود را حفظ کنیم؟

ما اطمینان داریم که مجریان و کارفرمایان و مشاوران متعهد کشور، خود نیز به هیچ‌وجه با اینگونه قیمت دادن‌ها موافق نبوده و نگران آینده تک‌تک پروژه‌های خود که با اینگونه قیمت‌ها به قرارداد منجر می‌شود، می‌باشند.

بنابراین به نظر می‌رسد که ضرورت و حساسیت موضوع ایجاب می‌نماید تا سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران در این مورد چاره‌ای عاجل اندیشیده و با مذاکرات لازم با دست‌اندرکاران در بخش خصوصی و عمدتاً شرکت‌های محترم عضو سندیکا و نیز مسئولان در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و همچنین وزرای محترم راه و شهرسازی، نیرو، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و دیگر وزرای محترم متولی امر و اعضاء محترم کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی با اتخاذ روش‌های معقول و منطقی و متفاوت با روش‌های فعلی از واگذاری طرح‌های عمرانی با قیمت‌هایی که از ابتدا مشخصاً غیرقابل قبول و غیراجرایی می‌باشند جلوگیری نمایند.

طبعاً بانک‌های عامل نیز باید با دقت بیشتری در تأدیه ضمانت‌نامه‌ها اقدام کرده و منافع کوتاه‌مدت رافدای زبان‌های آتی ننمایند و یقین داشته باشند پروژه‌هایی که با قیمت‌های غیرواقعی به قرارداد می‌رسند دیر یا زود با مشکلات عدیده‌ای که بخشی از آنها نیز دامنگیر بانک‌های صادرکننده ضمانت‌نامه‌ها خواهد شد مواجه خواهند بود و اصلح است در اینگونه موارد از نظرات مشورتی سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران استفاده

نمایند.

با احترام کامل به نظرات همکاران محترم و سخت‌کوش عضو سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران و نیز دیگر همکاران در بخش خصوصی و با علم و آگاهی از مشکلات عدیده‌ای که ما را به سوی اعلام قیمت‌های این‌چنینی می‌کشاند اطمینان داریم اختلاف قیمت‌ها در جداول نمی‌تواند تماماً ناشی از زیاده‌خواهی و ناآگاهی همکارانی باشد که بالاترین قیمت‌ها را داده‌اند و نیز نمی‌تواند ناشی از توانمندی و امکانات همکارانی باشد که پائین‌ترین قیمت‌ها را داده‌اند و این "مسابقه مرگ" نابودی و فتنای بنگاه‌های ما را به دنبال خواهد داشت، بنگاه‌هایی که به قیمت صرف تمامی عمرمان به

بهترین زمان برای آزمون خودمان به لحاظ رعایت و یا عدم رعایت تمامی استانداردهای اخلاقی، فنی و مهندسی هنگامی است که تحت شدیدترین فشارهای رقابتی قرار داریم، در هر صورت ما از پایبندی به اصول منتفع خواهیم شد چرا که با اینگونه عملکرد رقبای حرفه‌ای و کارفرمایان به ما و کارمان و معیارهای اخلاقی، مهندسی و حرفه‌ای‌مان ایمان و اعتماد و اعتقاد پیدا می‌کنند.

وجود آمده و به قیمت سپیدی موها و ضایعات جسمی و عصبی‌مان سرپا ایستاده‌اند.

ما باید بدانیم بهترین زمان برای آزمون خودمان به لحاظ رعایت و یا عدم رعایت تمامی استانداردهای اخلاقی، فنی و مهندسی هنگامی است که تحت شدیدترین فشارهای رقابتی قرار داریم، در هر صورت ما از پایبندی به اصول منتفع خواهیم شد چرا که با اینگونه عملکرد رقبای حرفه‌ای و کارفرمایان به ما و کارمان و معیارهای اخلاقی، مهندسی و حرفه‌ای‌مان ایمان و اعتماد و اعتقاد پیدا می‌کنند.

بدون تردید همه ما در معرض وسوسه‌های ناشی از چنین فشارهایی قرار داشته و داریم، وسوسه‌هایی که به ما می‌گویند "اگر من اینکار را انجام ندهم یک نفر دیگر اینکار را انجام می‌دهد پس چه بهتر که از قافله عقب نمانده و خودم اینکار را انجام دهم"، در پاسخ به این وسوسه‌ها باید گفت کار نادرست غیرقابل پذیرش و غیراخلاقی است حتی اگر انجام ندادن آن مساوی با از دست دادن موقعیت‌ها در عرصه رقابت باشد، که یقیناً این موقعیت‌ها نیز به سرعت از دست نرفته و پایان نمی‌یابند.

بیانیم خود را از اتهام دارا بودن نقش اصلی و تعیین‌کننده در کاهش نگران‌کننده قیمت در مناقصات مبران‌نموده و این نقش را که منفی‌ترین نقش در صحنه سازندگی میهن عزیزمان می‌باشد به دیگرانی که ظرف این سالیان دراز عهده‌دار اجرای این نقش بوده و بدترین لطمات را به صنعت احداث کشور و سرمایه‌های در گردش آن وارد نموده‌اند واگذار نماییم.

باشد که تا در آینده گناه توقف پروژه‌ها و مشکلات پیمانکاران بر کمر خمیده بخش خصوصی سنگینی نموده و منجر به شکست کامل آنان نگردد.





صنعت احداث و قانون بودجه سال ۱۳۹۵

محمد تکلی - عضو کمیسیون اقتصاد



پیام آبادگران
تیر ۱۳۹۵
شماره ۳۴۴

تبصره با رقم (۹/۷۸۵/۵۲۹/۹۷۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال) از حیث منابع و مصارف در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ بیست و هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۵/۲/۲۹ به تأیید شورای نگهبان رسید و برای اجرا ابلاغ گردید.

حال با توجه به اهمیت این قانون برای صنعت احداث کشور و با عنایت به اینکه اعتبار احکام مقرر در قانون سالیانه می باشد و نیاز است اعضای صنف ما از احکام قانون مطلع باشند فارغ از هرگونه نقد و اظهار نظر در خصوص نحوه تخصیص و بودجه بندی و تحقق بودجه های عمرانی که تحقق این بخش از بودجه از مهم ترین خواسته های این حرفه می باشد که شاید در مطلبی دیگر به آن بپردازیم به جهت سهولت بررسی و آگاهی از مفاد مرتبط در جدولی به شرح ذیل برای صنف و صنعت احداث احصا نموده ایم که امید است مورد توجه قرار گیرد.

پیش بینی درآمد و دیگر منابع تأمین اعتبار.

۳ - بودجه مؤسساتی که تحت عنوان غیر از عناوین فوق در بودجه کشور منظور می شود».

یکی از عوامل فلسفه وجودی بودجه که در ایجاد بودجه بندی و بودجه نویسی نقش داشته است منابع و امکانات محدود است که دولت ها و حتی شرکت ها و مؤسسات خصوصی را هم نیازمند به تعریف بودجه می نماید.

بودجه علاوه بر مفاهیم و موضوعات فوق دارای اصولی است، از جمله: اصل تعادل بودجه، اصل تقدم درآمد بر هزینه، اصل وحدت بودجه و اصل سالانه بودن بودجه که یکی از مهم ترین اصول بودجه است که منظور ما در این مطلب به این اصل ختم می گردد.

یکی از نتایج مهم اصل سالانه بودن بودجه این است که ارزش و اعتبار حقوقی احکام مقرر در قانون بودجه موقتی و یک ساله است.

ماده واحده ای به نام قانون بودجه ۱۳۹۵ در ۳۴

بودجه در قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ مجلس شورای اسلامی بدین شرح تعریف شده است: «بودجه کل کشور برنامه مالی دولت است که برای یک سال مالی تهیه و حاوی پیش بینی درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار و برآورد هزینه ها برای انجام عملیاتی که منجر به نیل سیاست ها و هدف های قانونی می شود و متشکل از سه بخش به شرح زیر است:

۱- بودجه عمومی دولت که شامل اجزای زیر است:

الف) پیش بینی دریافت ها و منابع تأمین اعتبار که مستقیم و غیرمستقیم در سال مالی قانون بودجه به وسیله دستگاه ها از طریق حساب های خزانه داری کل گرفته می شود.

ب) پیش بینی پرداخت هایی که از محل درآمد عمومی یا اختصاصی برای اعتبارات جاری و عمرانی و اختصاصی دستگاه های اجرایی، می تواند در سال مربوط انجام دهد.

۲ - بودجه شرکت های دولتی و بانک ها شامل

«مفاد مرتبط قانون بودجه سال ۱۳۹۵ با صنعت احداث»

ردیف	بند	تبصره	موضوع	شرح بند
۱	الف	۱	سهام صندوق توسعه ملی از ارزش فروش نفت و ..	به موجب این بند سهم صندوق توسعه ملی بیست درصد (۲۰درصد) تعیین گردیده که بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است بیست درصد (۲۰درصد) منابع حاصل از ارزش صادرات نفت، گاز طبیعی و فرآورده های نفتی را به حساب صندوق توسعه ملی واریز کند. مبالغ مذکور به صورت ماهانه واریز و از ماه یازدهم سال محاسبه و تسویه می شود.
۲	ج	۱	انتشار اوراق مشارکت توسط وزارت نفت	انتشار اوراق مشارکت ارزی -ریالی از طریق بازار سرمایه در سقف پنجاه هزار میلیارد (۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال با تضمین بازپرداخت اصل و سود این اوراق توسط وزارت نفت از محل افزایش تولید نسبت به ارقام مصوب همان سال اقدام کند.
۳	الف	۲	واگذاری سهام شرکتهای دولتی به بخش خصوصی	الف - به دولت اجازه داده می شود از طریق جدول شماره (۱۳) این قانون و بدهی خود به بخشهای خصوصی و تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی را از محل واگذاری سهام و سهم الشرکه متعلق به دولت و مؤسسات و شرکتهای دولتی را از طریق جدول شماره (۱۸) این قانون پرداخت کند.
۴		۳	فاینانس خارجی	در سال ۱۳۹۵ سقف تسهیلات تأمین مالی خارجی (فاینانس) علاوه بر باقیمانده سهمیه سه ماهه قبلی، معادل ریالی پنجاه میلیارد (۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) دلار تعیین می شود. دستگاههای اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و بخشهای خصوصی و تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی با سپردن تضمین های لازم به بانکهای عامل می توانند از تسهیلات مذکور استفاده کنند.
۵	ب	۴	اعطای تسهیلات ارزی به بخش خصوصی - صندوق توسعه ملی	به صندوق توسعه ملی اجازه داده می شود که در سال ۱۳۹۵ نسبت به اعطای تسهیلات ارزی به سرمایه گذاران بخشهای خصوصی، تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی برای طرحهای توسعه ای بالادستی نفت و گاز با اولویت میدان های مشترک و جمع آوری گازهای همراه با تضمین وزارت نفت و بدون انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخازن و تولیدی از آنها اقدام کند.
۶	الف	۵	انتشار اوراق مشارکت تا سقف یکصد هزار میلیارد ریال شرکتهای دولتی تابعه وزارتخانه ها	به شرکتهای وابسته و تابعه وزارتخانه های نیرو، نفت، راه و شهرسازی، اجازه داده می شود با رعایت قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت مصوب ۱۳۷۶/۶/۳۰ تا سقف یکصد هزار میلیارد (۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال برای اجرای طرحهای انتفاعی دارای توجیه فنی، اقتصادی و مالی خود با اولویت اجرای پروژه ها و طرحهای میدان نفت و گاز مشترک با همسایگان و مهار آبهای مرزی، طرحهای حمل و نقل به ویژه وسائط نقلیه برقی، طرحهای آبرسانی و تأمین آب، احداث و تکمیل طرحهای آب شیرین کن، تکمیل شبکه جمع آوری و انتقال فاضلاب با تضمین خود در خصوص اصل و سود، منتشر کنند.
۷	ب	۵	انتشار اوراق مشارکت توسط دولت برای طرحهای نیمه تمام	به دولت اجازه داده می شود تا مبلغ پنجاه هزار میلیارد (۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال اوراق مشارکت ریالی با تضمین خود با بازپرداخت اصل و سود آن به منظور اجرای طرحهای انتفاعی دارای توجیه فنی، اقتصادی و مالی و طبق قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت منتشر کند منابع واریزی به طرحهای تملک دارایی های سرمایه ای نیمه تمام مندرج در پیوست شماره (۱) این قانون اختصاص می یابد تا براساس مبادله موافقتنامه با سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور هزینه شود.
۸	ج	۵	واگذاری اوراق مشارکت فروش نرفته به پیمانکاران طرحهای عمرانی	اوراق مشارکت فروش نرفته طرحهای بندهای (الف) و (ب) این تبصره، قابل واگذاری به پیمانکاران، مشاوران و تأمین کنندگان تجهیزات همان طرحها در سقف مطالبات معوق طرح با تأیید رئیس دستگاه اجرایی، ذی حساب ذی ربط و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور است. اوراق واگذار شده، قابل باز خرید قبل از سررسید توسط بانک عامل نیست.
۹	د	۵	انتشار اوراق مشارکت و توسط شهرداری ها	به شهرداری های کشور و سازمان های وابسته به آنها اجازه داده می شود به طور مشترک یا انفرادی با مجوز بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و با تأیید وزارت کشور تا سقف هفتاد هزار میلیارد (۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال اوراق مشارکت و صکوک اسلامی با تضمین خود با بازپرداخت اصل و سود آن با رعایت قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت و آیین نامه اجرایی آن توسط شهرداری ها منتشر کنند. حداقل پنجاه درصد (۵۰درصد) از سقف اوراق موضوع این بند به طرحهای قطار شهری اختصاص می یابد
۱۰	هـ	۵	انتشار اسناد خزانه اسلامی بابت تسویه بدهی دولت بابت طرحهای تملک سرمایه ای	دولت مجاز است اسناد خزانه اسلامی با حفظ قدرت خرید را با سررسید یک تا سه سال به صورت بی نام و یا بانام، صادر کند و به منظور تسویه بدهی مسجل خود بابت طرحهای تملک دارایی های سرمایه ای تا سقف هفتاد و پنج هزار میلیارد (۷۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال به طلبکاران غیردولتی واگذار کند. اسناد مزبور از پرداخت هرگونه مالیات معاف می باشد و به عنوان ابزار مالی با امضای وزیر امور اقتصادی و دارایی صادر می شود. اسناد خزانه اسلامی از قابلیت داد و ستد در بازار ثانویه برخوردار است و سازمان بورس و اوراق بهادار باید ترتیبات انجام معامله ثانویه آنها را در بازار بورس یا فرابورس فراهم کند.
۱۱	و	۵	انتشار اوراق تسویه خزانه	به دولت اجازه داده می شود در سال ۱۳۹۵ بدهیهای قطعی خود به اشخاص حقیقی و حقوقی تعاونی و خصوصی را که در چهارچوب مقررات مربوط تا پایان سال ۱۳۹۳ ایجاد شده، با مطالبات قطعی دولت (وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی) از اشخاص مزبور تا مبلغ یکصد و بیست و پنج هزار میلیارد (۱۲۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال به صورت جمعی - خرجی تسویه کند. بدین منظور وزارت امور اقتصادی و دارایی، اسناد تعهدی خاصی را با عنوان «اوراق تسویه خزانه» صادر می کند و در اختیار اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و تعاونی طلبکار و متقابلاً بدهکار قرار می دهد. این اسناد صرفاً به منظور تسویه بدهی اشخاص یاد شده به دستگاههای اجرایی و شرکتهای و مؤسسات دولتی مورد استفاده قرار می گیرد.
۱۲	ز	۵	انتشار اوراق خزانه اسلامی توسط دولت	به منظور استمرار جریان پرداخت های خزانه داری کل کشور، به دولت اجازه داده می شود تا مبلغ یکصد هزار میلیارد (۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال اسناد خزانه اسلامی منتشر و اسناد مزبور را صرف تخصیص های اولویت دار ابلاغی از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور موضوع قانون بودجه سال ۱۳۹۵ کند
۱۳	ب	۶	تمدید مدت اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده	مدت اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ و اصلاحات بعدی آن تا پایان سال ۱۳۹۵ تمدید می شود.
۱۴	ح	۶	حکم قانون مالیات و قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر مصوب ۱۳۹۴	اصلاحیه قانون مالیات های مستقیم مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۱ و همچنین احکام مالیاتی قوانین رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱۳۹۴/۲/۱ و الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) در سال ۱۳۹۵ مجری می باشد.
۱۵		۱۸	حکم پرداخت مالیات بر ارزش افزوده پیمانکاران	دستگاههای اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و قراردادهای پیمانکاری مکلفند حداکثر تا پایان ماه بعد از تاریخ دریافت صورت وضعیت یا صورت حساب حسب مورد، مالیات متعلق به قراردادهای پیمانکاری مربوط به پیمانکار را پرداخت نمایند. در غیر این صورت، حسب درخواست مؤدی (پیمانکار)، اصل مالیات و جریمه های متعلق از طریق عملیات اجرایی از کارفرما وصول و به حسابهای تعیین شده سازمان امور مالیاتی کشور واریز می شود. در این صورت اصل مالیات وصولی به حساب مؤدی ذی ربط منظور و حسب مقررات مربوط به مؤدی مزبور مسترد خواهد شد. جریمه استنکاف کارفرما، معادل ده درصد (۱۰درصد) مالیات پرداخت نشده محاسبه و مطالبه می شود. همچنین تأخیر در پرداخت مالیات های موضوع این تبصره در موارد مقرر موجب تعلق جریمه به میزان دو درصد (۲درصد) در ماه نسبت به مالیات پرداخت نشده از زمان انتظار مهلت تسلیم اظهارنامه یا سررسید پرداخت مالیات، هر کدام که مقدم باشد، است. در این صورت پیمانکاران و مهندسان مشاور در رابطه با پرداخت مالیات متعلق و جرائم مذکور مسؤولیتی نخواهند داشت.



آنچه استراتژیست‌ها باید بدانند

ویژگی‌های مدیران از تولد تا مرگ سازمان

پرویز نصرتی کردکندی - عضو انجمن ایرانیان فارغ التحصیل ژاپن

می‌گویند. این مدیران در هر جایی از سازمان قابل شناسایی هستند و می‌توانند در هر حوزه‌ای از کارکردهای سازمان مسئولیت داشته باشند، این افراد معمولاً صبح اولین نفر در شرکت حضور پیدا می‌کنند و آخرین نفری هستند که محل کار را ترک می‌کنند، در رابطه با تفویض اختیار بسیار مقاومت می‌کنند، مرئوسان چنین مدیری بیشتر به تماشاچیان یک نمایش تئاتر شبیه هستند. تک‌تاز دوست دارد همیشه در خط اول آتش باشد و کارها با هدایت و تصمیم او پیش رود. از منظر او دلیل موفق نشدن عدم سماجت و کوشش ناکافی است، او دارای روحیه غیرمنعطف است و وقتی سازمان را ترک کند کسی توانایی انجام کار او را نخواهد داشت و خلأ بزرگی برای سازمان به وجود می‌آورد چرا که در توانمندسازی زیردستان هیچ کوششی

نقش تولیدکننده (P): وقتی مدیری با مشخصه غالب تولید کنندگی دارید به این معنی است که او در زمینه سایر نقش‌ها شایستگی کمی دارد، او به صنعت و کسب‌وکاری که انجام می‌دهد تسلط دارد و به شکل افراطی در رابطه با جبران عقب‌افتادگی‌ها بی‌قرار است، نتایج کارکردی را مدام زیر نظر دارد و دارای انگیزه‌های بالایی برای کسب موفقیت است.

اگر مدیری نقش تولیدکنندگی خوبی دارد، او توانایی تغییر جهت در شرایط بغرنج را ندارد و ارتباطات خوبی با کارکنان نمی‌تواند برقرار کند و تیم‌سازی و توسعه قابلیت کارکنان را نمی‌فهمد. او با چالش‌های جدید مطابق شرایط حل مسئله در گذشته عمل می‌کند و از بحرانی به بحران دیگر می‌رود این مدیران را تک‌تاز یا آتش‌نشان هم

در تعاریف سنتی، مدیریت با وظایفی مانند برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، سازماندهی، کنترل و ایجاد انگیزه معرفی شده است. از منظر کلاسیک مدیریت یک پدیده عمومی و یکسان انگاشته می‌شود که شیوه‌های یکسانی از آن توسط همه مدیران اعمال می‌شود، در صورتی‌که سبک‌های مختلفی برای انجام همین وظایف سنتی از سوی مدیران مختلف اعمال می‌شود که نقش‌های متفاوتی را نشان می‌دهد. دکتر هارولد کونتز Harold Koontz مدیران را در چهار ژانر یا نقش معرفی کرده است، او برای مدیر نقش تولیدکنندگی (P) producing، نقش اداره‌کنندگی (A) Administration، نقش کارآفرینی (E) Entrepreneurship و نقش یکپارچه‌کنندگی (I) Integration را در نظر گرفته است که پروفیسور ادیزس Adizes با الهام از همین تقسیم‌بندی کتاب بزرگ «چگونگی حل بحران مدیریت» را به وجود آورد. او باور دارد که هر یک از نقش‌های چهارگانه در دوره‌های مختلف عمر سازمانی کارکرد ویژه‌ای دارند و در هر مقطعی از عمر سازمانی یکی از این نقش‌ها باید با قابلیت بالایی از سوی مدیران ارائه شود تا بتواند متناسب با شرایط سازمان ایجاد هم‌افزایی کند. صرف‌نظر از این موضوع باید دقت داشت، هرگاه یکی از این نقش‌های چهارگانه در مدیران بروز نیابد، مواردی از سوءمدیریت اتفاق می‌افتد. درک این چهار نقش و پرتنگ بودن یکی از نقش‌ها، بهترین شاخص برای ارزیابی مدیران است، واضح است شاید تجمیع هر چهار نقش در مدیران به جز موارد استثنا دور از انتظار است، بنابراین درک این نقش‌ها و شناسایی آنها برای هر سازمانی الزامی است.

یکی از بهترین مدل‌های شناخته شده چرخه حیات رشد سازمانی مدل گرینر Greiner است. همان‌طور که در تصویر می‌بینید وی معتقد است یک سازمان در سیر تطور رشد خود پنج مرحله را تجربه می‌کند و در هر مرحله نیز با بحران‌های خاص خود درگیر می‌شود و اگر نتواند به این بحران‌ها فایق شود از گردونه کسب‌وکار خارج خواهد شد.



پیام‌آبادگران
تیر ۱۳۹۵
شماره ۳۴۴

نمی‌کند. این گونه مدیران برای شرکت‌هایی که تازه به وجود آمده‌اند یا کارهای روتین را انجام می‌دهند شاید مشکلی ایجاد نکند ولی به محض اینکه سازمان کمی بزرگ شود یا تغییراتی در محیط کسب و کار شروع شود بحران مدیریت نیز در سازمان رشد می‌کند.

نقش اداره‌کنندگی (A):

شایستگی برخی از مدیران در نقش اداره‌کنندگی آنها است. این نقش یکی از مولفه‌های لازم در مدیریت است و به کسانی که این نقش غالب آنها است. بوروکرات هم می‌گویند. این گروه از مدیران برای غلبه بر مشکلات، نگاه سیستمی را به کار می‌گیرند و کار را بالاتر از نتایج آن مورد کنکاش قرار می‌دهند و چگونگی انجام آن را نیز مدنظر قرار می‌دهند. یک اداره‌کننده انجام کارها را سهولت می‌بخشد ولی در تامین هدف‌های از پیش تعیین شده حساسیت کمتری نشان می‌دهد. برخی از گفتمان روزمره اداره کردن را با مدیریت کردن با معانی یکسانی قلمداد می‌کنند در صورتی که این دو واژه تفاوت‌های بزرگی با هم دارند. هرچه سازمانی متمرکزتر داشته باشد قدرت اداره‌کنندگی بیشتری وجود دارد و زمانی که سازمان با موضوع تمرکززدایی و بسط تفویض اختیار سعی به گسترش مشارکت کارکنان دارد مدیرانی که فقط اداره‌کننده هستند دچار مشکل مقبولیت می‌شوند. وقتی به یک سازمانی که مدیران بوروکرات دارد وارد می‌شوید مشاهده می‌کنید که افراد به شکل افراطی منظم هستند و کارها با نظم خاصی انجام می‌شود.

مدیر بوروکرات از ابهام گریزان است، او بر تقسیم وظایف و کار استاندارد تاکید دارد و از تغییر اجتناب می‌کند چرا که هر گونه تغییر را مخل کنترل خود می‌داند، این گونه مدیران به جزئی‌ترین موضوع سازمان نیز کار دارند و برای همه موارد قوانینی وضع می‌کنند، او بیشتر بر چگونگی انجام کارها تاکید دارد و زمان زیادی را صرف مشکلات حاشیه‌ای و جزئی کار می‌کند و نسبت به انجام کار تعریف شده با تمام جزئیات حساس است. اداره

کردن بخشی از مدیریت است ولی فقط با اتکا به این نقش نمی‌توان مدیریتی اثربخش داشت، وقتی تمام کارکرد مدیریت اداره کردن باشد مدیریت را از حیز ارتفاع خارج می‌کند و مژوسین این نوع مدیریت به مرور زمان تیپ‌های بله قربانگو می‌شوند و از خودشان هیچ خلاقیتی در کارشان بروز نمی‌دهند و فقط با انجام موبه موی کار تعریف شده سعی در راضی کردن مدیر که اصل اول کار است، می‌کنند. زمانی که یک مدیر بوروکرات از سازمان خارج شود طبق عادت قبلی ایجاد تغییرات بسیار مشکل خواهد شد؛ نوآوری در یک فضای مدیریتی بوروکراتیک به راحتی انجام نمی‌پذیرد. اگر در سیکل حیات سازمان به خلاقیت کارکنان نیاز دارید تا با بحران خود کنار بیایید توجه داشته باشید که این‌گونه مدیران سریعا می‌توانند سازمان شما را به مرگ نزدیک کنند.

نقش کارآفرینی (E)

جرج برنارد شاو جمله جالبی دارد و می‌گوید «انسان‌های منطقی خود را با محیط وفق می‌دهند، اما انسان‌های غیرمنطقی سعی می‌کنند محیط را با خود مطابقت دهند، تمام پیشرفت بشر حاصل تلاش‌های انسان غیرمنطقی است.» شرایط کسب و کارها دیگر شرایط ثبات را نمی‌تواند تجربه کند و هر روزه با تغییرات کوچک و بزرگی مواجه می‌شوند. مدیران در این شرایط باید کاری بیشتر از تولید نتایج انجام دهند، باید فردی آغازگر و کارآفرین باشند و این نقش از مدیرانی بر می‌آید که خلاقیت و قدرت ریسک را توامان داشته باشند. فرد کارآفرین را به خاطر ویژگی شروع‌کننده‌اش، آتش‌افروز نیز می‌گویند. او حضور خود را به شکل عجیبی در سازمان می‌گسترده و محیط‌های چالشی و بحرانی را بسیار دوست دارد و در خلق بیشترین چالش‌ها خود شروع کننده است. این افراد به توانایی‌های افراد اعتماد کمتری دارند و نسبت به توانایی‌های خود اعتقاد افراطی دارند. مژوسین به مرور زمان به این باور می‌رسند که نباید در رابطه با مشکلات با مدیر آتش‌افروز مشورت کنند، چرا که سریعا به جای ارائه راه حل تمامی ماموریت را

تغییر داده و کارکنان را به زعم خودشان با مشکلات بزرگ‌تری مواجه می‌کنند. معمولا زیردستان از دونقش بوروکرات و آتش‌افروز گریزانند چرا که بوروکرات همیشه مبادرت به توصیه می‌کند و آتش‌افروز نیز دائما کار جدیدی را به آنها محول می‌کند.

در زمان جنگ جهانی اول زیردریایی‌های آلمان متحدین را کلافه و سردرگم کرده بود، مشاوری برای نیروی دریایی متحدین جذب شد تا برای این موضوع راهی پیدا کند. او پس از مطالعه و تحقیق فراوان، پیشنهاد داد اگر دمای آب اقیانوس را به ۱۸۰ درجه برسانید زیردریایی‌های آلمانی مجبور خواهند بود به سطح آب بیایند که در آن هنگام می‌توان آنها را مورد هدف قرار داد، نیروی دریایی متحدین از این پیشنهاد استقبال کرد اما شیوه گرم کردن آب اقیانوس را نمی‌دانست و زمانی که از مشاور پرسیده شد چگونه می‌شود آب اقیانوس را گرم کرد در پاسخ گفت: من یک طراح هستم جزئیات چگونگی را باید خودتان انجام دهید. مدیر آتش‌افروز زیردستان خود را همیشه درگیر کار می‌کند ولی در عین حال همیشه از عدم کارایی آنها شکوه می‌کند. در سازمان‌هایی که مدیریت با نقش آتش‌افروزی ادامه یابد بحران هماهنگی به وجود خواهد آمد.

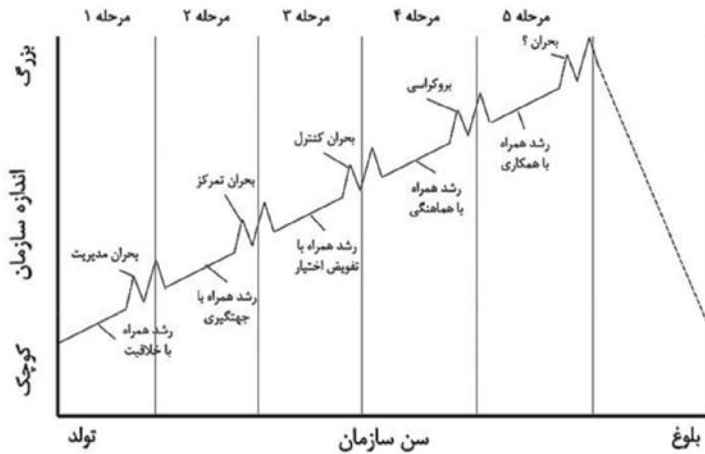
نقش یکپارچه‌کنندگی (I)

ماتسوشیتا تعریف سازمان را مجموعه‌ای از افراد می‌داند و وقتی افراد نتوانند یک موجودیت یکپارچه تشکیل دهند نخواهند توانست به هم‌افزایی و تشکیل تیم‌های کاری و رفتار مکمل دست یابند. هنری فورد می‌گوید با هم بودن آغاز کار است، با هم ماندن پیشرفت در کار است و با هم کارکردن موفقیت است. یک مدیر با نقش یکپارچه‌کننده، اشخاص را حول یک محور متحد می‌کند. چنین مدیری دنباله‌رو کبیر نیز خوانده می‌شود. او منحصرا بر اساس روابط کار خود را پیش می‌برد و با محدودیت‌های سازمان هم کاری ندارد، نسبت به دیگران خالصانه رفتار می‌کند، علاقه‌مند به ارتباط هم از درون سازمان و هم بیرون سازمان است و به دنبال کسب تایید از سوی دیگران



است. تشخیص یک دنباله‌رو کبیر بسیار راحت است؛ در نظر بگیرید در جلسه‌ای هستیید که از نماینده هر چهار نقش در آن شرکت دارند.

آتش‌افروز از همه بیشتر حرف می‌زند، بوروکرات مدام با او مخالفت می‌کند، یکه‌تاز ناآرام است و مدام برای هماهنگی کارها برای صحبت تلفنی از جلسه خارج می‌شود و دنباله‌رو کبیر در تمام این زمان گوش می‌دهد تا بتواند نکته مشترکی برای هماهنگ کردن پیدا کند. او همیشه به دنبال رفع تضادها و یک‌کاسه کردن نظرها هست تا بتواند به موضوع هماهنگی دست یابد و خواهان اتحاد سیستم برای انجام درست کارها است. ضعف بزرگ این گونه مدیران قربانی کردن یا حداقل عدول کردن از اهداف سازمان برای راضی کردن دیگران است. با شناختی که از هر یک از نقش‌های مدیریتی که در بالا اشاره شد پیدا کردیم درمی‌یابیم که هر یک از این ویژگی‌ها دارای نقاط قوت و ضعف هستند و معمولاً هر مدیری به نسبت‌هایی دارای ویژگی‌هایی از هر چهار نقش است و



هرچند قابلیت داشتن چهار نقش در حد بالا را مدیران بسیار کمی دارند ولی لازمه موفقیت، داشتن حداقلی از هر یک از نقش‌های چهارگانه است و یکی از موارد آموزشی مدیران کارآمد شدن در کارکردهایی است که در آن ضعیف هستند و باید مورد توجه قرار بگیرد.

یکی از نقش‌ها غالب است. در هر دوره از حیات سازمان یکی از نقش‌ها کلیدی‌تر بوده و می‌تواند به بحران‌های سنی سازمان فائق شود ولی این دلیلی نمی‌شود که سایر نقش‌ها هیچ کارکردی در سازمان نداشته باشند.



پیام‌آبادگران
تیر ۱۳۹۵
شماره ۳۴۴



موسسه حساب و کتاب

مشاوره مالی و مالیاتی
سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران

این موسسه آمادگی دارد تا با گروهی متخصص و باتجربه پیمانکاران محترم را با آخرین تغییرات قوانین و مقررات مالی و مالیاتی و رعایت آن آشنا نموده و در راستای پیشگیری از پرداخت مالیات‌ها و جرائم سنگین و ناعادلانه بصورت رایگان اقدام به ارائه مشاوره نماید.

- ✓ عضو انجمن حسابداری ایران (عضویت حقوقی و حقیقی)
- ✓ عضو انجمن حسابداران خیره ایران (عضویت حقیقی)
- ✓ عضو انجمن حساب‌رسان داخلی ایران (عضویت حقیقی)

- ۱- ارائه کلیه خدمات حسابداری صورت‌های مالی در جهت اطمینان بخشی، مناقشات، باقیه‌ها (آخذ کمالات و ضمانت‌نامه) و ...
- ۲- ارائه کلیه خدمات حسابداری به شرکت‌ها بصورت پیمانی یا بهره‌گیری از نیروهای حرفه‌ای در تمام سطوح
- ۳- مشاوره و ارائه مالی شرکت‌ها بصورت پیمانی و ارائه راهکارهای مورد لزوم در جهت بهبود ترانژیک‌های مالی
- ۴- تنظیم لایحه دفاعیه و شرکت در کنسولسیون‌های حل اختلاف مالیاتی
- ۵- انجام کلیه امور مربوط به اصلاح حسابهای سنواتی و رفع مغایرت‌ها
- ۶- ارائه مشاوره مورد لزوم در ارتباط با قوانین و آخرین بخشنامه‌های مالیاتی و استانداردهای حسابداری
- ۷- مشاوره و راهمبانی در جهت خرید و ارتقاء نرم‌افزارهای مالی

مشاوره مالی و مالیاتی بصورت رایگان در محل سندیکا روزهای چهارشنبه از ساعت ۱۲ الی ۱۶ - برای اطلاع بیشتر با تلفن ۰۲۶۶۴۶۴۶۱ داخلی ۱-۸ تماس حاصل فرمائید.

شماره تماس موسسه: ۴-۸۸۲۴۸۸۵۳

web: www.hesaboketab.com

پژوهشکده پولی و بانکی در گزارشی پیشنهاد کرد، بانک مرکزی برای جبران کمبود نقدینگی در بازار بین بانکی، روزانه مقداری را به عنوان سقف مجاز تزریقات به شبکه بانکی در نظر گیرد و در طول روز پیش از پایان معاملات بازار بین بانکی، این مقادیر را در نرخ‌های هدف به بانک‌های متنوع تزریق کند.

پژوهشکده پولی و بانکی، این پژوهش به قلم «اکبر کمیجانی» قائم مقام بانک مرکزی، «حمید زمانزاده» مدیر پژوهشی پژوهشکده و «علی بهادر» پژوهشگر گروه مدلسازی پژوهشکده، گزارش ساز و کار مدیریت نرخ‌های سود در چارچوب سیاست پولی را براساس هشت محور کاهش نرخ سود بانکی در شرایط کنونی منتشر کرد.

این گزارش سیاستی هشت محور کاهش نرخ سود بانکی شامل بهبود فضای اقتصاد کلان، هماهنگی سیاست مالی و پولی، تقویت نقش نظارتی و تنظیم‌گری بانک مرکزی، سیاست پولی، سیاست اعتباری و تحریک بازار مسکن، ایجاد و تعمیق بازار بدهی، بازسازی بانکی و اصلاح ترانزنامه بخش شرکتی را مورد بررسی قرار داده است.



راهکار جبران کمبود نقدینگی در بازار بین بانکی

ارزیابی وضعیت جاری اقتصاد کلان، تورم و رشد اقتصادی

وضعیت جاری اقتصاد کلان کشور در مجموعه متغیرهای اصلی اقتصاد کلان یعنی نرخ تورم و نرخ رشد اقتصادی منعکس می‌شود. براساس آخرین گزارش رسمی بانک مرکزی، روند نزولی نرخ تورم از محدوده ۴۰ درصد در تابستان سال ۱۳۹۲ تاکنون ادامه یافته و در اردیبهشت ۱۳۹۵ نرخ تورم میانگین به ۱۰,۴ درصد رسیده است.

همچنین نرخ تورم نقطه به نقطه از آذرماه ۱۳۹۴ به محدوده تک رقمی رسیده و در اردیبهشت ۱۳۹۵ به حدود هفت درصد کاهش یافته است. به این ترتیب و با توجه به تجربه تاریخی اقتصاد ایران، محدوده نرخ تورم در حال حاضر بسیار پایین تر از محدوده معمول خود به لحاظ تاریخی قرار گرفته است.

در حوزه تولید و رشد اقتصادی، روند نزولی

تولید ناخالص داخلی پس از دو سال (از ابتدای سال ۱۳۹۳) متوقف شده است. نرخ رشد اقتصادی پس از ثبت ارقام منفی در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، از سال ۱۳۹۳ به محدوده مقادیر مثبت بازگشته و در سال ۱۳۹۳ رقم مثبت سه درصد و در سال ۹۴ ارقام مثبت در محدوده یک درصد (براساس آمار مرکز آمار ایران) را ثبت کرده است.

بنابراین اقتصاد ایران در حالی که در سال ۱۳۹۳ آهنگ خروج از رکود را آغاز کرده بود، در سال گذشته با وجود ثبت ارقام مثبت رشد، نتوانست فرآیند خروج از رکود را تکمیل کند و دوباره به شرایط رکودی بازگشته است.

در مجموع اقتصاد ایران پس از تجربه رکود تورمی شدید در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، از فاز بحرانی عبور کرده و شرایط اقتصاد کلان ایران به طور نسبی تثبیت شده است. براین مبنا، اکنون پس از تثبیت شرایط اقتصادی، مهم‌ترین هدف سیاست‌گذاری اقتصادی

در ایران ایجاد رونق غیرتورمی پایدار است. ارزیابی وضعیت جاری متغیرهای پولی از مهمترین متغیرهای پولی می‌توان به نقدینگی و پایه پولی اشاره کرد که دارای تأثیرات مهمی بر تحقق اهداف سیاست‌گذاری پولی هستند. ترکیب مصارف نقدینگی شامل پول و شبه پول و ترکیب منابع پایه پولی نیز شامل دارایی‌های داخلی (بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و خالص بدهی دولت به بانک مرکزی) و خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی است. پایه پولی در بهمن ماه ۱۳۹۴ به ۱۴۷ هزار میلیارد تومان رسید که حاکی از نرخ رشد ۱۷,۱ درصدی پایه پولی نسبت به بهمن ۱۳۹۳ است.

همچنین حجم پول در اسفندماه ۱۳۹۴ به ۱۳۵ هزار میلیارد تومان رسیده است که حاکی از نرخ رشد ۱۱,۷ درصدی حجم پول در اسفندماه ۹۴ نسبت به اسفندماه ۱۳۹۳ است.



حجم نقدینگی اقتصاد ایران در اسفندماه ۹۴ به ۱۰۱۱ هزار میلیارد تومان رسیده است که حاکی از نرخ رشد ۲۹,۳ درصدی نقدینگی در اسفندماه ۹۴ نسبت به اسفندماه ۱۳۹۳ است.

بررسی روند ضرایب فزاینده پول و نقدینگی نشان می‌دهد بخش مهمی از تحولات ضرایب فزاینده درونزااست و با توجه به وضعیت اقتصادی و تغییرات پایه پولی تغییر می‌کند و عملاً ضرایب فزاینده پولی تحت کنترل کامل سیاست‌گذار پولی نیست.

بنابراین اگر سیاست‌گذار پولی کنترل متغیرهای پول یا نقدینگی را به عنوان هدف میانی سیاست پولی انتخاب کند، دستیابی به این هدف میانی از مسیر کنترل پایه پولی به عنوان هدف عملیاتی میسر خواهد شد. نسبت پول به شبه پول در ترکیب نقدینگی پس از تجربه یک دوره باثبات در محدوده ۲۷ درصد، از اواسط سال ۱۳۹۲ با سیر نزولی مواجه شده و به محدوده ۱۵ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است.

بررسی ترکیب پایه پولی بین دارایی‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد که در دوره‌هایی که درآمدهای نفتی و به تبع آن ذخایر ارزی بانک مرکزی از روند رو به رشد برخوردار بوده، سهم دارایی‌های خارجی در ترکیب پایه پولی افزایش و در مقابل در دوره‌های کاهش درآمدهای نفتی مانند دوره تحریم اخیر، این سهم کاهش یافته است.

در سال‌های اخیر در حالی که سرعت گردش نقدینگی در حال کاهش بوده است، سرعت گردش پول از سیر صعودی برخوردار بوده و در واقع تغییرات سرعت گردش پول و نقدینگی انعکاسی از تغییر ترکیب نقدینگی به نفع شبه پول بوده است که در نتیجه آن سرعت گردش نقدینگی با کاهش مواجه شده است.

چارچوب سیاست پولی در ایران در سال‌های گذشته از هدف گذاری ارزی به سمت هدف گذاری کل‌های پولی حرکت کرده است. در حالی که بسیاری از کشورها، هدف گذاری تورمی را به عنوان چارچوب اصلی اعمال

سیاست پولی برگزیده اند، اما در اقتصاد ایران هنوز زیرساخت‌های لازم برای اعمال سیاست پولی در چارچوب هدف گذاری تورمی فراهم نیست.

اگرچه بانک مرکزی اقدامات پشتیبانی و عملیاتی خود را در راستای ایجاد زیرساخت‌های لازم برای انتقال چارچوب سیاست پولی از هدف گذاری کل‌های پولی به سمت هدف گذاری تورمی آغاز کرده است، اما این موضوع فرآیندی زمان بر است و در زمان حاضر همچنان هدف گذاری کل‌های پولی، به ویژه توجه به پویای‌های روند تحولات پول و شبه پول در اولویت قرار دارد.

چارچوب عملیاتی مدیریت بازار بین بانکی در شرایط کنونی و با توجه به تجربه نرخ‌های سود بین بانکی بالا و تبعات منفی آن مدیریت نرخ‌های سود در بازار بین بانکی از درجه بالایی اهمیت برخوردار است. چارچوب عملیاتی برای مدیریت بازار بین بانکی در دو وضعیت «وجود کمیابی نقدینگی و وجود مازاد نقدینگی» قابل تبیین است. شرایط اقتصاد ایران نشان می‌دهد وضعیت شبکه بانکی در حال حاضر با چارچوب وجود کمیابی نقدینگی سازگاری دارد. در چنین زمینه‌ای اجرای سیاست‌هایی مانند تسهیل

پیشنهاد می‌شود

بانک مرکزی به صورت
روزانه این مقادیر را به
عنوان سقف مجاز تزریقات
روزانه بانک مرکزی به
شبکه بانکی در نظر بگیرد و
در طول روز پیش از پایان
معاملات بازار بین بانکی این
مقادیر را در نرخ‌های هدف
به بانک‌های متن



مقداری که مربوط به شرایط مازاد نقدینگی می‌باشد، قابل اعمال نیست.

در این زمینه بانک مرکزی از شهریورماه ۱۳۹۴ کاهش نرخ بازار بین بانکی را از طریق ایفای نقش فعال تر در بازار بین بانکی، تقویت نقش تنظیمی خود در این بازار و اعطای خطوط اعتباری به بانک‌ها دنبال کرده است.

البته این اقدامات بانک مرکزی برای کاهش نرخ بازار بین بانکی مؤثر بوده است و نرخ سود بین بانکی از محدوده فراتراز ۲۷ درصد در نیمه اول سال ۱۳۹۴ به سطوح زیر ۲۰ درصد در پایان سال ۱۳۹۴ کاهش یافت.

همچنین حجم مبادلات بازار بین بانکی نسبت به کل نقدینگی اقتصاد به طور مداوم رو به افزایش بوده است که نشان از افزایش عمق بازار بین بانکی دارد. در عین حال عملیات بانک مرکزی در بازار بین بانکی قابلیت ارتقا در راستای تأمین کارایی بیشتر را داراست.

براین مبنا، بانک مرکزی می‌تواند مانند چارچوب مرسوم کمبود نقدینگی رویکرد فعال تری برای مدیریت بازار بین بانکی اتخاذ کند. برای این منظور بانک مرکزی می‌تواند روزانه اقدام به شناسایی میزان ذخایر به صورت کلی در شبکه بانکی کند.

این شناسایی نیازمند رصد عملیات خزانه داری، عملیات ارزی تحویل ارز به بانک‌ها و تزریق در بازار و نیز میزان ذخایر قانونی بانک‌هاست. سرجمع تغییرات در این موارد می‌تواند میزان تزریق مورد نیاز در بازار را تعیین کند.

براین اساس پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی به صورت روزانه این مقادیر را به عنوان سقف مجاز تزریقات روزانه بانک مرکزی به شبکه بانکی در نظر بگیرد و در طول روز پیش از پایان معاملات بازار بین بانکی این مقادیر را در نرخ‌های هدف به بانک‌های متنوع تزریق کند.

علاوه بر این بانک مرکزی باید هر برداشت خارج از این موارد را مشمول ضوابط پنجره تنزیل و نرخ‌های بالاتر بداند. این روش باعث می‌شود بانک‌ها نسبت به اضافه

برداشت یا رجوع به پنجره تنزیل تمایل بیشتری به مبادله وجوه در بازار بین بانکی نشان بدهند و بازار بین بانکی تعمیق شود. علاوه بر این با توجه به انتشار برخی از اسناد خزانه تزریق بخشی از ذخایر از طریق خرید این اوراق توصیه می‌شود البته باید این خریدها به صورت منظم با فروش‌ها نیز همراه باشند.

این رویه پیشنهادی از این واقعیت نشأت می‌گیرد که حجم بازار اسناد خزانه اجازه تکیه بانک مرکزی بر عملیات در این بازار را نمی‌دهد اما انتظار می‌رود خرید و فروش‌های بانک مرکزی به توسعه و افزایش نقدینگی در بازار کمک کند. علاوه بر این بانک مرکزی می‌تواند برای بهبود ترتیبات تعامل با بانک‌ها به عنوان وثیقه از بانک‌ها اسناد خزانه مطالبه کند.

ریسک‌های سیاست پولی

در شرایط موجود سیاست گذاری برای کاهش نرخ‌های سود باید در چارچوب اهداف مورد نظر برای کل‌های پولی تنظیم شود. طبیعی است فشار برای کاهش نرخ‌های سود به واسطه سیاست انبساطی پولی از مسیر تزریق نقدینگی به بازار بین بانکی و کاهش نرخ سود بین بانکی با وجود همه محدودیت‌ها، قابل پیگیری است. اما با توجه به شرایط موجود اقتصاد کشور، اعمال چنین سیاستی محدودیت‌ها و ریسک‌های قابل توجهی برای دستیابی به اهداف مورد نظر کل‌های پولی در بر دارد.

نقصان ارتباط میان نرخ‌های سود بین بانکی و نرخ‌های سود بانکی

با توجه به وضعیت نظام بانکی کشور و عدم ارتباط کافی میان نرخ‌های سود بین بانکی و نرخ‌های سود بانکی، کاهش نرخ سود بین بانکی از مسیر تزریق نقدینگی به بازار بین بانکی، نمی‌تواند اثرات کامل خود را در تنظیم نرخ‌های سود بانکی بر جای گذارد.

پایداری و ناپایداری روند کاهش نرخ سود
کاهش نرخ سود از ناحیه بهبود شرایط

محیطی اقتصاد کلان و سیاست‌های تنظیمی بانک مرکزی برای کنترل رقابت قیمتی در نظام بانکی، می‌تواند روند پایداری را برای نرخ‌های پایین تر سود بانکی ایجاد کند، در حالی که کاهش نرخ سود بانکی از مسیر انبساط پولی پایدار نیست و تنها می‌تواند به کاهش موقت نرخ‌های سود بیانجامد و با افزایش مجدد تورم، افزایش نرخ‌های سود نیز گریزناپذیر خواهد بود.

کاهش ریسک افزایش نرخ تورم با افت نرخ سود

از دی‌ماه ۹۴ در سایه اجرای برجام و تسریع آهنگ خروج از رکود بخش واقعی و بازارهای

بازگشت تورمی نیز قویتر خواهد بود.
سیاست اعتباری و تحریک بازار مسکن
در سایه اجرای برجام، ارزش معاملات و شاخص‌ها در بازار سهام با افزایش قابل توجهی مواجه شده است که این موضوع به نقدشوندگی دارایی‌های مالی بانک‌ها کمک کرده است. با توجه به نقش ویژه رکود بازارهای دارایی به ویژه بازار مسکن در تخریب ترانزنامه بانک‌ها و کاهش درجه نقدشوندگی دارایی بانک‌ها، اتخاذ سیاست‌های اعتباری برای تحریک بازار مسکن می‌تواند به بهبود ترانزنامه بانک‌ها و کاهش مشکل نقدشوندگی دارایی‌ها و به تبع آن ایجاد فشار برای کاهش نرخ سود بانکی کمک کند.



دارایی نرخ رشد حجم پول سیر صعودی به خود گرفته و از محدوده ارقام منفی به محدوده ۱۰ درصد رسیده که با توجه به اثرات سریع‌تر و قوی‌تر رشد حجم پول نسبت به رشد حجم شبه پول بر نرخ تورم، ریسک افزایش تورم را افزایش داده است.

طبیعی است کاهش نرخ‌های سود بانکی می‌تواند این فرآیند را تقویت و با تبدیل شبه پول به پول ریسک‌های افزایش تورم را تشدید کند. بنابراین باید توجه داشت که تأکید بیش از حد در استفاده از سیاست پولی برای کاهش نرخ سود بانکی از مسیر تزریق به بازار بین بانکی، با ریسک بزرگ افزایش تورم مواجه است و هرچه فشار سیاست پولی برای کاهش نرخ سود بیشتر باشد، ریسک

ایجاد و تعمیق بازار بدهی

ایجاد و تعمیق بازار بدهی اگرچه کمک بزرگی به تسهیل مبادله دیون و تأمین نقدینگی می‌کند و می‌تواند در بلندمدت به تدریج به کاهش نرخ‌های سود حقیقی کمک کند، اما در کوتاه مدت نمی‌تواند اثر کاهنده چندانی بر نرخ‌های سود بانکی بر جای گذارد.

بازسازی بانکی

البته باید توجه داشت که راه حل معضل رقابت قیمتی شامل راه حل‌های ساختاری و عملکردی است. طبیعتاً راه حل‌های ساختاری از جمله بازآرایی نظام تنظیم‌گری نظام بانکی، اصلاح ساختار مدیریت ریسک

و حاکمیت شرکتی و اصلاح ترازنامه بانکها
فرآیندی میان مدت و زمان بر است.
باید توجه داشت حفظ ثبات اقتصاد
کلان، کاهش نااطمینانی و ایجاد ثبات در
متغیرهای اساسی همچون نرخ سود و نرخ
ارز از مهم ترین پیش نیازهای بازسازی و
اصلاح ترازنامه بانکها و بنگاههای اقتصادی
است.

دولت باید برای انجام موفق بازسازی بانکی
به سرعت اصلاحات قانونی همچون قوانین
ورشکستگی، دستورالعملهای حسابداری،
قواعد سرمایه گذاری خارجی، ضوابط ادغام
و تملیک، تبدیل داراییها به سهام و نیز

دارایی و بدهی خصوصی و یا تشکیل یک
شرکت مدیریت دارایی و بدهی عمومی برای
بازسازی داراییهای سمی وجود دارد.
احتمال بازپرداخت مجدد مطالبات
معوق، میزان تخصص شبکه بانکی و
بخش خصوصی در بازسازی داراییها و نیز
پیچیدگیهای این فرآیند از جمله مواردی
هستند که راهکار بهینه را مشخص می کنند.
افزایش سرمایه و بازسازی بانکهای فعال
از دیگر مواردی است که در فرآیند اصلاح
ترازنامه بانکی مورد توجه قرار می گیرد. هر
چند افزایش سرمایه از طریق دولت نیز
امکان پذیر است اما معمولاً دولتها شرایط

مالی جهانی در کشورهای توسعه یافته،
نقشی حداکثری برای دولت و بانک مرکزی
قائل می شوند.

در تحلیل این نوشتار، قائل شدن نقشی
حداقلی برای دولت در خرید مساله خرید
داراییهای سمی، از این واقعیت نشأت
می گیرد که مساله خرید داراییهای سمی در
ایران در شرایط کنونی، کاملاً متفاوت با
مساله کشورهای توسعه یافته پس از بحران
مالی است.

در کشورهای توسعه یافته در زمان بروز
بحران مالی با سقوط حساب داراییها و
سقوط بازار ابزارهای مشتقه، نظام بانکی به
نقطه بحرانی رسید که مداخله بانک مرکزی
و دولت برای جلوگیری از سقوط نظام مالی و
بانکی و مهار بحران ضرورت یافت.

اما در شرایط کنونی اقتصاد ایران، نظام
بانکی نه با مساله سقوط بازارهای دارایی
و ضرورت مهار سریع بحران، بلکه با معضل
شدید مطالبات معوق روبه روست، که این
وضعیت فرآیند بازسازی شبکه بانکی به
صورت تدریجی و مرحله ای را ضروری کرده
است.

در این فرآیند بهترین عملکردهای بین
المللی نشان می دهد بهره گیری از حداکثر
ظرفیت بخش خصوصی اولویت اول
محسوب می شود و در صورت استفاده از
وجوه دولتی، هزینه های آن باید تا حد امکان
بر عاقلان ایجادکننده این شرایط تحمیل
شود تا عملکرد اقتصاد و نظام بانکی در آینده
دچار کژمنشی نشود.

اصلاح تراز نامه بخش شرکتی

به طور کلی اصلاح وضع موجود اقتصاد ایران
با تأکید صرف بر ترازنامه بانکها و بدون
اصلاح ترازنامه بخش شرکتی ممکن نخواهد
بود. بعد از بازسازی بخش بانکی یا ترجیحاً
همزمان با آن باید بازسازی بخش شرکتی
نیز آغاز شود. زیرا بدون حمایت بخش بانکی
از بازسازی بخش شرکتی اساساً نمی توان
اصلاح ترازنامه بنگاهها را دنبال کرد.



بسیار سخت گیرانه ای برای استفاده از وجوه
عمومی در راستای افزایش سرمایه بانکها
اتخاذ می کنند بطوری که بخش بانکی تمایل
بسیاری به افزایش سرمایه از محل وجوه
خصوصی داشته باشد.

علاوه بر این حضور سرمایه خارجی برای
افزایش سرمایه و بازسازی ترازنامه و عملیات
بانکی نقش مهمی در بهبود نتایج بازسازی
خواهد داشت. وجوه دولتی می توانند برای
کاهش برخی نااطمینانیها و افزایش انگیزه
بخش خصوصی برای بازسازی بانکی مورد
استفاده قرار گیرد.

برخی تحلیلها در خصوص خرید داراییهای
سمی شبکه بانکی، با تمسک به تجربه بحران

فروش داراییها را به مرحله اجرا درآورد.
در راستای اصلاح ترازنامه بانکی ابتدا لازم
است شبکه بانکی یک مرحله شناسایی
را طی کند که در این مرحله میزان آسیب
دیدگی ترازنامه بانکها مشخص می شود. بر
این مبنا برخی بانکها در فرآیند ورشکستگی
و برخی دیگر در فرآیند بازسازی قرار
می گیرند. معمولاً فرآیند شناسایی به علت
ابهامات ترازنامه ای و عدم شفافیتهای
اطلاعاتی توسط مشاوران بین المللی انجام
می شود. مرحله بعدی بازسازی داراییهای
سمی است.

بطور کلی سه روش سپردن بازسازی به خود
بانکها، استفاده از شرکت های مدیریت

درحالی که مسئولان از روند برقراری ارتباطات بانکی که درسند برجام به عنوان یکی از مهمترین اولویت‌ها گنجانده شده است، رضایت کامل ندارند و معتقدند که این روند باید با سرعت بیشتری انجام شود، گزارش‌های رسمی ارائه شده از سوی ایران و اعضای گروه ۵+۱ حکایت از آن دارد که در مدت محدود پس از برجام بخشی از مسیر گسترش روابط بانکی ایران با سایر بانک‌های خارجی طی شده است و با رفع ابهامات باقی مانده مابقی این مسیر بزودی طی خواهد شد. براساس گزارش رسانه‌های دولتی مثل "ایران" درحدود شش ماهی که از لغو رسمی تحریم‌ها در اواخر دی ماه سال گذشته می‌گذرد، مسئولان ارشد دولت ایران اعتراض رسمی خود را به مقامات امریکایی اعلام کردند تا مانعی که به عنوان ترس بانک‌های بزرگ اروپایی از برقراری رابطه بانکی با ایران شناخته می‌شود از میان برداشته شود.

درهمین راستا وزیر امور خارجه امریکا در بیانیه‌ای اعلام کرده که تمام بانک‌ها در چارچوب توافق برجام می‌توانند با ایران همکاری داشته باشند و در صورتی که نیاز به توضیحی داشته باشند می‌توانند به وزارت خارجه و خزانه‌داری امریکا مراجعه کنند.

هرچند بانک‌های بزرگ به دلیل اینکه احتمال می‌دهند در صورت همکاری با ایران از سوی امریکا جریمه شوند و خاطره ناخوشایندی نیز در این رابطه دارند، اما ترجیح آنها این است که مناسبات خود را با شبکه بانکی ایران از سر بگیرند. هم‌اکنون با برقراری رابطه کارگزاری با صدها بانک کوچک و متوسط خارجی و عمدتاً اروپایی راه بازگشت بانک‌های بزرگ نیز به ایران باز شده است و با رفع ابهامات و هراس آنها، این مشکل نیز حل خواهد شد. درهمین راستا تمام هیأت‌های اقتصادی که در طول یک سال اخیر از کشورهای خارجی به ایران آمدند از سرگیری روابط بانکی را به عنوان یکی از محورهای اصلی همکاری مورد تأکید قرار داده‌اند.



گشایش گام به گام مراودات بانکی ایران و غرب

درسفر اخیر رئیس کل بانک مرکزی به فرانکفورت آلمان نیز بانک‌های آلمانی علاقه خود را برای همکاری با ایران اعلام کردند.

ولی‌الله سیف پس از دیدار با بانکداران آلمانی گفت: بتدریج با آشنا شدن بانک‌های آلمانی با شرایط و نوع همکاری با بانک‌های ایرانی دیدگاه‌ها تغییر کرده است و اکنون شاهد علاقه‌مندی و تمایل آنها به همکاری با بانک‌های ایرانی هستیم.

وی در سفر دو روزه‌اش به فرانکفورت با اشاره به جلسه با بانکداران آلمانی تصریح کرد: نوع سؤالات و مطالبی که در این جلسات مطرح شد، نشان می‌دهد تحولات جدی در حال رخ دادن است. واقعیت این است که نگاه ما برای همکاری با بانک‌های اروپایی و آلمانی، همکاری‌هایی است که به نفع دو طرف باشد.

رئیس کل بانک مرکزی کشورمان با بیان اینکه ما به دنبال ایجاد بسترهای مناسب برای از سرگیری همکاری‌های بانکی با آلمان هستیم به دیدارش با همتای آلمانی خود اشاره کرد و گفت: در این دیدار بحث‌های خوبی مطرح شد و طرف مقابل برای گسترش همکاری نظام بانکی آلمان با بانک‌های ایرانی و بانک مرکزی ایران ابراز علاقه‌مندی کرد. به گفته سیف، یونس وایدمان اعلام کرده است بانک مرکزی آلمان آمادگی دارد بزودی در زمینه‌های تخصصی و آموزشی و همچنین روزآمد و استانداردسازی نظام بانکی همکاری با ایران را آغاز کند.

ایران ۳۰۰ حساب نزد بانک‌های خارجی باز کرد

اکنون یک سال از امضای سند برجام و



حدود شش ماه از لغو رسمی تحریم‌ها می‌گذرد و در این مدت ایران توانسته است با برخی از بانک‌های خارجی بخصوص اروپایی همکاری خود را از سر بگیرد. در همین زمینه جیکوب لوزیر خزانه‌داری آمریکا با انتشار بیانیه‌ای به مناسبت یک سالگی برجام با تأکید بر این که آمریکا در حال عمل به تعهداتش بر اساس برجام است اعلام کرد که در دوران پس‌برجام ایران بیش از ۳۰۰ حساب نزد بانک‌های خارجی باز کرده است. در این بیانیه همچنین آمده است که ایران به لحاظ اقتصادی از توافق منتفع شده، به طوری که فروش نفت این کشور افزایش قابل توجهی یافته، در حال مذاکره میلیارد‌ها دلار خط اعتباری جدید است و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به بیش از ۳ میلیارد دلار افزایش یافته است.

پیش از این ولی الله سیف رئیس کل بانک مرکزی ایران نیز درباره گشایش‌های حاصله پس از اجرای برجام از افتتاح حساب بانک مرکزی نزد بانک‌های مرکزی آلمان، ایتالیا و اتریش و بانک‌های اروپایی بیش از ۲۰ مورد، فعال شدن بانک ایران و اروپا در هامبورگ و اتصال آن به سوئیفت و سیستم TARGET II اروپا و فعال شدن شعب بانک‌های ملی، تجارت و سپه در کشورهای آلمان و فرانسه، آزاد شدن و امکان جابه‌جایی منابع ارزی در کشورهای مختلف، متناسب با نیازهای بانک مرکزی و تفاهمنامه بین بانک مرکزی و مؤسسات بیمه صادراتی اروپایی در خصوص برقراری پوشش بیمه‌ای برای طرح‌های ایران و پیگیری ارزیابی ریسک ایران خبر داده بود.

وی در جمع‌بندی دستاوردهای اجرای برجام خاطر نشان کرده: در مجموع، اقدامات روان‌سازی روابط بانکی با بانک‌های خارجی، سبب برقراری روابط کارگزاری نظام بانکی کشور با بیش از ۲۰۰ بانک متوسط و بزرگ بین‌المللی شده است. ضمن آنکه فضای پسا برجام علاوه

بر تسهیل امکان تأمین کالا از بازارهای مختلف، سبب کاهش قیمت تمام شده کالاهای وارداتی از طریق حذف یا کاهش واسطه‌ها، کاهش هزینه‌های حمل و نقل و بیمه و همچنین هزینه‌های بانکی شده و زمینه مناسبی را برای تأمین مالی از خارج از کشور فراهم کرده است.

جزئیات قرارداد ایران و ایتالیا برای ساخت جاده ۱۲۰۰ کیلومتری

فخریه کاشان: قرارداد ایران و ایرباس در گام نهایی / توافق در خصوص ضمانت نامه

اصغر فخریه کاشان قائم مقام وزیر راه در امور بین الملل با بیان اینکه پیش قرارداد ساخت بخشی از قطعات جاده ۱۲۰۰ کیلومتری شهر بازرگان به بندر امام



فخریه کاشان :
شرکت آناس فاز مطالعاتی
این پروژه را از چند ماه پیش
تا کنون انجام داده است
و مطابق برنامه‌ریزی
انجام شده اولویت‌های اجرای
پروژه، دو قطعه تبریز
میاندوآب و اندیمشک
اهواز است.
پاز نظر ما اولویت دوم
این پروژه باید
محور خرم آباد باشد



خیمینی (ره) امضا شده، اعلام کرد مبلغ ۳/۶ میلیارد یورویی مربوط به حجم کل مبادلات ریلی، فرودگاهی و بندری ایران و ایتالیا است.

وی با بیان اینکه این پیش قرارداد حدود ۴ ماه زمان نیاز دارد که نهایی شود، افزود: موضوع قرارداد ایران و آناس ساخت جاده کریدور شماره ۱۰ میان شهر بازرگان و بندر امام خیمینی (ره) است که ۵ قطعه را شامل می‌شود.

آناس بر طبق این قرارداد ساخت چند قطعه اولویت دار این پروژه را به صورت BOT متعهد می‌شود و برای ساخت تنها دو قطعه اول و دوم این پروژه، آناس ۷۰۰ الی ۸۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری خواهد کرد. فخریه کاشان ساخت مابقی قطعات این پروژه را هم از طریق جذب فاینانس اعلام کرد که آناس متعهد به تأمین این فاینانس‌ها خواهد بود. وی با تأکید بر اینکه ایران از منابع خود هیچ پولی را صرف این پروژه نخواهد کرد اضافه کرد: آناس متعهد شده است که در فاز اجرایی این پروژه برای ساخت قطعات مناقصه برگزار کرده و ۵۱ درصد حجم این مناقصه‌ها را به شرکت‌های ایرانی واگذار نماید.

فخریه کاشان همچنین اعلام کرد که شرکت آناس فاز مطالعاتی این پروژه را از چند ماه پیش تا کنون انجام داده است و مطابق برنامه‌ریزی انجام شده اولویت‌های اجرای پروژه، دو قطعه تبریز - میاندوآب و اندیمشک - اهواز است.

وی البته گفت که از نظر ما اولویت دوم این پروژه باید محور خرم آباد باشد. فخریه کاشان با بیان اینکه البته میزان ۱۲۰۰ کیلومتر ذکر شده هنوز نهایی نشده است، اعلام کرد که ممکن است این پروژه به ۱۳۰۰ کیلومتر هم برسد. وی زمان بندی ساخت قطعه اول و دوم این پروژه بزرگ را ۴ سال عنوان کرد که بعد از امضای قرارداد ساخت آن آغاز خواهد شد.

دکتر محمود جامساز گفت: اثر اقتصادی و سیاسی خروج انگلیس از اتحادیه اروپا چندان بر اقتصاد ایران اثر نخواهد داشت مگر آنکه از طریق کاهش قیمت نفت اثر خود را بر اقتصاد ایران نشان دهد.

دکتر محمود جامساز در گفتگو با ایلنا در مورد خروج انگلیس از اتحادیه اروپا و تاثیر آن بر رکود اقتصادی جهانی گفت: جایگاه مهم اقتصادی و سیاسی انگلیس در اتحادیه اروپا برای جهان به ویژه غرب و اتحادیه اروپا غیرقابل انکار است. خانم مرکل و آقای اولاند خروج انگلیس از اتحادیه اروپا را یک فاجعه خواندند البته نتیجه آرای رفراندوم بسیار غیرمنتظره بود و آقای دیوید کمرون هم استعفاء کرد و قرار شد پس از ۳ ماه از قدرت کناره‌گیری کند.

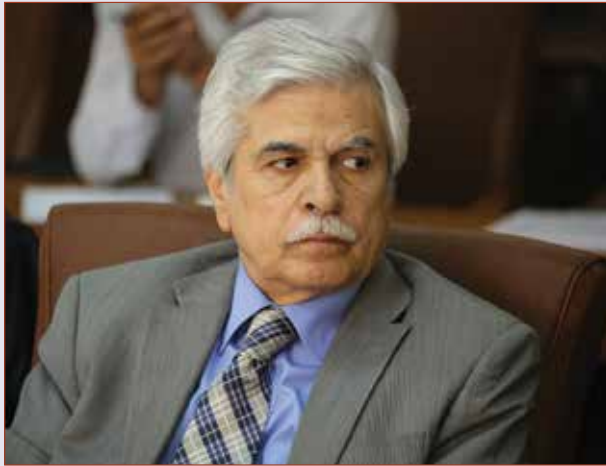
وی ادامه داد: به موجب پیمان لیسبون مذاکرات انگلیس و اتحادیه اروپا بر سر چگونگی خروج انگلیس از اتحادیه اروپا ۲ سال حداکثر زمان می‌برد البته این بازه زمانی برای هر کشوری که عضو اتحادیه است و تمایل به خروج از آن را دارد یکسان است.

این اقتصاددان خاطر نشان کرد: اثر اقتصادی و سیاسی خروج انگلیس از اتحادیه اروپا چندان بر اقتصاد ایران اثر نخواهد داشت مگر آنکه از طریق کاهش قیمت نفت اثر خود را بر اقتصاد ایران نشان دهد.

وی تصریح کرد: سال‌هاست که مبادلات ایران با انگلیس به حداقل رسیده و آثاری که می‌تواند از طریق تجارت خارجی بر ایران بگذارد بسیار ناچیز است البته انگلیس کشوری با ساختار منسجم سیاسی و اقتصادی است و خروج این کشور از اتحادیه اروپا می‌تواند برای خود انگلستان نگران‌کننده باشد، کما اینکه در حال حاضر حدود ۳ میلیون امضاء برای یک رفراندوم دیگر برای عدم خروج انگلیس از اتحادیه اروپا جمع‌آوری شده و بعید هم نیست که این رفراندوم زیر فشار نزدیک به ۵۰ درصد رای‌دهندگان مجدداً برگزار شود.

این اقتصاددان گفت: گرچه در ابتدای ورود انگلیس به اتحادیه اروپا ویزای شینگن و ارز یورو مورد قبول انگلستان واقع نشد همین موضوع یک وجه افتراق بین انگلیس با اروپا شد و اعتبار سیاسی عضویت در اتحادیه اروپا را با چالش مواجه کرده بود.

وی با بیان اینکه نگرانی‌هایی در انگلستان



خروج انگلیس از اتحادیه اروپا تاثیری بر اقتصاد ایران ندارد

دکتر محمود جامساز - اقتصاددان

و در اتحادیه اروپا در این خصوص وجود دارد افزود خروج انگلستان از اتحادیه اروپا به نفع وزن سیاسی اتحادیه اروپا در جهان نیست، از سویی دیگر به اعتبار سیاسی انگلستان در جهان نیز افزوده نخواهد شد.

جامساز در ادامه گفت: خروج انگلیس از اتحادیه اروپا این کشور را از قید و بند قوانینی نظیر قانون مهاجرت و... که همه اعضا مشمول آن هستند رها می‌کند اما علی‌رغم آنچه گفته شد تنها دلیل خروج انگلیس از اتحادیه اروپا این مسئله نبوده است.

وی تصریح کرد: افراطیونی که همواره انگلیس را برتر از اروپا می‌دانستند و می‌دانند و مروج تعصب انگلیسی هستند به رهبری شهردار تندرو سابق لندن قادر شدند حدود ۵۱ درصد آراء را به خود اختصاص دهند اما فرهیختگان و دانشگاهیان لیبرال و دولت دیوید کامرون به شدت مخالف خروج انگلیس از اتحادیه بودند.

جامساز ادامه داد: اما آثار هیجانی خروج انگلیس بر روی پوند تاثیر منفی گذاشت و تا ۸ دلار از قیمت نفت برنت را کاهش داد و پوند نیز به پایین‌ترین قیمت خود طی چند سال اخیر رسید.

وی تصریح کرد: هر عضو برای خروج از

اتحادیه اروپا ۲ سال فرصت دارد تا مدیریت کند و مانع از خروج شوک‌های اقتصادی و سیاسی به دولت و کشور شود، البته در حال حاضر که مسائل مهم سیاسی بین‌المللی نظیر مناقشات در منطقه و خاورمیانه، داعش و انصره و مسئله عراق، سوریه و یمن و عربستان و ایران موضوع مهم مذاکرات اروپا و آمریکا و روسیه است با خروج انگلیس از این اتحادیه معلوم نیست که انگلیس در این مذاکرات از چه جایگاهی برخوردار خواهد بود.

این اقتصاددان افزود: باراک اوباما وجود انگلیس در مذاکرات را عاملی محوری می‌داند. انگلیس هم کشوری نیست که با توجه به سابقه تاریخی و قدرت اقتصادی خویش از صحنه مذاکرات کنار گذاشته شود. وی گفت: طی دو سال آینده که سررسید خروج کامل انگلیس از اتحادیه اروپا خواهد بود مسلماً انگلیس سعی خواهد کرد مواضع قدرت سیاسی و اقتصادی خود را تعمیق بخشد و به عنوان یک کشور مستقل اروپایی در مجامع حضور به هم رساند همچنان که تاکنون تلاش داشته است به عنوان یک قدرت اقتصادی اروپایی باقی بماند.



بررسی مشکل مالیات بر ارزش افزوده پیمانکاران در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی

محمد تکلی - کارشناس حقوقی، عضو کمیسیون قوانین و مقررات



پیام آبادگران
تیر ۱۳۹۵
شماره ۳۴۴

مناطق، مشمول مالیات می‌شود، بنابراین، این بند بخشنامه مطابق قوانین است. در خصوص این موضوع، رأیی از هیات عمومی دیوان عدالت اداری صادر شده است که اولاً اشخاص حقیقی و حقوقی که در منطقه آزاد فعالیت اقتصادی می‌کند را مطابق ماده ۱۳ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد، نسبت به هر فعالیت اقتصادی از مالیات بر درآمد و دارایی موضوع قانون مالیات مستقیم معاف کرده است و به موجب ماده ۴ قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی اشخاص حقیقی و حقوقی که در منطقه به کار تولید و خدمات مشغول هستند، از پرداخت عوارض معاف هستند و اقامت را منصرف از ماده ۵۹۰ قانون تجارت دانسته و بنابراین اشخاص حقیقی و حقوقی که در این مناطق از مراجع ذیصلاح مجوز دارند، مقیم می‌باشند و طبق این نظر، کلمه مقیم بند ۱ بخشنامه را مغایر قانون نمی‌داند تا این بند را حذف کند. متعاقب اصلاح بخشنامه یادشده فوق و علیرغم صدور رای دیوان، سازمان امور مالیاتی طبق

به شرح زیر می‌باشد:
۱) قانون مالیات بر ارزش افزوده مالیات بر مصرف است که مصرف‌کننده نهایی این مالیات را پرداخت می‌کند و مؤدیان طبق ماده ۸ این قانون کلیه عرضه‌کنندگان و تولیدکنندگان هستند که طبق ماده ۱۲ این قانون اشخاص معاف از مالیات نمی‌باشند و براساس ماده ۲۰ باید مالیات را پرداخت نمایند.
۲) طبق ماده ۱۳ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد اصلاحی ۱۳۸۸ اشخاص حقیقی و حقوقی که در این مناطق فعالیت می‌کنند به مدت ۲۰ سال معاف از مالیات بر درآمد و دارایی موضوع قانون مالیات مستقیم هستند، لذا قانون مالیات بر ارزش افزوده که مالیات بر مصرف است، مشمول این حکم نمی‌شود.
۳) در ماده ۴ قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی مصوب ۱۳۸۴ نیز شرایطی برای معافیت پیش‌بینی شده است که اشتغال به کار تولید و خدمات، انجام تولید کالا و خدمات در محدوده مناطق ویژه اقتصادی و انجام فعالیت است، لذا انجام فعالیت خارج از محدوده این

ماده ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۸/۰۲/۱۷، قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۰۶/۰۷ و قانون تشکیل و اداره مناطق ویژه اقتصادی مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۰۵ از شمول حکم این قانون مستثنی شده است. در نتیجه اشخاص و فعالان اقتصادی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی و ویژه اقتصادی مشمول مالیات و عوارض موضوع قانون مالیات بر ارزش افزوده نبوده و معاف از پرداخت آن می‌باشند. لازم به ذکر است که سازمان امور مالیاتی طی بخشنامه شماره ۵۴۴۰۹ مورخ ۱۳۸۸/۰۵/۲۶ شرط برخورداری معافیت از مالیات بر ارزش افزوده را مقیم بودن فعالین اقتصادی در مناطق مذکور تعیین نمود که این امر موجب بروز اختلافاتی فی‌مابین پیمانکاران غیرمقیم با سازمان امور مالیاتی شد. و در نهایت منجر به اعتراض تعدادی از شرکتها و اشخاص حقوقی به دیوان عدالت اداری گشت. در پاسخ به این شکایات دفتر حقوقی سازمان امور مالیاتی به مواردی اشاره کرده است که این موارد

بخشنامه دیگری به شماره ۲۹/۹۳/۲۰ مورخ ۹۳/۰۳/۵ هر چند بند ۱^۱ مورد ایراد دیوان عدالت اداری را اصلاح نمود، لیکن این بار شرط معافیت را اخذ مجوز فعالیت از سازمان مناطق ویژه و آزاد و در مرحله بعدی تاریخ صدور این مجوزها را ملاک عمل قرار داد و اجرای این بخشنامه را صرفاً از تاریخ ۹۲/۰۹/۴ اعلام نمود. مجدداً طی بخشنامه شماره ۶/۹۴/۲۰ مورخ ۹۴/۰۱/۲۶ بند ۲ بخشنامه قبلی اصلاح گشت که براساس آن، شرط عدم شمول مالیات و عوارض ارزش افزوده نسبت به عرضه کالا و ارائه خدمات توسط فعالان اقتصادی در مناطق مذکور، داشتن مجوز فعالیت طبق فرم نمونه پیوست بخشنامه از تاریخ ۹۳/۰۳/۵ و قبل از آن موکول به دارا بودن مجوز فعالیت از سازمان مناطق آزاد و ویژه گردید؛ لذا ماموران مالیاتی با این دید که لحاظ نمودن تاریخ انعقاد قرارداد و شروع پیمان به جای تاریخ صدور مجوز جهت بهره‌مند شدن از بخشنامه‌های مناطق نیز فاقد محمل قانونی است؛ کماکان نسبت به شمول مالیات بر ارزش افزوده نسبت به فعالان در این مناطق اقدام نمودند.

طبق قوانین مناطق ویژه، هیچ فعال اقتصادی بدون مجوز از سازمان ذیصلاح، اجازه فعالیت در منطقه را ندارد، به طوری که حسب مورد، قراردادهای منعقد جهت انجام فعالیت در این مناطق به منزله مجوز فعالیت می‌باشد و فعالان اقتصادی از ابتدای فعالیت در مناطق مزبور مشمول مالیات و عوارض نمی‌باشند؛ لذا کارفرمایان مربوطه نیز از پرداخت مالیات بر ارزش افزوده به پیمانکاران بابت فعالیت در مناطق ویژه امتناع می‌ورزند. حال به رغم مستندات قانونی، سازمان امور مالیاتی کماکان نسبت به اخذ مالیات و عوارض ارزش افزوده از این فعالان اقدام می‌نماید، در نتیجه فعالان اقتصادی در قالب انجام عملیات پیمانکاری در داخل این مناطق کافی‌السبق از ابتدای اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده تا تاریخ ۹۳/۰۳/۵ مشمول پرداخت اصل و جرائم مالیات بر ارزش افزوده گردیده‌اند. بررسی ایرادات وارد به بخشنامه‌های سازمان امور مالیاتی در خصوص مجوز

۱. با توجه به اینکه مالیات بر ارزش افزوده، برعهده مصرف‌کننده نهایی است و مطابق مفاد ۱۸- ۲۲ قانون، مودیان مکلف به دریافت مالیات از خریداران و پرداخت آن در وجه سازمان می‌باشند، با معافیت کارفرمایان در مناطق آزاد به عنوان خریداران نهایی، بایستی پیمانکاران این قراردادها هم معاف گردند؛ چرا که محلی برای پرداخت مالیات بر ارزش افزوده ندارند، وقتی کارفرما معاف می‌گردد پیمانکاران مالیات بر ارزش افزوده‌ای دریافت ننموده‌اند که آن را پرداخت نمایند ضمن اینکه بابت خرید مصالح و تجهیزات (نهادها) قبلاً مالیات هم پرداخت نموده‌اند که

بایستی در اعتبار مالیاتی آنها ملحوظ گردد.

۲. با توجه به قوانین مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، هیچ فعال اقتصادی بدون مجوز از سازمان مناطق آزاد، اجازه فعالیت در منطقه را ندارند که مجوز فعالیت و مقیم بودن پیمانکار در منطقه، با عقد قرارداد فی مابین پیمانکاران و کارفرمایان مناطق آزاد و ویژه اقتصادی احراز می‌گردد.

۳. حال که نظام اقتصادی و اجرایی کشور در راستای مقررات‌زدایی و حذف قوانین زائد قدم برمی‌دارد، اینکه علاوه بر قرارداد معتبر مابین کارفرما و پیمانکار که مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی و قوانین دیگر دارای اعتبار است مجدداً درخواست مجوز دیگری (در مواقعی بعد از سال‌ها) شود نوعی اشکال تراشی و تحمیل قانون زائد است. سال‌ها بعد از اجرای قانون و در ابلاغ بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی که ناشی از عدم شفافیت قانون، اجرای اشتباه قانون و یا تبیین شرایط و به نوعی وضع قانون و یا رویه جدید بوده است، می‌بایستی این حکم برای بعد از وضع را مشمول گردد با عنایت به اینکه در هیچ قانونی از پیمانکاران درخواست ارائه مجوز برای فعالیت در مناطق نشده است، لذا طبق قاعده فقهی «قبح عقاب بلایان» نباید از آنها مجوزی مطالبه گردد که عطف بمسابق گردد و از این محمل مشمول عدم معافیت و مشمول جریمه گردند.

۴. بند ۳ و ۴ ماده ۵۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده به صورت مطلق، قانون چگونگی تشکیل و اداره مناطق آزاد و قانون تشکیل مناطق ویژه را از شمول این قانون مستثنی نموده است که این بخشنامه آن را مقید به صدور مجوز و تاریخ آن، کرده است.

۵. در بند ۱ بخشنامه شماره ۲۹/۹۳/۲۰ مورخ ۹۳/۰۳/۵ به ماده ۱۳ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد و ماده ۷ قانون تشکیل مناطق ویژه برای شرط لزوم اخذ مجوز اشاره شده است؛ لیکن ماده ۱۳ در مورد شرط مجوز، برای معافیت مالیات عملکرد و دارایی می‌باشد.

۶. بحث مجوز در رای دیوان، یک قید توصیفی است و هیچ فعالیتی در این مناطق، بدون داشتن مجوز صورت نگرفته است.

۷. سازمان مناطق ویژه به صراحت اعلام می‌نماید که شکل مجوز به شکل قرارداد بوده است و از تاریخ ۹۳/۰۵/۳ شکل آن، طبق فرم سازمان امور مالیاتی می‌باشد.

۸. مجوز در این ماده یعنی هر شخصی که بخواهد یک فعالیتی را در منطقه شروع نماید و شرکتی را تاسیس کند، باید مجوز از سازمان منطقه دریافت کند؛ لیکن اگر شرکتی در تهران تاسیس شده است و مجوز فعالیت نیز دارد و آن شخص با منطقه فعالیت می‌کند، نباید ملزم به دریافت مجوز گردد؛ لذا اصل بر معافیت است و بحث از مجوز، قید دوره آغاز فعالیت می‌باشد و

همچنین تاکید سازمان امور مالیاتی نیز، فعالیت در منطقه است.

۹. در قانون تفسیر راجع به ماده ۱۳ قانون چگونگی اداره و تشکیل مناطق آزاد مصوب ۱۳۷۴ آمده است که معافیت مالیاتی موضوع ماده ۱۳ در فاصله زمانی میان ایجاد مناطق آزاد و شروع فعالیت تا زمان تصویب قانون یاد شده نیز قابل اعمال است و از این تفسیر نیز می‌توان استفاده نمود.

۱۰. مجوز به معنای اجازه دادن به یک شخص برای انجام یک فعالیتی است که می‌تواند به هر شکلی باشد و قرارداد بین طرفین، می‌تواند بهترین شکل آن باشد که کارفرمای دولتی نیز آن را امضاء کرده است و نهایتاً با انعقاد قرارداد، اجازه فعالیت به پیمانکار داده شده است؛ لازم به ذکر است که قرارداد می‌تواند به دو شکل باشد (قراردادی که طرف در قالب پیمانکاری، آن کار را انجام می‌دهد و آن قرارداد، این اجازه را به او داده است و همچنین شخصی برای خود، پروژه‌ای را انجام می‌دهد که مجوز آن فعالیت را اخذ می‌نماید)

۱۱. در ماده ۷ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مصوب ۱۳۸۷، کلمه قرارداد، به عنوان یکی از مصادیق مجوز، ذکر شده بود؛ لیکن در اصلاحی این ماده در سال ۱۳۹۳ این کلمه به نادرستی از قلم افتاد لیکن هر چند این کلمه به صراحت نیامده است ولی از آنجایی که در ماده، لفظ چیزهایی اعم از اینها، بیان شده است، لذا ماده تمثیلی است و قرارداد، می‌تواند به عنوان مجوز تلقی گردد.

نتیجه‌گیری

امید است سازمان امور مالیاتی با قبول نظرات پیشنهادی بخش خصوصی و به ویژه این تشکل در اصلاح پیش نویس لایحه قانون دائمی مالیات بر ارزش افزوده ضمن رفع اساسی این مشکل، در حال حاضر در خصوص مجوز فعالیت با لحاظ اینکه قراردادهای منعقد در راستای انجام عملیات در محدوده مناطق فوق در حکم مجوز فعالیت می‌باشد و قطعاً انجام هرگونه فعالیت بدون مجوز در این مناطق ممکن نبوده است، تاریخ شروع قرارداد مندرج در متن مجوز، ملاک برخورداری قرار گیرد و محدود به تاریخ صدور مجوز نگردد.

مضافاً اینکه از دریافت اصل مالیات بر ارزش افزوده و جرائم متعلقه مربوطه از پیمانکارانی که کارفرمایان آنها معاف از پرداخت مالیات بوده و مالیات بر ارزش افزوده را به پیمانکاران پرداخت ننموده‌اند صرف نظر نموده و در حل مشکلات ایجاد شده همکاری و مساعدت لازم را معمول دارند.



ابلاغ نظام نامه رفتار حرفه‌ای در مهندسی ساختمان

از سوی وزیر راه و شهرسازی



پیام‌آبادگران
تیر ۱۳۹۵
شماره ۳۴۴

نظام‌نامه رفتار حرفه‌ای اخلاقی در مهندسی ساختمان در سه فصل شامل:
۱- تعریف اصول اخلاق حرفه‌ای، رفتار حرفه‌ای و عرف پذیرفته شده مهندسی
۲- تعیین مصادیق رفتار حرفه‌ای اخلاقی در برگزیده موضوعات رفتار عمومی، رفتار با کارفرمایان، طرف‌های قرارداد مهندسی و اشخاص در استخدام و نحوه رفتار با اشخاص حقیقی و حقوقی همکار
۳- شیوه احراز نقض نظام‌نامه تصویب و ابلاغ شد.

در مقدمه متن نظام‌نامه، رفتار حرفه‌ای اخلاقی در مهندسی ساختمان که به امضای عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی رسیده، تاکید شده که رعایت و اجرای این نظام‌نامه توسط مهندسان و بنگاه‌های حرفه‌ای مهندسی ساختمان مندرج در قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان مصوب ۱۳۷۴ الزامی است. در بخش نخست این نظام‌نامه تعاریف و اصطلاحات به کار رفته در نظام نامه در سه عنوان کلی اصول اخلاق حرفه‌ای در ۵ بند، رفتار حرفه‌ای و عرف پذیرفته شده مهندسی تشریح شده است. در فصل دوم مصادیق رفتار حرفه‌ای اخلاقی در مهندسی ساختمان شامل رفتار عمومی در ۱۷ بند، رفتار کارفرمایان، طرف‌های قرارداد مهندسی و اشخاص در استخدام در ۱۵ بند و رفتار با اشخاص حقیقی و حقوقی

همکار نیز در ۶ بند آمده است.
● اصول اخلاق حرفه‌ای در پنج اصل به شرح زیر مقرر شده است:
۱. رجحان منافع عمومی، حفظ محیط زیست، میراث فرهنگی و رعایت قانون بر منافع شخصی خود و صاحبان کار به هنگام تعارض منافع.
۲. انجام خدمات مهندسی به نحو حرفه‌ای و همراه با مراقبت و خودداری از اقدامی که با حقوق عمومی، صاحبان کار و اشخاص ثالث مغایرت داشته باشد.
۳. رفتار شرافتمندانه، مسئولانه، توأم با امانت‌داری، رازداری، انصاف و حسن نیت و منطبق بردانش حرفه‌ای در عرضه خدمات مهندسی در برابر صاحبان کار و خودداری از هر اقدامی که با منافع قانونی صاحبان کار مغایرت داشته باشد.
۴. احتراز از رفتاری که موجب لطمه به همکاران، سلب اعتبار اجتماعی یا وهن صاحبان حرفه مهندسی باشد.
۵. اجتناب از تکفل هم‌زمان اموری که زمینه و موجبات نمایندگی یا قبول منافع متعارض را فراهم آورد.
● فصل دوم این نظام نامه، که تحت عنوان مصادیق رفتار حرفه‌ای اخلاقی در مهندسی ساختمان شناخته می‌شود، بر موارد ذیل تاکید دارد:
● رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای در انجام خدمات مهندسی و انجام آن‌ها مطابق قوانین و مقررات

حرفه‌ای مهندسی ساختمان از جمله رعایت ضوابط و مقررات شهرسازی، الزامات مقررات ملی ساختمان، آئین کارها، آئین‌نامه‌های لازم‌الرعایه و استانداردهای اجباری با رعایت عرف پذیرفته شده مهندسی و خودداری از قبول هر درخواستی از هر مرجعی اعم از کارفرما یا ناظران عمومی و خصوصی که با اصول مزبور یا قوانین، مقررات، الزامات، آئین کارها، آئین‌نامه‌ها و استانداردهای اجباری مغایرت داشته باشد یا احتراز از آن‌ها ملزم شده باشد.
● به کار گرفتن دقت، مهارت و دانش فنی لازم در انجام کار حرفه‌ای.
● پرهیز از توسل به روش‌های متقلبانه، متخلفانه و مجرمانه برای کسب منافع مالی، امتیازات حرفه‌ای و سازمانی یا به دست آوردن پروانه اشتغال به کار حرفه‌ای و فعالیت یا هرگونه گواهینامه صلاحیت در امور مهندسی و فنی برای خود یا دیگران.
● اجتناب از تأسیس مؤسسه، دفتر یا محل کسب و پیشه تحت هر نام برای انجام خدمات فنی و مهندسی بدون داشتن پروانه اشتغال ب[کار حرفه‌ای یا گواهینامه صلاحیت لازم.
● خودداری از اعلام نظر تخصصی رسمی در زمینه‌ای که دانش و اطلاع کافی و ارزیابی دقیق از آن ندارد.
● اجتناب از تصدی هم‌زمان مسئولیت در دو مرجع که یکی بر دیگری وظیفه نظارتی دارد و

خود اظهاری در مواردی که احتمال تضاد منافع وجود دارد.

● راستگویی در اظهارات فنی و شهادت‌ها یا گزارش‌های کتبی کارشناسی و کتمان نکردن واقعیت‌های مربوط به آن.

● امانت‌داری و دقت در رسیدگی و تأیید میزان کار درج‌شده در صورت‌وضعیت‌ها و صورت‌کارکردهای فنی و مالی.

● ندادن اجازه استفاده از نام، نشان، مهر، امضا، اعتبار، مدرک تحصیلی، پروانه اشتغال به کار حرفه‌ای خود یا شخص حقوقی وابسته به خود به شخص دیگری که از آن استفاده مغایر اخلاق یا قانون نماید.

* قرار ندادن محصول کار حرفه‌ای خود در اختیار دیگری برای عرضه آن به نام طرف یا اشخاص ثالث.

● پذیرفتن مسئولیت محصول، خدمت و آثار کار حرفه‌ای خود و حرفه‌مندان تحت سرپرستی خود و امضای نقشه‌ها، مدارک و دستور کارهای فنی که انفرادی یا به صورت گروهی به منظور اجرا ارائه می‌کند و پذیرش مسئولیت حرفه‌ای مشاوره‌های فنی و تخصصی رسمی خود ولو آن‌که در قبال آن حق الزحمه دریافت نکند.

● پرهیز از دادن وعده‌های خلاف واقع و مغایر با اصول و استانداردهای خدمات حرفه‌ای به منظور ترغیب کارفرمایان به واگذاری کار.

● پرهیز از اظهارات خلاف واقع، مبالغه‌آمیز یا گمراه‌کننده در مورد محصولات، سوابق، میزان تحصیلات و دانش مهندسی یا صلاحیت حرفه‌ای خود یا شرکا یا کارکنان مؤسسه یا مجموعه‌ای که در آن کار می‌کند یا تشکلی که در آن عضویت دارد علمی یا صنفی که در آن عضویت دارد یا انتشار آگهی تبلیغی خلاف واقع یا گمراه‌کننده در این زمینه‌ها.

● خودداری از اغراق در مورد نوع مسئولیت خود در طرح‌ها یا مشاغل قبلی و پیچیدگی فنی و تخصصی آن‌ها و اظهار مطالب نادرست در مورد استخدام‌کنندگان یا مستخدمان، همکاران، شرکا یا کارهای قبلی خود در هنگام درخواست استخدام یا پذیرش تعهد حرفه‌ای.

● اعمال دقت و به‌کارگیری بیشترین دانش و تلاش خود و رعایت بی‌طرفی و اجتناب از اعمال تبعیض در صدور درست و واقعی تأییدیه‌ها و گواهی‌ها و نگرفتن مال یا امتیاز خارج از ضوابط قانونی و عدم تبانی یا توسل به وسایل متقلبانه در انجام وظایف حرفه‌ای یا در ارائه تأییدیه یا ردیه و مانند آنها در امور فنی و مهندسی.

● خودداری از استفاده غیرقانونی یا تبعیض‌آمیز از موقعیت‌های شغلی و مناصب اداری و سازمانی در امور حرفه‌ای یا فنی یا غیر آن به نفع خود یا شخص دیگر یا علیه دیگری.

● اعلام وابستگی به یکی از طرف‌های اختلاف یا داشتن جهات ردّ در سمت عضویت در شورای انتظامی نظام مهندسی ساختمان استان یا شورای انتظامی نظام مهندسی ساختمان کشور یا کارشناسی، در صورت وجود، به طرف‌های اختلاف، قبل از ورود به رسیدگی یا پذیرفتن کارشناسی.

در بخش دوم از فصل دوم این نظام نامه که به رفتار با کارفرمایان، طرف‌های قرارداد مهندسی و اشخاص در استخدام اشاره دارد آمده است:

● پذیرفتن یا تعهد به انجام کار حرفه‌ای تنها در صورتی که مهارت، صلاحیت حرفه‌ای، علمی و فنی، توان مدیریتی، جسمی و روانی، امکانات لازم و شرایط و اختیارات قانونی برای انجام آن را دارا باشد و در صورتی که در خلال انجام کار، یک یا چند شرط از شرایط مذکور را از دست بدهد یا مدت اعتبار پروانه اشتغال به کار یا سایر مدارک قانونی وی برای انجام آن کار خاتمه یابد یا از استفاده از آن محروم شود، موضوع را بلادرنگ به کارفرما اعلام نماید.

● پایبندی به انجام وظایف و تعهدات قانونی، قراردادی و عرفی خود در قبال کارفرما یا استخدام‌کننده خویش.

● احراز صلاحیت فنی، حرفه‌ای و انضباطی قانونی لازم در اشخاص به هنگام واگذاری کار حرفه‌ای به آنان.

● رعایت انصاف در توافق با کارفرما یا استخدام‌کننده خود، در مورد حق الزحمه یا بهای خدمات حرفه‌ای و نیز در توافق با طرف‌های قرارداد خود

رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای در انجام خدمات مهندسی و انجام آن‌ها مطابق قوانین و مقررات حرفه‌ای مهندسی ساختمان از جمله رعایت ضوابط و مقررات شهرسازی، الزامات مقررات ملی ساختمان، آیین کارها، آیین‌نامه‌های لازم الرعایه و استانداردهای اجباری با رعایت عرف پذیرفته‌شده مهندسی و خودداری از قبول هر درخواستی از هر مرجعی اعم از کارفرما یا ناظران عمومی و خصوصی که با اصول مزبور یا قوانین، مقررات، الزامات، آیین کارها، آیین‌نامه‌ها و استانداردهای اجباری مغایرت داشته باشد یا احتراز از آن‌ها ملزم شده باشد.

به‌عنوان کارفرما یا استخدام‌شدگان خود.

● خودداری از سوءاستفاده از اضطرار یا کم‌اطلاعی و بی‌اطلاعی کارفرما از قوانین، مقررات، وظایف مهندسان، استانداردهای خدمات و محصولات و گرفتن امتیاز یا حق الزحمه خدمات مهندسی بیش از عرف رایج از وی به نحو فاحش یا عرضه خدمات حرفه‌ای و محصول مهندسی پایین‌تر از استاندارد به وی.

● اجتناب از تحمیل هزینه‌های غیرضروری به کارفرما، اعم از آنکه خود در آن ذینفع باشد یا نباشد.

● اجتناب از مطالبه و دریافت هرگونه وجه یا امتیاز از کارفرما یا شخص دیگر در قبال خدمت حرفه‌ای معینی که برای وی انجام داده، مازاد بر آنچه به موجب قرارداد استحقاق دریافت آن را دارد.

● خودداری از قبول سمت یا وکالت یا نمایندگی، یا قبول انجام خدمت حرفه‌ای برای شخص حقیقی یا حقوقی که با کارفرما یا استخدام‌کننده فعلی وی در فعالیت‌های مهندسی دارای تعارض منافع یا رقابت حرفه‌ای است، مگر با اطلاع کتبی قبلی و کسب موافقت کارفرما یا استخدام‌کننده خود.

● اطلاع دادن مواردی که بالقوه با منافع کارفرما یا استخدام‌کننده وی در تعارض است یا بعداً متعارض خواهد شد، قبل از شروع کار با آنها.

● خودداری از ارائه خدمات یا مشارکت در ارائه خدمات مهندسی طراحی، محاسبه، اجرا در پروژه‌ای که از طرف کارفرما یا استخدام‌کننده خود مسئول بررسی، کنترل، بازرسی، تأیید یا تصویب آن است.

● دادن آگاهی لازم و واضح به کارفرما یا استخدام‌کننده خود در مورد شرایطی که قرار گرفتن او در آن شرایط می‌تواند بر قضاوت مهندسی وی اثر گذارد یا از کیفیت خدمات مهندسی وی بکاهد.

● عدم انتشار و افشا نکردن اطلاعاتی از کارفرما یا استخدام‌کننده خود که به مناسبت همکاری حرفه‌ای با آن‌ها به دست آورده، بدون موافقت آنان، مگر در موارد و حدودی که قانون و مقررات، وی را ملزم به افشای آن نزد مراجع ذیصلاح نموده باشد.

● اعلام موارد ناقض مقررات و مسئولیت‌های مهندسی در کاری که به او محول شده، همچنین اقدام به رفع موارد نقض‌کننده مقررات و مسئولیت‌های مذکور و در صورت اصرار کارفرما بر ادامه کار، کناره‌گیری از ادامه آن کار و اعلام گزارش اقدامات خلاف به مراجع مربوط.

● عدم درخواست، دریافت یا قبول وجه یا امتیاز، به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، از دیگر اشخاص طرف قرارداد با کارفرما یا استخدام‌کننده



لطمه به آبروی حرفه‌ای، آینده شغلی یا وضعیت کاری آن‌ها شود.

* قرار ندادن واسطه بین خود و کارفرما و پرداخت وجه، یا پذیرفتن تعهد یا دادن وعده برای به دست آوردن کار مهندسی، جز در موارد قانونی مانند بازاریابی و وکالت.

● پرهیز از دادن هرگونه وجه، امتیاز، وعده، کمک به عوامل کارفرما برای به دست آوردن کاری برای حفظ کار یا به دیگران برای به دست آوردن موقعیت‌ها، مناصب و مشاغل مهندسی یا مدیریت‌های حرفه‌ای. در فصل سوم این نظام نامه نیز به شیوه احراز نقض نظامنامه اختصاص یافته و تاکید شده که رعایت رفتار حرفه‌ای اخلاقی موضوع این نظامنامه به وسیله تمامی اشخاص مشمول آن احراز شده تلقی می‌شود، مگر آنکه شورای انتظامی نظام مهندسی ساختمان استان یا شورای انتظامی نظام مهندسی ساختمان (کشور)، حسب مورد، متعاقب دریافت شکایت، پس از سیر تشریفات قانونی نقض اداری آن را احراز و به آن حکم نموده و رای صادره قطعی شده باشد.

منبع: پایگاه خبری وزارت راه و شهرسازی

عامل وی از جمله از طریق:

الف) برگزاری مناقصه یا مزایده صوری برای طرح‌ها یا خرید خدمات مهندسی.

ب) پنهان داشتن بخشی از اطلاعات از بعضی از شرکت‌کنندگان و دادن اطلاعات بیشتر به بعضی دیگر یا انتشار اطلاعات نادرست برای گروهی از علاقه‌مندان شرکت در رقابت، به صورت رسمی یا غیررسمی.

پ) نقض شرایط و مقررات قانونی و اعلام شده در تعیین برنده رقابت.

● مراعات کامل حقوق مالکیت معنوی اشخاص حقیقی یا حقوقی همکار و رقیب و پرهیز از معرفی محصول کار حرفه‌ای دیگران به نام خود، کارفرما یا مؤسسه خود و هر اقدامی که به حقوق مالکیت معنوی دیگران لطمه زند.

● خودداری از ارزیابی و قضاوت نادرست و غیرمنصفانه در مورد خدمات حرفه‌ای اشخاص دیگر یا انجام هر اقدام یا بیان انتقاد خلاف واقع در مورد خدمات حرفه‌ای یا سلامت رفتار و شخصیت آنان به هر صورت، همچنین طرح شکایت‌های واهی علیه ایشان یا افشای آرای قطعی نشده محکومیت آنان به نحوی که موجب

خود یا نمایندگان یا جانشینان آن‌ها، جز در مواردی که در قرارداد با کارفرما یا استخدام‌کننده خود تجویز و تصریح شده و قبل از اقدام به آنان اطلاع داده باشد.

● در صورت ورشکستگی شرکت تحت مدیریت خود، اعلان آن به شرکا، کارفرماها، طرف‌های قرارداد و اشخاص تحت استخدام شرکت ظرف ۱۰ روز از وقوع آن.

در بخش سوم فصل دوم که به رفتار با اشخاص حقیقی و حقوقی همکار توجه کرده آمده است:

● اجتناب از رقابت ناسالم و غیرمنصفانه با مهندسان یا اشخاص حقوقی همکار خود که شامل موارد زیر است:

الف) تبانی با عوامل برگزارکننده و دیگر شرکت‌کنندگان در مزایده یا مناقصه برای اثرگذاری بر شرایط و قیمت برنده.

ب) دادن یا انتشار اطلاعات نادرست، توسل به فشار، تهدید و روش‌های غیرمعارف برای منصرف کردن یا حذف یا منع سایر حرفه‌مندان رقیب از شرکت در رقابت.

● اجتناب از ایجاد شرایط رقابت ناسالم و غیرمنصفانه بین حرفه‌مندان، در مقام کارفرما یا

HIDROMEK®

کیفیت برتر
خدمات متفاوت
شرایط مناسب



www.hidromek.com.tr

خیابان آزادی، جنب دانشگاه صنعتی شریف، پلاک ۴۷۷ (کوچه شهید ابوالفضل قدیر، پلاک ۲)

www.snowpars.com

فکس: ۶۶۰۴۶۷۳۰

تلفن: ۶۶۰۱۳۹۳۱

کدپستی: ۱۴۵۸۸۸۹۶۱۷

دفتر مرکزی و فروش



شرکت‌های عمرانی از نبود مستندسازی و انتقال تجربه آسیب می‌بینند

دکتر علی اکبر نجفی مشاور عالی مدیرعامل شرکت بلندپایه و مدیرعامل شرکت طرح‌های ماندگار، دکترای مهندسی سازه از انگلستان (سال ۱۳۷۱)، دکترای معماری از انگلستان (سال ۱۳۷۶) و از اعضای انجمن ایرانی مهندسان محاسب ساختمان است. وی متولد ۱۳۳۷ تهران و فارغ‌التحصیل فوق لیسانس مهندسی راه و ساختمان از دانشکده فنی دانشگاه تهران است که در گفت‌وگو با نشریه آبادگران مصائب و موانع انتقال تجربه و دانش در فعالیت‌های عمرانی را تشریح کرد که از نظر تان می‌گذرد.

گفت‌وگو با دکتر علی اکبر نجفی

نفث به پروژه‌های عمرانی در دهه‌های بعد، شرکت‌های پیمانکاری به طور تدریجی ظهور نمودند. اولین بار در برنامه سوم توسعه در خلال سال‌های ۴۱ تا ۴۶ موضوع تعیین صلاحیت پیمانکاران در دستورکار قرار گرفت. با وجودی که برخی کارها به آنهایی واگذار می‌گردید که ارتباط قوی‌تری با حاکمیت داشتند، معدود شرکت‌های دیگر که به مرور بر تعدادشان افزوده می‌شد نیز به اندازه خودشان پروژه داشتند، حتی مخالفان سیاسی سابق هم شرکت‌هایی تاسیس کردند و مشغول کار شدند. یک ضعف هم وجود داشت و آن اینکه با وجود

مرحوم مهندس احمد حامی می‌گفت پس از بازگشت از تحصیل و خروج متفقین از ایران وضعیت طوری بود که برای ساخت راه و ساختمان در کشور حتی یک مجموعه حرفه‌ای نداشتیم و حرفه پیمانکاری در ایران ابتدا با ساخت جاده و پل به کمک ابزارهایی مثل بیل و فرغون و به صورت مقاطعه‌کاری آغاز گردید. آقای آل یاسین در کتاب "تاریخچه برنامه‌ریزی توسعه در ایران" یکی از علل عدم دستیابی به همه اهداف برنامه هفت ساله دوم یعنی از سال ۳۴ تا ۴۱ را کمبود پیمانکاران و مهندسان مشاور با تجربه ذکر می‌کند. با تخصیص درآمدهای روزافزون

■ ضمن تشکر از فرصتی که در اختیار نشریه آبادگران گذاشتید، اگر موافقت این گفت‌وگو را با مروری بر پیشینه شرکت‌های ساختمانی در ایران آغاز کنیم؟

البته صاحب نظرتر از من پیشکسوتان صنعت احداث هستند، لیکن برای اینکه چند نکته مهم را متذکر شوم به پاسخ این سؤال می‌پردازم. قبل از هر چیز لازم است اشاره کنم که در دهه‌های آغازین سده اخیر حرفه‌ای به نام پیمانکاری وجود نداشت یعنی تا دهه ۱۳۴۰ که ثبات نسبی بر اوضاع کشور حاکم گردید، پیمانکار ایرانی مشهور سراغ نداریم.

اجبار شرکت‌های خارجی به شراکت با طرف ایرانی برای انجام پروژه‌های بزرگ و خاص، برخی شرکت‌های ایرانی به شراکت صوری با شرکت‌های خارجی بسنده می‌کردند و به جای بهره‌مندی از دانش و تجربه و تکنولوژی این شرکت‌ها، با دریافت درصدی سهم در حاشیه قرار می‌گرفتند. معدود شرکت‌هایی که بطور واقعی با شرکت‌های خارجی شریک شدند قادر شدند با وقوع انقلاب و خروج شرکت‌های خارجی، پروژه‌های نیمه‌تمام را رأساً به پایان برسانند. یک نمونه از این پروژه‌ها سد میناب (استقلال) بود که اولین تجارب کاری اینجانب در آنجا شکل گرفت. با پیروزی انقلاب اسلامی و خصوصاً پس از جنگ تحمیلی عراق با ایران، شرکت‌های بسیاری ایجاد شدند که با توجه به شوق سازندگی در کشور و افزایش درآمدهای نفتی، موفق شدند پروژه‌های کوچک و بزرگی منجمله پروژه‌هایی را که سابقاً برای اجرای آنها از شرکت‌های خارجی استفاده می‌شد طراحی و اجرا نمایند، مانند سدها و شبکه‌های آب و برق و کارخانجات مختلف.

■ آیا این به میزانی بود که نیاز به شرکت‌های خارجی برطرف گردد؟

بله به مرور در زمینه‌های گوناگون راه و ساختمان اینگونه شد و این امر، هم مرهون جرات و جسارت مسئولان و هم مدیون عزم و اراده مهندسان مؤمن و میهن‌دوست بود، به طوری که از دهه ۱۳۷۰ متخصصان ایرانی پیچیده‌ترین پروژه‌ها را مدیریت و اجرا نموده‌اند که مثال‌های زیادی از این دست وجود دارد. من فکر می‌کنم یک نقطه ضعف در اینجا داریم و آن عدم مستندسازی و انتقال تجربه و اطلاعات به نسل‌های بعدی است تا این ظرفیت که با همت و تلاش و پشتکار به وجود آمده استمرار پیدا کند و پربارتر شود. موضوع عدم پایداری شرکت‌های ساختمانی نیز به این ضعف دامن زده است.

■ به موضوع عدم پایداری شرکت‌ها اشاره کردید، درباره دلایل این امر چه نظر و نگاهی دارید؟

چنانچه نگاهی اجمالی به سرنوشت شرکت‌های پیمانکاری ایران در نیم قرن

اخیر بیندازیم، ملاحظه می‌کنیم که اکثر قریب به اتفاق آنها فقط یک نسل دوام داشته‌اند و نسل بعدی راه پیمانکاری را ادامه نداده است. علل زیادی را می‌توان برای این امر تصور کرد. یک علت ساختار درونی این شرکت‌ها و روابط غیرضابطه‌مند شرکای آنهاست. علت دیگر عدم برنامه‌ریزی این بنگاه‌ها برای حیات درازمدت است. علت دیگر صعوبت و ریسک کار پیمانکاری است و نسل بعد که از نزدیک مشقت پدران خود را لمس نموده‌اند حاضر به قبول سختی اینگونه مسئولیت‌ها نیستند. علت دیگر شرایط کشور، مشکلات گرفتن کار و فراز و نشیب‌های اقتصادی است که یک نمونه آن را چندسال پیش در تغییر نرخ ارز شاهد بودیم و نمونه دیگرش رکود سال‌های اخیر است. این علت‌ها و علل دیگر موجب می‌شوند که نسل جدید رغبتی به کار پیمانکاری نشان ندهد. در هر حال بنده پیشنهاد می‌کنم مؤسسه تحقیق و توسعه صنعت احداث که زمانی نسبت به این موضوع علاقه‌مند بود، تحقیق جامعی انجام دهد تا با آسیب‌شناسی بتوان زمینه‌های پویایی و استمرار حیات این شرکت‌ها را فراهم نمود.

■ شما به عنوان متخصصی که در بخش خصوصی و پیمانکاری فعالیت دارید چه برداشتی از موانع پیش رو در عرصه اجرایی

در حوزه پیمانکاری می‌شود مسائل را به چند بخش تفکیک نمود: معضلات قانونی، مشکلات مالی، تنگناهای رقابتی و افول فضای عمرانی در کشور. مثالی از موارد قانونی، عدم توازن تعهدات پیمانکار و کارفرما در قراردادهایست که در شرایط عمومی پیمان‌ها تجلی پیدا می‌کند و علی‌رغم تلاش مداوم سندیکا، این تلاش‌های چندساله دلسوزان در تدوین متون جدید بازتاب شایسته‌ای نیافته است



و عمرانی دارید؟ این موانع و دشواری‌ها در میان شرکت‌های بزرگ، متوسط و کوچک چه تفاوت‌هایی دارند؟

موانع پیش روی شرکت‌های پیمانکاری به تفصیل در سال‌های گذشته در مجامع مختلف و در خلال شماره‌های همین نشریه به کرات ذکر شده‌اند. این موانع را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: یکی موانع عمومی کسب و کار در کشور و دیگری موانع خاص جامعه پیمانکاری است.

در قسمت اول قوانین و مقررات نامناسب، محدودیت‌های بخش خصوصی، تبعیض‌های اداری و مالی من جمله مالیاتی، مسائل ناشی از تحریم‌ها و مواردی از این دست را می‌توان نام برد. در حوزه پیمانکاری می‌شود مسائل را به چند بخش تفکیک نمود: معضلات قانونی، مشکلات مالی، تنگناهای رقابتی و افول فضای عمرانی در کشور. مثالی از موارد قانونی، عدم توازن تعهدات پیمانکار و کارفرما در قراردادهایست که در شرایط عمومی پیمان‌ها تجلی پیدا می‌کند و علی‌رغم تلاش مداوم سندیکا، این تلاش‌های چندساله دلسوزان در تدوین متون جدید بازتاب شایسته‌ای نیافته است. مثال دیگر قانون مالیات‌های مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده است که با وجود طرح مکرر آن با بخش‌های دولتی و تقنینی، نظرات دست‌اندرکاران صنعت احداث در تجدیدنظر انجام شده، تأمین نشده است.

مثال دیگر احضار مدیرعامل شرکت در صورت وقوع حادثه به دادگاه طبق قوانین موجود است که مزاحم و غیرضروری به نظر می‌رسد. از جمله مشکلات مالی عدم پرداخت مطالبات دیرپای شرکت‌ها و ولو به صورت غیرنقدی است که شرکت‌های کوچک و بزرگ را در آستانه ورشکستگی قرار داده و ذینفعان ایشان را نیز دچار مشکلات جدی نموده است. این درحالی است که بانک‌ها در هر شرایطی منافع تعریف شده خود را از دادن تسهیلات بانکی به شرکت‌ها (که به دلیل عدم وصول مطالبات، دریافت تسهیلات ضروری و گاه پیمانکاران از بازپرداخت آن نیز عاجز می‌شود) و دریافت کارمزد صدور و تمدید تضامین تحصیل می‌کنند. درباره تنگناهای رقابتی در هم‌آوردی با بخش دولتی و عمومی نیز گفتنی‌ها گفته شده و با

امید به تنظیم شرایط، از دولت حاضر انتظار می‌رفت که در این مورد تدبیری بیندیشد. ابلاغ فاز اول برنامه اصلاح نظام بانکی و مالی کشور اقدامی دیر هنگام ولی مثبت است که البته نیازمند ابلاغ دستورالعمل‌های هریک از محورهاست. یکی از اهداف این برنامه سامان‌دهی بدهی‌های دولت است. در حال حاضر میزان بدهی‌های دولت (که بخشی از آن مطالبات شرکت‌های پیمانکاری است) بالاست و وضعیت مالی دولت به گونه‌ای نیست که طرح‌های عمرانی جدیدی را تعریف نماید و حتی قادر به تامین مالی پروژه‌های نیمه‌تمام هم نیست تا چرخ شرکت‌های پیمانکاری به گردش درآید و از این رهگذر صدها پیشه‌وابسته به احداث نیز رونق یابند. لذا شرکت‌های کوچک، متوسط و بزرگ همگی دچار رکود هستند و البته توان ایستایی شرکت‌های کوچکتر در تداوم حوادث کمتر و عوارض مربوط به شرکت‌های بزرگ بیشتر است.

رفع کدام دسته از مشکلات مربوط به رونق بخش خصوصی، می‌تواند شرکت‌های پیمانکاری را در موفقیت بیشتری برساند؟

یک سری از مشکلات کلان هستند و در سطح ملی باید حل شوند مثل مهار تورم به قیمت رکود، تضییقات تجارت خارجی، غیر واقعی بودن نرخ ارز، عدم برنامه برای رشد تولید داخلی، نبود استراتژی برای رشد صادرات، و مسائلی از این دست. یک سری از مشکلات نسبتاً خرد و در سطح صنعت احداثند از قبیل غیر واقعی بودن قیمت‌های فهارس بها و شاخص‌های تعدیل، انباشتگی بخشنامه‌های مرتبط با پیمانکاران و لزوم تنقیح آنها، نامتوازن بودن شرایط قراردادها، عدم استفاده کارفرمایان از ظرفیت شورای عالی فنی، بلا تکلیفی قراردادها و مطالبات پیمانکاران و مسایلی از این دست.

تجربه شما چه می‌گوید؟ آیا اصلی‌ترین مسائل مربوط به مشکلات داخلی مثل کمبود سرمایه و تجربه، ضعف نیروی انسانی و تخصص، ضعف مدیریت... می‌شود یا عوامل بیرونی مثل رکود، تحریم‌ها، کمبود نقدینگی و گردش مالی در کشور، مقررات و قوانین دست و پاگیر،

کارفرمایان قانون‌گریز، نبود رقابت واقعی و... مسئله اصلی هستند؟

به نظر می‌رسد مجموعه‌ای از ضعف‌ها و مشکلات درونی و بیرونی موجبات این مسائل را به وجود آورده‌اند. ما بایستی اقتصاد درون‌زا و برون‌گرا داشته باشیم. این پیام اقتصاد مقاومتی است. مهم این است که تحلیلی از وضعیت موجود، علل شکل‌گیری آن و راهکارهای برون رفت داشته باشیم تا بن‌مایه برنامه‌ریزی عملی برای بهبود وضعیت قرار گیرد. تامین منابع مالی برای تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام و شروع پروژه‌های اولویت‌دار توسط دولت نیازمند تعریف یک چرخه مالی خودگردان یا لااقل با کمترین اتکا به درآمدهای دولت است. در عین حال به میدان آوردن درآمد ارزی

به کار گرفت. همچنین بایستی بازتعریفی از مطالعات گذشته که از آن جمله طرح آمایش سرزمین است صورت پذیرد. آنچه مسلم است ضعف نیروی انسانی و تخصص و تجربه به هیچ عنوان مطرح نیست و شاهد آن فارغ‌التحصیلان همه رشته‌ها و مهندسان ما هستند که برخی از آنها را کشورهای پیشرفته روی دست می‌برند و چنانچه زمینه بالندگی ایشان در داخل فراهم شود در خدمت رشد و توسعه کشور خواهند بود، بلکه شاهد ضعف مدیریت، کلان‌نگری و برنامه‌ریزی هستیم.

آیا شرکت‌ها در فعالیت خود با رقابت‌های ناسالم و هزینه‌های ناشی از قاعده‌مند نبودن فعالیت‌های عمرانی مواجه هستند؟ آیا رقبای رانت‌دار مثل



سال‌های پردرآمد نفت ضروری و لازمه آن بهبود روابط بین‌المللی و رفع فساد داخلی است که جز با هماهنگی قوای سه‌گانه و سایر قوا میسر نیست. طبق آمارهای موجود، حجم بزرگی از نقدینگی در اختیار افراد و بانک‌هاست که قابل هدایت به سمت سرمایه‌گذاری در پروژه‌های ملی و غیرملی می‌باشد و خوشبختانه با تقلیل سود بانکی، زمینه این جابجایی در حال فراهم شدن است، ولی آیا دولت برنامه‌ای برای هدایت هدمند این نقدینگی دارد؟ به اعتقاد بنده ضروری‌ترین عامل، انسجام برنامه‌ریزی کلان توسعه است. چنانچه نخبگانی که از چرخه تصمیم‌سازی بیرون مانده‌اند در قالب شوراهای راهبردی به کار گرفته شوند، می‌توان با تشخیص اهداف معین، مسیر نبل به این اهداف را ترسیم و آنگاه همه امکانات را در راستای این اهداف

شرکت‌های حصولتی فعالیت بخش خصوصی را دچار مضيقه کرده‌اند؟

جواب سؤال شما در خود سؤال نهفته است. لازم است گفته رئیس جمهور محترم در نشست خبری ۲۷ دی ماه سال گذشته را نقل نمایم به این مضمون که این دولت از ابتدا پای بخش خصوصی رقابتی غیررانتی فرش قرمز پهن کرده است و امروز هم این فرش قرمز را پهن می‌کند. این گفته حتما ناشی از یک ارزیابی عمیق از موضوع است. ضمناً این موضوع را بایستی متذکر شوم که بین استفاده از اعتبار و استفاده از رانت تفاوت هست. چنانچه مجموعه‌ای در طول سالیان فعالیت کاری خود اعتباری کسب کرده باشد و بر مبنای این اعتبار مورد وثوق و مورد رجوع باشد فرق دارد با اینکه مجموعه‌ای بدون اینگونه سابقه و اعتبار صرفاً به دلیل داشتن ارتباطات و اطلاعات و

بدون طی فرایند رقابت موفق به اختصاص منافعی برای خود شود.

■ **به نظر شما گفت وگویی دولت و بخش خصوصی که در سال‌های اخیر به صورت نهادی در آمده است چه دستاوردی داشته، آیا کمکی به بهبود اوضاع داشته است؟**

قطعاً مفید بوده زیرا تا قبل از آغاز این گفت‌وگوها در سال ۱۳۹۰ هیچ تریبونی برای بیان مسائل بخش خصوصی جز اتاق بازرگانی وجود نداشت. اتاق بازرگانی هم که پارلمان بخش خصوصی محسوب می‌شد، ارتباط سیستماتیک با دولت نداشت. از همان اولین جلسات جنبه‌های مختلف موانع کسب و کار مطرح شده‌اند. لذا برقراری این نشست‌ها که در آن وزرا و مسئولان رده بالای دولتی حضور پیدا می‌کنند می‌تواند بسیار مفید باشد خصوصاً اگر سازوکاری برای پیگیری مطالبات بخش خصوصی از نهادها ایجاد شود. یکی دیگر از نشست‌هایی که کمک شایانی به انعکاس مسائل بخش خصوصی کرده تشکیل جلسات کمیته ماده ۷۶ بوده که در آنها موانع کسب و کار با حضور افراد ذی‌مدخل مطرح و در برخی موارد به اصلاح قوانین منجمله قانون مالیات‌های مستقیم و ارزش افزوده منجر شده است.

■ **آیا امید دارید که شرایط موجود به سمت شرایط مطلوب تغییر وضعیت دهد؟ اگر امیدوارید الزامات این تغییر چیست؟**

بالاخره نباید امید را از دست داد و ناامیدی در قاموس تلاشگران عرصه سازندگی کشور معنا ندارد. ملاحظه بفرمائید که منتخبین سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران علی‌رغم مواجهه با بی‌مهری‌های مسئولان تا چه حد با پشتکار و گاهی به طور مکرر از نو به طرح مسائل و پی‌گیری آنها می‌پردازند. این روحیه عمومی آبادگران این مرز و بوم است که هیچگاه از پی‌گیری اصلاح امور و تغییر وضعیت موجود، چون آن را در راستای منافع ملی می‌دانند، ناامید نمی‌شوند. از جمله الزامات تغییر وضعیت، درک این موضوع است که چرخ اقتصاد یک کشور بر پایه فعالیت پویای بخش خصوصی به ویژه در زمینه صادرات و در مورد شرکت‌های پیمانکاری صادرات خدمات فنی مهندسی می‌چرخد. الزام دیگر دخالت دادن بیشتر بخش خصوصی

در تصمیم‌سازی‌ها براساس این درک است و راهکارهای آن وجود دارند. مبارزه واقعی و برنامه‌ای با فساد و رقابتی شدن بازار نیز الزام دیگری است که موجب پویایی بخش خصوصی می‌شود. یک الزام بزرگ هم از جانب بخش خصوصی باید مورد توجه قرارگیرد و آن این است که چشم‌امیدش فقط به دولت نباشد و از این پس خود به تعریف پروژه‌ها و ترتیب دادن تامین مالی آنها بپردازد. اکنون که با تغییر شرایط رفت و آمدهایی بین بنگاه‌های ایرانی و خارجی انجام می‌شود و شرکت‌های خارجی علاقه‌مند به کار در ایران هستند، اولاً طرف‌های ایرانی بایستی بحث تامین مالی توسط این شرکت‌ها از طریق مؤسسات مالی کشورشان را به نتیجه برسانند، ثانیاً با توجه به وجود قانون حداکثر استفاده از توان داخلی سهم قابل توجهی از کار واقعی برای خود در نظر داشته باشند و هیچگاه به سهمی صوری بسنده نکنند. بدیهی است نقش دولت و کارفرمایان ایرانی در شکل‌گیری این دو مهم حیاتی است.

■ **چه نگاهی به فعالیت سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران دارید؟ آیا ظرفیت‌هایی وجود دارد که بتوان آنها را برای موفقیت بیشتر سندیکای فعال ساخت؟ سندیکا مهم‌ترین تشکل صنفی صنعت**

از جمله الزامات تغییر وضعیت، درک این موضوع است که چرخ اقتصاد یک کشور بر پایه فعالیت پویای بخش خصوصی به ویژه در زمینه صادرات و در مورد شرکت‌های پیمانکاری صادرات خدمات فنی مهندسی می‌چرخد. الزام دیگر دخالت دادن بیشتر بخش خصوصی در تصمیم‌سازی‌ها براساس این درک است و راهکارهای آن وجود دارند. مبارزه واقعی و برنامه‌ای با فساد و رقابتی شدن بازار نیز الزام دیگری است که موجب پویایی بخش خصوصی می‌شود.



احداث است و بنابراین نقش بزرگی در یکپارچگی صنف و تنظیم روابط اعضا در درون تشکل و با بیرون دارد. روابط بیرونی می‌تواند شامل تشکل‌های غیردولتی دیگر، نهادهای دولتی و سایر مجموعه‌های مرتبط با فعالیت اعضا باشد. وظیفه اصلی سندیکا شکل‌دهی به این روابط به منظور حصول عملکرد بهتر صنف است که به نوبه خود موجب رشد این شرکت‌ها و توسعه کشور می‌شود. مجموعه شرکت‌های پیمانکاری اعم از اینکه عضو سندیکا باشند یا نباشند سرمایه‌های ملی کشورند و ارتقای ایشان اعتلای کشور را به دنبال دارد. این موضوع را به شکلی دیگر در ابتدای عرایض اشاره کردم که یکی از علل عدم تحقق برنامه‌های توسعه در دهه‌های قبل و بعد از تاسیس سندیکا نبود پیمانکاران باتجربه بوده است.

سندیکا در سال‌های اخیر جای خوبی برای حضور خود در فرایند تصمیم‌گیری‌های دولتی باز کرده ولی تأثیر لازم را نداشته و بایستی بررسی کنیم که چرا نداشته و چگونه می‌توان بیش از این تأثیرگذار بود. استفاده از ظرفیت‌های اتاق بازرگانی ایران می‌تواند به تأثیرگذاری سندیکا کمک کند. با توجه به اینکه آئین‌نامه موجود تشخیص صلاحیت پیمانکاران به زعم بسیاری از اعضا روش مناسبی برای تأیید صلاحیت پیمانکاران نیست، خوب است سندیکا آئین‌نامه پیشنهادی خود را تدوین و ارائه نماید. در حوزه داخلی سندیکا ایجاد یک نهاد داوری برای رفع اختلافات بین اعضا و احیاناً با سایر ذینفعان پیشنهاد می‌شود.

حوزه دیگری که نیازمند توجه سندیکا است تسهیل و فراهم‌سازی زمینه برای تامین مالی پروژه‌ها توسط مؤسسات مالی است زیرا در شرایط فعلی که دولت امکان سرمایه‌گذاری در طرح‌ها را ندارد، لازم است ساز و کار مناسبی برای استفاده از منابع دیگر از جمله بانک‌ها، به وجود آید که پیمانکار و تامین‌کننده مالی در کنار هم قرار گیرند تا اجرای یک پروژه محقق شود. ظرفیت‌های مؤسسه تحقیق و توسعه صنعت احداث و انرژی هم تاکنون به فعل درنیامده و سندیکا به عنوان یکی از پدیدآورندگان اصلی آن می‌تواند روحی تازه به این مؤسسه بدمد که پژوهش مسائل ساخت و آموزش مهارت‌ها از زمینه‌های مفید فعالیت مؤسسه باشد.



بوردو
(سهامی خاص)

بسمه تعالی

تاریخ : ۹۵/۱/۲۱
شماره : ۹۵/۵۵/۱۰۱۸
پیوست : دوازده

دبیر محترم سندیکای شرکت های ساختمانی ایران
جناب آقای مهندس دادمان
موضوع : بند "و" ماده ۱۱ پیمان اجرای کارهای ساختمانی بصورت سرجمع

با سلام ،

احتراماً در خصوص جبران خسارت دیرکرد در پرداخت ها (موضوع بند "و" ماده ۱۱ پیمان اجرای کارهای ساختمانی بصورت سرجمع) ابهام ذیل مطرح می باشد، خواهشمند است در این مورد راهنمایی فرمائید.

- طبق نامه شماره ۵۱۳۹۵/ف/۲۲ مورخ ۸۹/۸/۲۲ دفتر نظام فنی اجرایی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (در پاسخ به نامه شماره ۸۹/۴۴۷۳ مورخ ۸۹/۶/۳۱ آن سندیکای معظم) عنوان شده است که خسارت دیرکرد در پرداختها بابت تأخیر در پرداخت اصل بدهی کارفرما به پیمانکار صورت می گیرد. از اینرو منظور از اصل بدهی، مبلغ قابل پرداخت به پیمانکار است که بعد از اعمال کسورات مربوطه بدست می آید.

درخصوص پاراگراف فوق کسورات متعلقه شامل بیمه ، مالیات مستقیم، حسن انجام کار، پیش پرداخت و ... می باشد. از نظر این شرکت مالیات برارزش افزوده جزء بدهی کارفرما به پیمانکار بوده و می بایست مبلغ آن در محاسبه خسارت دیرکرد در پرداخت (موضوع بند "و" ماده ۱۱ پیمان اجرای کارهای ساختمانی بصورت سرجمع) لحاظ گردد. زیرا طبق بند "ه" ماده ۱۱ پیمان مذکور، کسور قانونی توسط کارفرما کسر و به حساب مراجع ذیربط واریز می شود، که در خصوص مالیات برارزش افزوده، مبلغ مورد نظر به پیمانکار پرداخت می گردد و نه به اداره مالیات ، بنابراین جزئی از اصل بدهی کارفرما به پیمانکار به شمار می رود.
خواهشمند است دراین خصوص راهنمایی فرمائید.

با تشکر و تجدید احترام
ارجائی‌نژاد
مدیرعامل

آدرس : تهران - بزرگراه همت غرب - شهرک گلستان - میدان انوشیروانی - خیابان بنفشه - نبش بنفشه ۱۴ - پلاک ۵۲ - طبقه دوم
تلفن : ۴۴۷۴۴۱۰ (هفت خط) فاکس : ۴۴۷۴۴۰۲
www.bordoo.co

BORDOO CO.



سندیکای شرکت‌های ساختمانی ایران

تاریخ: ۹۵/۱/۲۸

شماره: ۹۵-۵۲۹۴۸

شماره ثبت: ۹۴

تاسیس: ۱۳۲۶

«بنام خدا»

جناب آقای مهندس غلامحسین حمزه مصطفوی
ریاست محترم امور نظام فنی اجرائی - سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور
موضوع: اجرای پیمان به روش سرجمع

پس از سلام

به پیوست تصویر نامه شماره ۹۵/۵۵/۱۰۱۸ مورخ ۹۵/۱/۲۱ شرکت بردو در ارتباط با بند « و » ماده ۱۱ پیمان اجرای کارهای ساختمانی به صورت سرجمع (جبران خسارت دیر کرد در پرداختها) موضوع بخشنامه شماره ۱۰۰/۴۶۰۵ مورخ ۱۳۸۹/۲/۴ ارسال و به استحضار می رساند: شرکت بردو به استناد اظهار نظر شماره ۵۱۳۹۵/ف/۲۲ مورخ ۸۹/۸/۲۲ آن امور محترم در خصوص خسارت دیرکرد در پرداختها که اعلام گردیده است « خسارت دیرکرد در پرداختها بابت تأخیر در پرداخت اصل بدهی کارفرما به پیمانکار صورت می گیرد، از اینرو منظور از اصل بدهی، مبلغ قابل پرداخت به پیمانکار می باشد که بعد از اعمال کسور مربوطه بدست می آید» (یکبرگ تصویر نامه ضمیمه است)

درخواست اعلام نظر در محاسبه خسارت بدهی کارفرما بابت عدم پرداخت مالیات بر ارزش افزوده که می بایست به همراه صورت وضعیت پرداخت گردد را می نماید. با بررسی بعمل آمده باتوجه به اینکه وفق ضوابط، پرداخت مبلغ مالیات بر ارزش افزوده به همراه صورتحساب، تأکید شده است، به نظر این سندیکا مبلغ مالیات بر ارزش افزوده قسمتی از اصل بدهی کارفرما به پیمانکار است که عدم پرداخت آن مشمول خسارت بند « و » ماده ۱۱ پیمان اجرای کارهای ساختمانی بصورت سرجمع می گردد که لازمست به پیمانکار پرداخت گردد. تقاضا دارد مقرر فرمایند در صورت تأیید مراتب را جهت اعلام به پیمانکار به این سندیکا ابلاغ نمایند.

با تقدیم
احترام
بهمن
دادمان
دبیر



ریاست جمهوری

سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور

شماره: ۶۲۵۳۵۲
تاریخ نامه: ۱۳۹۵/۰۴/۲۹
پست: ندارد

بسمه تعالی

دبیر محترم سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران

موضوع: مالیات بر ارزش افزوده

با سلام و احترام؛

بازگشت به نامه شماره ۵۲۹۴۸-۹۵ مورخ ۱۳۹۵/۰۱/۲۸ و ضمیمه آن تصویر نامه شرکت بردو به شماره ۹۵/۵۵/۱۰۱۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۱/۲۱ اعلام می‌دارد مطابق قانون مالیات بر ارزش افزوده و بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به آن، چنانچه پیمانکار طرف قرارداد با دستگاه‌های اجرایی قبل از انعقاد قرارداد یا حین ارائه خدمات، مطابق با مفاد ماده ۱۸ قانون مالیات بر ارزش افزوده، اقدام به ثبت نام نمایند و مستندات مربوط به ثبت نام و مشمول بودن قانون یاد شده را به دستگاه اجرایی ارائه نمایند، کارفرما موظف است مبلغی را معادل درصد تعیین شده بابت مالیات بر ارزش افزوده برای هر سال از مبلغ ناخالص هر صورت وضعیت به پیمانکار پرداخت نماید.

لذا مبلغ مالیات بر ارزش افزوده، در مجموع مطالبات پیمانکار منظور شده لیکن در قراردادهای منعقد شده بر مبنای دستورالعمل انعقاد پیمان اجرای کارهای ساختمانی به صورت سرجمع (موضوع پیوست بخشنامه شماره ۱۰۰/۶۴۰۵ مورخ ۱۳۸۹/۰۲/۰۴)، مشمول پرداخت خسارت دیرکرد در پرداخت‌ها مندرج در بند «و» ماده ۱۱ پیمان نمی‌گردد. لازم به تأکید است دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری، در موضوع مالیات بر ارزش افزوده قراردادهای پیمانکاری که صورت وضعیت‌های آن در سال ۱۳۹۵ به وسیله دستگاه اجرایی دریافت می‌شود، مکلف به رعایت تبصره ۱۸ قانون بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور می‌باشند.

غلامحسین حمزه مصطفوی
رئیس امور نظام کنونی و اجرایی

ش.ش: ۱۰۸۰۰۹

دورنگار مرکزی: ۳۳۱۱۶۱۴۶

مرکز تلفن: ۴-۳۳۲۷۱

تهران- میدان بهارستان- خیابان دانشسرا

جناب آقای مهندس عبدالمجید سجادی نائینی

عضو محترم هیأت مدیره سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران

مدیرعامل محترم شرکت رامکله

با درییغ و تأسف، درگذشت مادر همسر گرامی جنابعالی را تسلیت عرض می‌کنیم. برای آن مرحومه غفران الهی و برای شما و بازماندگان محترم صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

هیأت مدیره و بازرسان سندیکای شرکتهای ساختمانی ایران



میزگرد سوسیالیسم بازار و سوداگری در ایران

دیدگاه‌های دکتر آخوندی، لیلاز و راغفر

منبع: پایگاه خبری وزارت راه و شهرسازی



پیام‌آبادگران
تیر ۱۳۹۵
شماره ۳۴۴

که اتحاد منافع فراوانی با دربار داشتند و در همه چیز از جمله سود با هم شریک بودند و عمده فعالیت‌های آن دوره نه بر مبنای شفافیت، رقابت و فناوری که در مبادله امتیاز بوده و تعریف بسیار استاندارد از بازار سوداگرایانه بود و این ویژگی مختص ایران نبود که در قرن ۱۶ تا ۱۹ میلادی در کشور انگلستان و در سراسر جهان مطرح بود. وی ادامه داد: اساسا نقد مرکانتیلیستی از آنجا شروع شد که اگر بخواهیم اقتصادی داشته باشیم که رفاه اجتماعی ایجاد کند باید به تخصص‌گرایی برسیم که آدم اسمیت نیز آن را مطرح کرد. همچنین نکته من این است که بیش از ۱۰۰ سال از مشروطه گذشت و ما هیچگاه نتوانستیم وارد بازار آزاد اقتصادی شده و از سوداگری عبور کنیم. آخوندی ادامه داد: معتقدم بحث سوسیالیسم بحثی ریشه دار تر از بحث روز ما است و اساسا به نحوه ورود اندیشه نوگرایی به ایران مرتبط است. از طرفی آنچه مادر سنت داشتیم سیستم سوداگرایانه بود که در آن مباحثی همچون بازار آزاد معنایی نداشت و بازار به دنبال آن بود تا خود را به قدرت

است. معتقدم نظام بازار در ایران شکل نگرفت زیرا آنچه در ایران تحت عنوان نظام بازار آزاد نقد می‌شود به واقع نقد نظام بازار آزاد نیست. همچنین گزاره سوم این است که در هنگام صحبت از سیاست‌های اقتصادی باید یک بار از دیدگاه جامعه‌شناسی اقتصادی و بار دیگر از منظر اقتصاد سیاسی به موضوع نگاه کنیم.

گزاره چهارم نیز این نکته است که اساسا ایسم‌ها مشکلی از مشکلات کشور ایران حل نمی‌کنند و آنچه که سرانجام باید به آن توجه داشته باشیم مفهومی است تا بتوانیم در ایران مورد بازخوانی قرار دهیم. لذا به دنبال مفهوم ایران شهر هستیم که در آن مفهوم بتوان دستاوردهای بشری را مورد بازنگری قرار داد.

وزیر راه و شهرسازی با اشاره به اینکه مبنای ورود صحبت خود به بحث میزگرد سوسیالیسم بازار و سوداگری در ایران، اقتصاد سیاسی است و با تاکید بر اینکه این موضوع، جزو موضوع‌های پرچالش است گفت: در رجوع به عصر ناصری در شرح مفهوم بازار می‌بینیم که تجار بزرگی داشتیم

دکتر عباس آخوندی، وزیر راه و شهرسازی در میزگرد اقتصادی تحت عنوان سوسیالیسم بازار و سوداگری در ایران نقطه نظرات خود را در زمینه‌های سوسیالیسم بازار و سوداگری در ایران تشریح کرد و تله‌های سیاسی که اقتصاد را دستخوش تغییر می‌کنند برشمرد.

دکتر عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی در میزگرد اقتصادی با موضوع سوسیالیسم بازار و سوداگری در ایران به میزبانی دانشگاه صنعتی شریف با حضور حسین راغفر و سعید لیلاز، ۴ گزاره اصلی را محور صحبت‌های خود دانست و گفت: گزاره نخست این است که اساسا جریان مدرنیته و نوگرایی در ایران با گرایش چپ وارد ایران شد و با گذشت ۱۰۰ سال از مشروطه، هنوز هم سایه اندیشه چپ را در تمام فرآیندهای روشنفکری، دولت مدرن، فرآیند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی می‌توان دید.

وزیر راه و شهرسازی در بیان سایر گزاره‌های اصلی محور سخنرانی خود گفت: گزاره دوم این است که آیا اساسا چیزی به مفهوم بازار آزاد در ایران وجود دارد؟ یا نظام، نظام بازار سوداگری (مرکانتیلیستی)

وصل کند و این بحث تا انقلاب ادامه داشت. وی گفت: اصلی ترین آموزه سوسیالیسم مالکیت ابزار تولید بود و اینکه ابزار تولید در اختیار کیست؟ اصل ۴۴ قانون اساسی می‌گوید که تمام ابزار تولید در اختیار دولت است و ما این روند را در اساسنامه حزب کارگر در اروپا از سال های ۱۹۱۸ تا ۲۰۱۳ نیز شاهد بودیم.

وزیر راه و شهرسازی با بیان اینکه سه علامت برای او مهم هستند در تشریح آنها گفت: مالکیت ابزار تولید، نبود سیستم ضد انحصار و ضد رقابت را قبل و پس از انقلاب شاهد بودیم. قانون ضد انحصار هیچگاه در ایران شکل نگرفت اما سیستم قیمت گذاری شکل گرفت و جریان دولتی شدن گسترش بیشتری پیدا کرد. در ادامه ما همچنان فاقد نظام ضد انحصار و نظام کنترل رقابت بودیم تا به مفهوم و سیاست های ابلاغی اصل ۴۴ که تحول بزرگی را گشایش اقتصادی ایران مطرح می‌کرد، رسیدیم. آخوندی ادامه داد: بر اساس سیاست های ابلاغی اصل ۴۴، به تمامی عناوین بخش خصوصی اجازه ورود به اقتصاد و بهره‌مندی از آن داده شد که تحول بزرگی به شمار می‌آید. اما مهم این است که تله سیاست را در این اصل پیدا کنیم و این آن چیزی است که رخ داد. بدین معنا و بر اساس آمار، خصوصی سازی در ایران به معنای واقعی خصوصی سازی نبود بلکه تغییر واگذاری ها به دیگر نهادهای دولتی و عمومی، خصوصی سازی تلقی شد و اصل ۴۴ در تله سیاست افتاد.

آخوندی گفت: تله سیاست بعدی در خصوصی سازی این بود که اگرچه قرار بود با خصوصی سازی منطق تخصیص بهینه بازار حاکم شود اما آن منطق اجرا نشد. بدین معنا که نه قانون خود انحصاری ایجاد شد و نه سیستم رقابتی و نه تجاری سازی خدمات و نه نظام قیمت گذاری جمع شد. به همین دلیل، وقتی در این سیاست نه سیستم رقابت، نه قانون ضد انحصار و نه سیستم رفع قیمت‌گذاری را داریم اتفاقی که رخ می‌دهد این است که مثلاً راه‌آهن تحت اختیار وزارت راه و شهرسازی به یک ارگان دولتی دیگر محول می‌شود. در حالیکه هدف از خصوصی سازی به واقع این نبود.

وزیر راه و شهرسازی در بیان سایر تله های سیاسی یادآور شد: تله سیاست بعدی که مطلب مهمی در اقتصاد سیاسی است این است که پس از این اتفاقات این گمان پیش می‌آید که مقررات ایراد دارد و به همین دلیل نیز امتیاز بیشتری به کسی که هیچکدام از قواعد رقابت را رعایت نمی‌کند می‌دهیم.

وی ادامه داد: تله سیاست دیگر به امکان

صرفه‌جویی در مصرف انرژی مربوط است. بارها راجع به قیمت حامل انرژی بحث شد و اینکه تا آزاد نشود امکان صرفه‌جویی انرژی وجود نخواهد داشت. کل داستان بهینه‌سازی مصرف انرژی چه سرنوشتی در ایران پیدا کرد؟ نخست اینکه گفته شد به هیچ وجه افزایش قیمت نداریم و ۱۰ درصد رشد را نیز نخواهیم داشت. در یک لحظه ایست کرد و تمام مناقش یارانه‌هایی شد که توزیع شدند. یعنی هر مرتبه کل داستان هدفمندی یارانه‌ها و اصلاح قیمت ابزار توزیع یارانه برای یک هدف کاملاً سیاسی شد.

وزیر راه و شهرسازی در جمع بندی صحبت ها خود گفت: اگر به مفاهیم سوسیالیسم، بازار آزاد، مرکانتالیسم (سوداگری) دقت نکنیم در اصلاحات بعدی بار دیگر در تله سیاست می‌افتیم. در جریان تله سیاست مفهوم چپ در ایران قلب ماهیت پیدا کرد. بدین معنا، اندیشه چپ هیچگاه در ایران منجر به دولت رفاه نشد. کسی نیست که ادعا کند سیستم جامع رفاه داریم. به رغم آنکه به شکل گسترده‌ای هزینه های رفاهی در بخش های مختلف داریم.

حسین راغفر عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء:

تجربه ایران یکی از بهترین تجربه‌هاست که نشان می‌دهد چگونه به نام بازار آزاد مردم چپاول شدند.

دکتر آخوندی:

بر اساس سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴، به تمامی عناوین بخش خصوصی اجازه ورود به اقتصاد و بهره‌مندی از آن داده شد که تحول بزرگی به شمار می‌آید. اما مهم این است که تله سیاست را در این اصل پیدا کنیم و این آن چیزی است که رخ داد. بدین معنا و بر اساس آمار، خصوصی سازی در ایران به معنای واقعی خصوصی سازی نبود بلکه تغییر واگذاری ها به دیگر نهادهای دولتی و عمومی، خصوصی سازی تلقی شد و اصل ۴۴ در تله سیاست افتاد.



آنچه که آقای وزیر به نام سوسیالیسم از آن صحبت کردند در واقع "سرمایه داری رفاقتی" است.

ما هنوز در ایران دولت نداریم، کارکرد دولت جمع آوری مالیات و توزیع آن به صورت خدمات عمومی است که ما در ایران نداریم. ما یک دستگاه بزرگ بروکراتیک داریم که توزیع منزلت می‌کند.

ما بدون اصلاحات ساختاری امکان اصلاحات دیگر را نداریم، بنابراین تمام این سیاست‌های ابلاغی مثل اصل ۴۴ و اقتصاد مقاومتی و... تنها به در شرایطی می‌توانند تحقق پیدا کنند و در غیر این صورت تبدیل به صرفاً کاغذ و سمینار می‌شوند.

تا زمانی که فعالیت‌های نامولد مثل خرید و فروش پول، زمین و امثال اینها که همان سوداگری است پاداش می‌گیرند توسعه صنعتی شکل نمی‌گیرد.

سهم مالیات املاک ایران از همه دنیا کمتر است. حدود یک سال پیش لایحه عواید حاصل از مالیات بر سرمایه در مجلس رد می‌شود، چرا؟ برای اینکه این هشتصد هزار مسکن خالی که در ایران وجود دارد اموال همین تصمیم‌گیران است.

سعید لیلانز تحلیلگر کارشناس اقتصادی:

بررسی رفتار رهبران دولت‌های ایران در تاریخ معاصر نشان می‌دهد آن‌ها هرگاه قیمت نفت در بازارهای جهانی افزایش یافته و درآمد دولتشان افزایش یافته است، دریافت مالیات از مردم را رها کرده‌اند، واردات برای رفاه را افزایش داده و با پول حاصل از درآمد نفت محبوبیت خریده‌اند. از این منظر دولت امیرعباس هویدا در اوایل دهه ۱۳۵۰ با رفتار دولت محمود احمدی‌نژاد در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ تفاوتی نیست و آن‌ها عین هم عمل کرده‌اند.

اقتصاد ایران برای رسیدن به توسعه و عبور از بحران‌ها راهی جز آزادسازی اقتصاد ایران ندارد و این مساله‌ای نیست که بتوان آن را نادیده گرفت.

ما سرمایه‌دار بد یا سرمایه‌دار خوب نداریم و در هر جایی و در هر بخشی از تاریخ، سرمایه‌داران دنبال حداکثر کردن سود هستند.

اگر می‌خواهیم فساد از بین برود باید اقتصاد را آزاد کنیم و در غیر اینصورت همیشه دنبال فاسدها می‌گردیم تا آن‌ها را محاکمه کنیم. در انتها دکتر مدنی‌زاده با ارائه فیلمی از وضعیت هند و ژاپن که از یک حالت تقریباً مشابه شروع کردند ولی به نتایج مختلف رسیدند، به جمع‌بندی موضوع پرداخته و بیان کردند که وظیفه‌ی دولت فراهم کردن زمین بازی برای بازیکنان اقتصادی است و خود نباید به بازی دست بزند.



۳۰ ویژگی

افراد توانا

دکتر محمود سریع‌القلم، استاد دانشگاه در وب‌سایت شخصی خود، سی ویژگی افراد توانا را منتشر کرده است:

- ۱- وقت ندارند علیه کسی کاری انجام دهند
- ۲- وقت ندارند پشت سر دیگران صحبت کنند
- ۳- وقت ندارند در وقایع گذشته، متوقف شوند
- ۴- وقت ندارند که دروغ بگویند
- ۵- بسیار انتخاب می‌کنند چون ذهن اولویت‌بندی شده دارند
- ۶- تفاوت‌های انسان‌ها را می‌ستایند
- ۷- به دنبال این نیستند کسی را مانند خود کنند
- ۸- حجم و کیفیت غذای خود را با دقت زیر نظر دارند
- ۹- بد بودن بعضی انسان‌ها را، عادی می‌دانند
- ۱۰- با دو زبان مهم، آشنایی ندارند بلکه بر آنها مسلط هستند
- ۱۱- در فهم رفتار انسان‌ها، اول منافع آنها را می‌شکافند
- ۱۲- کارآمدی را بر مساوات ترجیح می‌دهند زیرا که مساوات خود نتیجه کارآمدی است
- ۱۳- کارآمدی را نتیجه رقابت می‌دانند
- ۱۴- راستگو هستند چون منافع درازمدت دارند
- ۱۵- حتی در استفاده از حروف اضافه دقت می‌کنند تا اعتماد دیگران را حفظ کنند
- ۱۶- از افراد توانا، با مهارت و باهوش، هراسی ندارند
- ۱۷- دائما در حال گسترش شعاع شبکه‌های ارتباطی خود هستند
- ۱۸- بعد از ۶ ماه که آنها را می‌بینید، بهتر

پاگرد در راه‌پله‌ها، زمینه‌ساز فراغتی کوتاه برای انسان از فشار ناشی از بالا رفتن از پله‌ها است و این پاگرد در مجله.....

کمیسیون انتشارات

پاگرد

- شدن آنها را متوجه می‌شوید
- ۱۹- اطرافشان، مملو از افراد تواناست
 - ۲۰- میلی متری مراقب سخنانشان هستند
 - ۲۱- مبنای توانایی‌هایشان، قدرت نرم است
 - ۲۲- یک تا صد هر مسئله‌ای را، دقیق طراحی و مانیتور می‌کنند
 - ۲۳- به ندرت از کسی، درخواستی داشته باشند
 - ۲۴- اگر لازم باشد، ظرفیت تنها ماندن را دارند
 - ۲۵- آن قدر تلاش می‌کنند که در خواب هم اغلب، مسئله حل می‌کنند
 - ۲۶- با هر فردی، دوست نمی‌شوند
 - ۲۷- وقتی با فردی آشنا می‌شوند می‌پرسند: چه کتابی این روزها می‌خوانید؟
 - ۲۸- سلول‌های مغزشان، فرصت استراحت ندارند
 - ۲۹- شناخت عمیقی از طبع بشر دارند
 - ۳۰- سؤالاتشان از پاسخ‌هایشان به مراتب مهم‌تر است.



همه
کره زول گنجا و از سپهر یاد مکن
که فکر هیچ مهندس خنن گره گنجا

قلوه ۹۵



پیام‌آبادگران
تیر ۱۳۹۵
شماره ۳۴۴

۳۰ ویژگی

افراد ضعیف

دکتر محمود سریع القلم استاد دانشگاه شهید بهشتی در رشته علوم سیاسی به تازگی و در ادامه نوشته‌های خود، متن جدیدی را درباره ویژگی‌های افراد ضعیف منتشر کرده که به نقل از سایت «عصر ایران» در پی می‌آید.

- ۱- به ندرت سؤال می‌کنند.
- ۲- تفاوت میان تدبیر و حيله را نمی‌دانند.
- ۳- قابل پیش‌بینی نیستند.
- ۴- به ندرت فرد توانمندی اطرافشان پیدا می‌شود.
- ۵- نهایت تلاش خود را می‌کنند تا نگویند: اشتباه کردم.
- ۶- خیلی سریع می‌خواهند به پول برسند.
- ۷- خیلی اصرار دارند آدم‌های خوبی هستند.
- ۸- تصور می‌کنند سر همه را کلاه گذاشته‌اند.
- ۹- دائماً روش و فکر و حلقه تغییر می‌دهند.
- ۱۰- شخصیت داشتن و ثبات شخصیتی برای منافع آنها آفت است.
- ۱۱- به ندرت به پی‌آمدهای کارهای خود اهمیت می‌دهند.
- ۱۲- با ارادت، چاپلوسی و وارونه جلوه دادن مسائل رشد می‌کنند.
- ۱۳- چون برای کسب پول و مقام عجله دارند، بسیار تزویر می‌کنند.
- ۱۴- بیهوده می‌خندند.
- ۱۵- برای ارائه تصویر مثبت از خود، از هر حيله‌ای استفاده می‌کنند.
- ۱۶- در رابطه با یک موضوع، به افراد مختلف تفاسیر مختلف می‌گویند.
- ۱۷- بسیار طمع و حسادت دارند.
- ۱۸- حوصله ندارند سی سال زحمت بکشند تا احترام دیگران را به دست آورند.



- ۱۹- مجهز به صفت چاپلوسی‌اند.
- ۲۰- بسیار وقت می‌گذارند تا سر از کار دیگران درآورند.
- ۲۱- حداقل نصف آنچه که می‌گویند صحت ندارد.
- ۲۲- اعتماد به نفس مبتنی بر جهل دارند.
- ۲۳- افرادی بسیار کوتاه‌مدت هستند.
- ۲۴- چون با حيله‌گری کار خود را پیش می‌برند، بسیار فراموش کارند.
- ۲۵- زبانشان بسیار تلخ است.
- ۲۶- اهل هیاهو هستند.
- ۲۷- برای رسیدن به پول با هراهریمنی کار می‌کنند.
- ۲۸- تقریباً به جز پول و مقام، هیچ اصل دیگری برای آنها مهم نیست.
- ۲۹- نتیجه (۱): اتومبیل بنز آنقدر با کیفیت است که نیازی به دروغ و تبلیغ و وارونه سازی برای فروش ندارد.
- ۳۰- نتیجه (۲): توانایی‌ها و خلاقیت‌های افراد با شخصیت آنقدر فراوان است که نیازی به بازی و تزویر و جعل ندارند.



انداخته و خاتمه هدف را با ریسک مواجه سازد. به همین ترتیب سرامیک خاصی که در کف یا دیوار باید نصب شود و می‌تواند منشأ خرید خارجی داشته باشد. به خصوص زمانی که میزان خرید زیاد باشد. یک نکته مهم در پروژه‌های ما محدودیت منابع مالی است که در این مقاله به آن نیز پرداخته شده است. محدودیت منابع مالی در مسیر بحرانی باید مورد امعان نظر قرار گیرد. در حقیقت وقتی منابع تشکیل دهنده یک فعالیت هستند، چگونه می‌توان محاسبات را بدون توجه به آنها و فقط بر اساس رابطه منطقی اجراء محاسبه کرد و بر مبنای آن عمل نمود؟

آقای ولادیمیر لیبرزون مقاله حاضر را در سال ۲۰۱۴ نگاشته‌اند و اینک ترجمه آن به مدیران پروژه‌ها تقدیم می‌گردد. امید است این مباحث به این انجامد که مدیران پروژه‌ها به توانائی چنین ابزارهایی پی برده و آنها را به کار گیرند، زیرا تصور می‌شود دیگر عدم استفاده از این ابزارها دیر شده باشد.

مسیر بحرانی منابع

مسیر بحرانی منابع یا:

Resource Critical Path که از این پس به RCP به آن ارجاع می‌شود، اینچنین در مقابله با CPM خود را مطرح می‌سازد: مسیر بحرانی پروژه‌ها در PMBOK اینچنین تعریف شده است: مسیر بحرانی عبارت از رشته فعالیت‌هایی هستند که میزان شناوری (Float/Slack) آنها کمتر از مقدار حدی باشد که معمولاً صفر است. شناوری مقدار فرجه زمانی است که یک فعالیت می‌تواند به تعویق افتاده یا از تاریخ زودترین شروع خود، دچار تأخیر گردد که در تاریخ خاتمه پروژه اثری نداشته باشد. زودترین زمان شروع، زودترین نقطه زمانی ممکن برای شروع یک فعالیت است که بر اساس محاسبات شبکه منطقی پروژه و همچنین هر محدودیت زمانی محاسبه می‌گردد.

اما در RCP، محدودیت‌های برنامه زمانبندی پروژه، می‌توانند



رویکردی به مدیریت برنامه زمانبندی پروژه از طریق: مسیر بحرانی منابع

نوشته: Vladimir Liberzon کارشناس تکنولوژی مدیریت اسپایدر

ترجمه: عبدالمجید قوام

مقدمه مترجم:

آقای ولادیمیر لیبرزون یک کارشناس برنامه‌ریزی پروژه‌ها هستند که با یک نرم‌افزار برنامه‌ریزی پروژه که در کشور روسیه طراحی و نوشته شده است، کار می‌کنند و از اشخاصی هستند که در تهیه این نرم‌افزار همکاری داشته‌اند. ایشان گفته‌های جالبی در خصوص برنامه‌ریزی و مدیریت پروژه‌ها دارند. مطالبی که ایشان مطرح می‌کنند از دیرباز در اجرای پروژه‌ها مشاهده شده بود تا اینکه در دهه ۸۰ میلادی زنجیره بحرانی : Critical Chain عنوان گردید و خود را در مقابل مسیر بحرانی: Critical Path مطرح ساخت. در روش مسیر بحرانی یا CPM ما نظری بر اینکه آیا منابع چگونه در دسترس قرار دارند، نداریم و بر اساس نحوه و میزان دسترسی به منابع برنامه‌ریزی نمی‌کنیم. در این روش، مسیر بحرانی از مسیر رابطه منطقی بین فعالیت‌ها و مدت اجرای آنها

می‌گذرد. اما در روش زنجیره بحرانی مسیر بحرانی از مسیر دسترسی و دستیابی به منابع می‌گذرد. همه در دهه ۷۰ خورشیدی در کشورمان با کمبودهای مطلق که دوران اجرای پروژه‌ها را ماه‌ها و سال‌ها به تعویق می‌انداخت آشنا هستیم. از نبود تخته برای قالب‌بندی تا نبود سیمان و قس‌علی‌هذا. یک زمان میلگرد نبود و زمانی دیگر تیر آهن. اما برنامه‌ریزی با نگرش بر نبود مصالح یا دسترسی به مصالح تهیه نمی‌شد و به همین خاطر اهداف برنامه‌ها در زمان مقرر محقق نمی‌گردید. اکنون قالب‌بندی‌ها فلزی شده و نیاز به تخته مرتفع شده، کارخانه‌های سیمان متعددی احداث شده و کمبودی برای پروژه‌های کوچک و متوسط، چندان مطرح نیست. اما اینها جای خود را به مصالح کمیاب‌تر و کم‌صرف‌تر و مهم‌تری داده است. شیشه نمای ساختمان‌ها می‌تواند یک منبع گلوگاهی باشد که اتمام یک برج را به تعویق

توخالی نمایش داده شده‌اند.



شکل (۱) مسیر بحرانی و شناوری منابع قبل از تسطیح

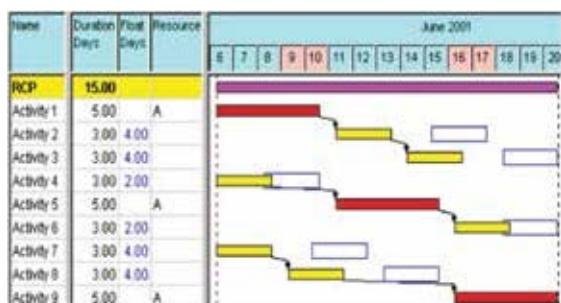
حال اگر زمانبندی با فرض اینکه فقط یک واحد از هر منبع در دسترس قرار خواهد گرفت، محاسبه شود، دو فعالیت اولی فقط می‌توانند به دنبال یکدیگر به انجام رسند و یک شناوری ۵ روزه برای فعالیت سوم ظاهر می‌گردد. (شکل ۲)

شکل (۲) مسیر بحرانی منابع و شناوری منابع بعد از تسطیح منابع RCP می‌تواند فعالیت‌هایی را که به یکدیگر مرتبط یا متصل نیستند، شامل گردد.



شکل (۲)

روش متعارف مسیر بحرانی برای حالت تقویم متفاوت فعالیت‌ها و تاریخ‌های اجباری این عمل را انجام می‌دهد. در حالت محاسبه "مسیر بحرانی منابع"، این محاسبه برای شرایط محدودیت منابع و محدودیت‌های مالی و تدارکاتی نیز انجام می‌شود. شکل (۳) مثالی از یک پروژه با مسیر بحرانی منابع را که شامل فعالیت‌های متعلق به مسیرهای شبکه‌های مختلف هستند، نشان می‌دهد.



شکل (۳) مسیر بحرانی منابع - دربرگیرنده فعالیت‌های مسیرهای شبکه‌های مختلف

شناوری‌های منابع فعالیت‌ها دارای مزیت بزرگی بر فراز شناوری کل که توسط اغلب نرم‌افزارهای مدیریت پروژه محاسبه می‌گردند، است. این مزیت، امکان‌پذیری آن است. شناوری کل متعارف، دوره را که اجرای یک فعالیت در قالب برنامه زمانبندی جاری در شرایط نامحدود بودن منابع، می‌تواند به تعویق افتد، نشان می‌دهد. اما "شناوری منبع فعالیت" دوره‌ای را که اجرای یک فعالیت در چارچوب مجموعه‌ای از دسترسی به منابع در قالب زمانبندی جاری می‌تواند به تعویق افتد، نشان می‌دهد.

محدودیت‌های منابع، مالی، تدارکاتی، محدودیت‌های تحمیلی زمانی باشند.

مسیر بحرانی در پروژه‌هایی که دارای تاریخ‌های تحمیلی و فعالیت‌ها و منابع با تقویم‌های مختلف هستند، می‌تواند فقط دارای یک فعالیت انتهایی باشد. در چنین مواقعی، مدیریت زمانبندی پروژه، باید به زمان‌های شناوری فعالیت‌ها خیلی توجه نماید. فعالیت‌های با شناوری کمتر، بحرانی‌تر از فعالیت‌های با شناوری بیشتر هستند. با این حساب، شناوری باید بر اساس تمامی محدودیت‌های زمانبندی، به ترتیبی که منطق شبکه به حساب در می‌آورد، محاسبه شود.

اغلب پکیج‌های نرم‌افزاری برنامه‌ریزی و مدیریت پروژه، هیچگاه شناوری فعالیت‌ها را درست حساب نمی‌کنند، زیرا آنها محدودیت‌های منابع را در حین محاسبه پس رو (Backward Pass) مورد رسیدگی قرار نمی‌دهند و به آن توجهی ندارند.

شناوری کل (Total Float) که توسط این پکیج‌ها محاسبه می‌شود، فقط زمان ذخیره برای کارهای اجرائی را محاسبه کرده و نشان می‌دهد، و دستیابی به منابع به طور کامل فراموش می‌گردد. چنین زمان ذخیره‌ای در عمل قابل استفاده نخواهد گردید. این زمان‌های شناوری در حقیقت شناوری واقعی فعالیت‌ها نیستند که در PMBOK به آن پرداخته می‌شود.

مسیر بحرانی باید تمامی محدودیت‌های کار را مورد رسیدگی قرار دهد. این محدودیت‌ها دربرگیرنده محدودیت‌های منابع و مالی هستند. ما این را مسیر بحرانی منابع (RCP) می‌خوانیم. در اینجا بین RCP و CPM تفاوت آشکار می‌گردد. محاسبه RCP شبیه به محاسبه روش متعارف مسیر بحرانی است به جز آنکه هر دو زمان‌های زود و دیر (شروع و خاتمه) از طریق مسیر پیش رو و پس رو

(Forward / Backward) "تسطیح منابع" (مواد و مصالح و مالی) به دست می‌آیند. شناوری فعالیت‌ها که بدین ترتیب محاسبه می‌شود، تحت عنوان "شناوری منابع" نامیده می‌شود. البته این منابع می‌توانند نیروی انسانی نیز باشند.

تعریف RCP دقیقاً شبیه تعریفی است که در زنجیره بحرانی (Critical Chain) می‌شود. در واقع اگر محدودیت‌های منابع مالی و تدارکات را به زنجیره بحرانی بیافزاییم به RCP می‌رسیم. RCP هم اینک در روسیه و در جهان ۱۰ سال است که تجربه شده است و نظیر آنچه که در زنجیره بحرانی پدید آمده است به موفقیت‌های شایانی دست یافته است.

مشخصات و خصوصیات RCP

به وسیله مثالی که در زیر می‌آید، پروژه ساده‌ای با ۳ فعالیت را در نظر می‌گیریم. دو فعالیت دارای مدت برنامه‌ریزی شده ۱۰ روز هستند و فعالیت سوم ۱۵ روز. دو فعالیت اول به منبع A نیاز دارند تا به انجام رسند، و فعالیت سوم منبع B را نیاز دارد. اگر این ۳ فعالیت غیروابسته به یکدیگر یا مستقل باشند، بر اساس حس کلاسیکی که داریم، فعالیت سوم بحرانی می‌گردد. زیرا ۱۵ روز است و ۲ فعالیت دیگر ۱۰ روز، در حالی که هر یک از دو فعالیت اول ۵ روز زمان شناوری دارند. (شکل ۱) زمان‌های دیر (Late Date) در گانت چارت به صورت میله‌های

تکنولوژی برنامه‌ریزی پروژه به روش RCP

هدف مایل استون‌های زمانبندی را محاسبه می‌کند. تاریخ‌های خاتمه پروژه و مایل استون‌های اصلی آن، معمولاً در مفاد قراردادی تعریف شده‌اند و به عنوان تاریخ‌های هدف در زمانبندی هدف به کار برده می‌شوند.

در اینجا گام به گام، دیتیل‌های مربوطه تشریح می‌گردند. این تکنولوژی تنها یک تئوری نیست، بلکه در روسیه سالیان متمادی است که به کار گرفته شده و امکان‌پذیری خود را نشان داده است.

گام اول: برآورد ریسک

تجارب ما در برنامه‌ریزی پروژه‌ها نشان می‌دهد که احتمال موفقیت در انجام و تکمیل یک پروژه در قالب زمانبندی و بودجه پیش‌بینی و مقرر شده خیلی پائین است.

بر اساس تجارب ما، حداکثر احتمال تحقق تاریخ خاتمه و هزینه‌های تعیین و مقرر شده، از ۳۸ درصد بیشتر نمی‌شود. بنابراین تکنولوژی برنامه‌ریزی پروژه باید همواره شبیه‌سازی ریسک‌ها را دربر داشته باشد، تا بتواند نتیجه واقعی را محقق سازد. برنامه‌ریزی پروژه ۳ برآورد را باید انجام دهد: (خوش‌بینانه، خیلی محتمل و بدبینانه).

داده‌های مورد نیاز باید برای محاسبات مربوط به زمانبندی و بودجه فراهم گردند. نسخه‌های برنامه‌های "خیلی واقعی" یا "بدبینانه" می‌توانند مشتمل بر فعالیت‌های اضافه‌تر و هزینه بیشتری باشند و منابع دیگری را به کار برند یا تقویم‌های متفاوتی غیر از برنامه "خوش‌بینانه" داشته باشند.

در این نسخه‌ها، منابع ممکن است، هزینه و بازدهی و بهره‌وری مختلفی داشته باشند. فعالیت‌ها ممکن است، مقادیر حجم کاری و مدت اجرای متفاوتی پیدا کنند. برنامه تأمین منابع مالی و تدارکات نیز می‌تواند متفاوت باشد. تمام داده‌های پروژه مشتمل بر WBS می‌تواند متفاوت باشد. WBS نسخه "خوش‌بینانه" باید زیرمجموعه WBS نسخه‌های "خیلی واقعی یا محتمل" و "بدبینانه" باشد. تمام محدودیت‌های زمانبندی باید هنگامی که می‌خواهیم زمانبندی ۳ حالتی مذکور را تهیه کنیم، مورد رسیدگی قرار گیرند. در این هنگام، زمانبندی، محدوده‌های پروژه را در قالب (مدت و بودجه خوشبینانه و بدبینانه) نشان می‌دهد.

گام دوم: برآورد تولرانس ریسک

سازمان‌ها توسط سطوح مختلف تولرانسی، که در هزینه و مدت اجرای پروژه‌های مختلف دارند، مشخص می‌گردند. برنامه‌ریز، باید احتمالات تاریخ‌های هدف‌گذاری شده، هزینه‌ها و نرخ مصرف مواد و مصالح را در هر مایل استون از پروژه برآورد کند. این امر تاریخ خاتمه پروژه و هر مرکز هزینه‌ای را نیز دربر می‌گیرد. بر مبنای این احتمالات، نرم‌افزار، تاریخ‌های هدف، هزینه‌ها، نیاز به مواد و مصالح را محاسبه می‌کند. این داده‌های هدف، مبانی مذاکرات قراردادی و تصمیم‌گیری‌ها را شکل می‌دهند.

گام سوم: محاسبه "زمانبندی هدف"

"زمانبندی هدف" عبارت از "زمانبندی محدودیت منابع" پروژه به صورت "پس‌رو" است که به صورت خیلی محتمل (خوش‌بینانه) مدت اجرای فعالیت‌ها، نیازمندی‌های مواد و مصالح، هزینه‌ها و تاریخ‌های

گام چهارم: محاسبه "ذخیره موارد غیرمترقبه" برای: زمان، مصالح

و هزینه

پیشنهاد می‌شود که نسخه خوش‌بینانه پروژه جهت تعریف و جایگذاری فعالیت‌ها در محور زمان برای عوامل اجرایی پروژه به کار گرفته شود، در حالی که "ذخیره غیرمترقبه" محاسبه شده باید توسط تیم مدیریت پروژه یا PM جهت مقاصد مدیریتی به کار گرفته شود. بنابراین ما نه تنها تاریخ‌ها و هزینه‌های فعالیت‌ها را به طور خوش‌بینانه، بلکه "ذخایر غیرمترقبه" را نیز محاسبه می‌کنیم - که به صورت اختلاف بین مقدار جاری (معمولاً خوش‌بینانه) و نسخه هدف در تاریخ‌های شروع و خاتمه فعالیت‌ها، تقاضای مصالح و هزینه، می‌باشد. مدیر پروژه برآوردهای زیر را که برای حصول کنترل پروژه مؤثر مورد نیازند، به دست می‌آورد:

الف) تاریخ‌های هدف شروع و خاتمه فعالیت‌ها، نیازهای مواد و مصالح و منابع و هزینه در حالت زمانبندی پروژه خوش‌بینانه.

ب) شناوری‌های منابع فعالیت‌ها، به طوری که نشان دهد زمان برای اجرای کدام فعالیت می‌تواند به تعویق افتد بدون آنکه تاریخ خاتمه پروژه در زمانبندی جاری دچار تأخیر نگردد.

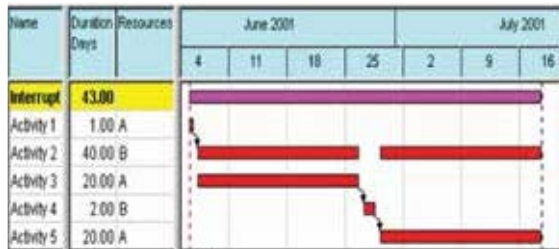
ج) ذخیره غیرمترقبه فعالیت در مقولات: زمان، هزینه و مصالح شکل (۴) اطلاعات آنالیز زمانبندی و ریسک برای یک پروژه نمونه را به عنوان مثال نشان می‌دهد، که عبارت از خرید یک بسته نرم‌افزاری است. ستون‌ها مدت اجرای خوش‌بینانه فعالیت‌ها، زمان‌های ضربه‌گیر (ذخیره غیرمترقبه زمانی) برای تاریخ‌های شروع و خاتمه هر فعالیت، ضربه‌گیر هزینه (ذخیره‌های غیرمترقبه هزینه) و شناوری‌های منابع را نشان می‌دهند. زمانبندی پروژه به صورت میله سبز در گانت چارت نمایش داده شده است.



شکل (۴) نتایج آنالیز ریسک در یک پروژه نمونه

علاوه بر اینها، ذخیره‌های دیگری برای مدیریت، نظیر ضربه‌گیرهای

زنجیره بحرانی در توافق قرار می‌گیرد. اما نمی‌توان با پیشنهاد اجتناب از گسیختگی و تجزیه فعالیت‌ها موافق بود. مثالی که در ادامه آمده است، (شکل ۵) زمانبندی پروژه نمونه را در حالتی که اجرای فعالیت ۲ از هم گسیخته شده تا استفاده بهتری از منابع پروژه به عمل آید، نشان می‌دهد.



شکل (۵) پروژه نمونه با اجرای فعالیت گسیخته شده.

انتخاب دیگری نیز میسر است: به تأخیراندازی فعالیت (۴) و اجتناب از تفکیک فعالیت ۲ که می‌تواند مدت پروژه را ۲۲ روز افزایش دهد. این کار که در بالا نشان داده شده، به شدت بهترین راه حل است. ملاحظه فرمائید که فعالیت (۲) و فعالیت (۴) هر دو به واسطه منبع (B) به اجرا در می‌آیند. وقتی منبع (B) محدود است، یا باید در فعالیت ۲ مصرف شود یا در فعالیت ۴. فعالیت‌های ۳ و ۵ با منبع (A) به انجام می‌رسند. فعالیت ۵ هنگامی می‌تواند آغاز و انجام شود که فعالیت ۴ به انجام رسیده باشد. فرض کنید میلگرد یا بتن یا انکربولت یا هر چیز دیگر که هر دو فعالیت ۲ و ۴ بدان نیاز دارند. این منبع، نیروی کار را نیز می‌تواند شامل شود. مثلاً راجع آرمان‌ریند و قالب‌بند از این پی و سازه به پی یا سازه‌های دیگر. حال اگر منابع به فقط فعالیت ۲ تخصیص یابد، فعالیت ۴ قابل انجام نیست و لذا فعالیت ۵ باقی می‌ماند تا فعالیت ۴ تمام شود. ما می‌توانیم منابع را برای ۲ روز از فعالیت ۲ مرخص و به فعالیت ۴ اعزام کنیم و تخصیص دهیم. بنابراین فعالیت ۲ گسیخته می‌شود. اما نتیجه این می‌شود که بعد از بازگشت منابع از فعالیت ۴ به فعالیت ۲، فعالیت ۲ مجدداً آغاز و به پیش می‌رود، حال آنکه به موازات آن و همزمان فعالیت ۵ که به منبع (A) وابسته بود به انجام خواهد رسید. در حالیکه اگر چنین سیاست کار اتخاذ نمی‌شد، بعد از اتمام فعالیت ۲ تازه فعالیت ۴ آغاز و فعالیت ۵ که با منبع (A) قابل انجام بود، و این منبع نیز در اختیار بود، بلا تکلیف رها می‌شد، سپس ۲۲ روز بعد و ۲۲ روز دیرتر پروژه خاتمه می‌یافت. این است فایده‌ای که در محاسبات برنامه‌ریزی و کنترل پروژه قرار دارد و به همین سادگی می‌توان پروژه‌ها و کارها را بدون افزایش هزینه و فقط با انجام محاسبات ساده و سیاستگذاری‌های دقیق به موفقیت رسانید.

معمولاً تعداد زیادی فعالیت‌های "زیر بحرانی" در مسیرهای مختلف شبکه وجود دارند، که هرگونه تأخیرات کوتاه در اجرای فعالیت‌های زیر بحرانی مزبور، می‌تواند به تغییر در RCP منجر و رهنمون گردد. این امر با مفروضات "تئوری زنجیره بحرانی" در تناقض می‌افتد، جایی که می‌گوید: زنجیره بحرانی هیچگاه در دوران اجرایی پروژه تغییر پیدا نمی‌کند.

غیرمترقبه محاسباتی، می‌تواند اضافه شود تا موارد دیگری از "پتانسیل‌های وقایع ریسک‌آمیز ناشناخته" نیز تجویز گردند. این اطلاعات باید در مذاکرات قراردادی به کار گرفته شوند. هنگامی که قرارداد امضاء می‌گردد و یا مدت و بودجه پروژه تصویب می‌گردد، تیم مدیریت پروژه می‌تواند احتمال اجرای موفقیت‌آمیز پروژه را محاسبه کنند. "زمانبندی هدف" و "ذخیره‌های غیرمترقبه" در انطباق با "احتمال موفقیت پروژه در چارچوب هدف جدید" باید به هنگام گرد. داده‌های اولیه خوشبینانه، خیلی محتمل و بدبینانه باید در یک "پایگاه اطلاعاتی ویژه پروژه" ذخیره گردند تا فرصت برای به هنگام‌سازی سریع اطلاعات پروژه و تغییر حالت دادن به برنامه از حالت جاری به خوشبینانه، خیلی محتمل و بدبینانه، میسر و فراهم باشد. این پایگاه اطلاعاتی باید به طور منظم به هنگام گردد.

کنترل پروژه

در اینجا به اصول بنیادین متدولوژی RCP در کنترل پروژه پرداخته می‌شود.

(الف) فعالیت‌ها را روز به روز، برنامه‌ریزی کنید در حالیکه برآورد خوشبینانه را به کار می‌گیرید، اما توجه ویژه‌ای به شناوری منابع و ذخیره‌های مدیریت و غیرمترقبه داشته باشید. شناوری‌های منابع، ذخیره‌های زمانی را نشان می‌دهند، که می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند بدون آنکه تاریخ‌های هدف پروژه را در زمانبندی خوشبینانه جاری به تأخیر اندازند. ذخیره‌های غیرمترقبه، زمان‌های اضافی، ذخیره‌های هزینه و مصالح را که می‌تواند به کار گرفته شود، بدون آنکه تاریخ‌های هدف زمانبندی، نیازمندی‌های مصالح و بودجه را مورد تخطی قرار داده و از آن تجاوز نمایند، نشان می‌دهد. ذخیره‌های مدیریت، ذخیره‌های فوق‌العاده‌ای را که برای وقایع ریسک‌آمیز ناشناخته، پیش‌بینی شده است، نشان می‌دهند.

(ب) گزارش‌های عملکردی مشتمل خواهد بود بر: علل تأخیرات در انجام و اتمام فعالیت‌ها و بیشتر شدن هزینه‌ها از مبالغ تعیین شده. اگر این دلایل و علل در لیست پتانسیل‌های وقایع ریسک‌آمیز قرار نداشت، در این شرایط باید پایگاه اطلاعاتی ریسک، به هنگام و اصلاح شود. مدیران پروژه‌ها باید همواره ذخیره‌های مدیریتی در دسترس را کنترل کنند و به طور منظم ذخیره‌های غیرمترقبه را بازبینی و محاسبه مجدد نمایند.

(ج) تیم مدیریت پروژه به طور منظم احتمال تکمیل پروژه در زمان مقرر و بدون تجاوز از بودجه مصوب پروژه را برآورد می‌کند. (این یکی از انتخاب‌های آنالیز ریسک پروژه در نرم‌افزار اسپایدر است) اگر این احتمال خیلی پائین بود، تیم باید اقدامات اصلاحی را به کار گیرد.

(د) تیم مدیریت پروژه به طور منظم برآوردهای پایگاه اطلاعاتی پروژه را در موارد خوشبینانه، خیلی محتمل و بدبینانه به هنگام و اصلاح می‌کند. توصیه می‌شود که برآوردهای خوشبینانه برای بخش‌های اجرایی جهت زمانبندی فعالیت‌ها به کار گرفته شود. با به کارگیری زمانبندی خوشبینانه در کنترل پروژه، ریسک ناکارآمدی و استفاده غیرمؤثر از زمان منبع کاهش می‌یابد. این موردی است که با روش تئوری



شکل (۷) تخصیص شناوری (۲)

تفکر "تخصیص شناوری" برای مدیریت منابع و بیش از آن از نظر اطلاعاتی برای کنترل پروژه خیلی سودمند و پرفایده است. مسیر بحرانی تخصیص داده شده، منابعی را نشان می‌دهد که در دورانی از مراحل اجرائی مختلف دوره عمر پروژه بحرانی می‌گردند.

نتیجه گیری

"مسیر بحرانی منابع" عبارت از "مسیر بحرانی واقعی" است و نظیر آن چیزی است که در PMBOK Guide تعریف شده است.

اگر منابع پروژه نامحدود باشند، در آن هنگام، RCP معادل و مترادف با مسیر بحرانی متعارف و مرسوم می‌گردد. شناوری فعالیت‌ها باید با نگرش و مراعات محدودیت‌های زمانبندی محاسبه شود. شناوری منابع فقط برای کنترل پروژه قابل استفاده می‌گردند، زیرا آن شناوری‌ها هستند که ذخیره زمانی فعالیت واقعی را نشان می‌دهند.

شناوری‌های تخصیصی ابزارهایی هستند که در کنترل پروژه، بسیار قدرتمند، عمل می‌کنند. این شناوری‌ها ذخیره‌های زمانی منابع را نشان می‌دهند که می‌تواند برای مدیریت منابع پروژه به کار گرفته شود.

هنگامی که زنجیره بحرانی به درستی تعریف شده باشد، ممکن است چنین به نظر رسد که مشابه با RCP است. هر دو RCP و زنجیره بحرانی پیشنهاد می‌کنند تا برآورد خوشبینانه مدت زمان اجرای فعالیت‌ها مورد استفاده قرار گیرد و موارد غیرمترقبه و مدیریت ضربه‌گیرها در مرحله کنترل پروژه به کار گرفته شود. رویکرد RCP پیشنهاد می‌کند تا از طریق شبیه‌سازی ریسک‌های پروژه، ذخیره‌های غیرمترقبه محاسبه گردند.

شبیه‌سازی ریسک‌های پروژه این امکان را می‌دهد تا نه تنها موارد عدم اطمینان (غیرقطعی: Uncertainty) از مدت اجرای فعالیت و اطلاعات هزینه، شبیه‌سازی گردند، بلکه تمامی وقایع ریسک‌آمیز محتمل، نیز قابل شبیه‌سازی می‌گردند. زمانبندی‌های خیلی محتمل و بدبینانه ممکن است حاوی فعالیت‌ها و منابعی باشند که زمانبندی خوشبینانه آنها را دربر نداشته است.

این دو تئوری در نتایج خود متغایر و متفاوت هستند. به شرح زیر:

- RCP می‌تواند در دوران اجراء پروژه تغییر کند.
- چند پارگی یا گسیختگی فعالیت برخی اوقات ضروری است.
- منابع بحرانی در مراحل مختلف از دوره عمر پروژه می‌توانند تغییر یابند.

گفتاری در خصوص تشریح مطالب از مترجم و نمونه‌هایی از پروژه‌هایی در کشور

این مباحث نشان داد که در مدیریت پروژه و در سیستم برنامه‌ریزی و کنترل پروژه چه موارد متعددی باید ملحوظ گردد و البته ما باید تفکر کنیم در کجای این کار از مدیریت پروژه قرار داریم. ما چه اعتقاد داشته باشیم یا نداشته باشیم در دنیا سیستم‌های مدیریت پروژه این

تخصیص شناوری‌ها

شناوری فعالیت‌ها کلیه اطلاعات مورد نیاز برای کنترل پروژه را فراهم نمی‌سازند. در پروژه‌هایی که دارای تخصیص منابع پیچیده هستند ممکن است شرایطی حاکم گردد که یک فعالیت دارای شناوری‌های شروع و خاتمه مختلف گردد. شروع فعالیت نمی‌تواند به عهده تعویق افتد، بدون آنکه تاریخ خاتمه پروژه را به تأخیر اندازد، اگرچه خاتمه آن می‌تواند بدون آنکه پی آمد جدی داشته باشد، به تأخیر افتد.

منابع غالباً به طور منفرد به یک فعالیت تخصیص داده می‌شوند. چندین نوع تخصیص مستقل وجود دارد. درکنار این، یک گروه از منابع می‌تواند به یک فعالیت تخصیص داده شوند تا مقدار معینی از کار انجام پذیرد، یا طی یک پیوند زمانی معین، چنین تخصیصی صورت گیرد، در حالیکه سایر گروه منابع، بقیه کارهای فعالیت را به طور مستقل و مجرد، زودتر، همزمان یا دیرتر به انجام می‌رسانند. یک مثال از چنین پروژه‌ای در شکل (۶) آمده است.

فعالیت (۱) باید توسط منبع (A) و (B) به طور مستقل به انجام رسد. منبع (A) برای مدت ۵ روز و منبع (B) برای مدت ۳ روز تخصیص داده می‌شوند. مدت فعالیت ۲ به مقدار ۱۰ روز است و به منبع (B) نیاز دارد تا به انجام رسد. مدت پروژه ۱۳ روز است، بنابراین، شروع فعالیت (۱) می‌تواند ۸ روز به تعویق افتد ولی پایان آن نمی‌تواند به تأخیر افتد بدون آنکه تاریخ خاتمه پروژه را به تأخیر اندازد. در این زمانبندی فعالیت (۲) بحرانی است، اگرچه زودتر از فعالیت غیربحرانی (۱) به اتمام می‌رسد.

تخصیص منابع همچنین می‌تواند توسط میزان شناوری‌اش متمایز گردد. "تخصیص شناوری" می‌تواند بدین صورت تعریف شود: مقدار زمانی که منبع تخصیص یافته می‌تواند به تأخیر افتد، بدون آنکه تاریخ خاتمه پروژه را به تأخیر اندازد. در خصوص تخصیص منابع پیچیده، هنگامی که گروه منابع می‌تواند فعالیت خاصی را مستقل از یکدیگر به اجراء در آورند، منبع تخصیص ممکن است بحرانی و یا بر روی برخی فعالیت‌ها، غیربحرانی باشد.



شکل (۶) تخصیص شناوری (۱)

اگر فرمان اجرائی برای انجام فعالیت‌های پروژه مذکور در شکل (۶) تغییر کند و معکوس شود، فعالیت (۱) بحرانی می‌گردد اگرچه خاتمه آن می‌تواند به تأخیر افتد بدون آنکه تاریخ خاتمه کل پروژه را به تأخیر اندازد. (شکل ۷)

تخصیص منبع (B) بازهم بحرانی باقی می‌ماند. در هر دو زمانبندی میزان شناوری تخصیص منبع (B) صفر است.



مباحث را ردیابی کرده و به کار می‌گیرند.

تاریخ‌های تحمیلی: در اغلب پروژه‌ها در کشور ما و البته به طوری که اینک در دیگر پروژه‌ها در کشورهای مختلف مشاهده می‌شود، کارفرمایان در قراردادهای تاریخ‌های مختلفی را الزام و تحمیل می‌کنند. برای آنکه به اهداف متصوره دست یابیم باید برنامه‌ریزی‌های خاصی را انجام دهیم. روش‌های مرسوم تحت عنوان CPM آن قدرت و توانمندی را ندارند که اهداف ما را محقق سازند که نه فقط در چارچوب زمان بلکه در چارچوب بودجه کار را به انتها برسانیم. ناگزیر هستیم روش‌های نوین‌تری را نظیر RCP به کار بگیریم. روش زنجیره بحرانی نیز کارآئی بهتری از CPM پیدا می‌کند، آنگاه که منابع محدودیت داشته باشند. روش CPM به محدودیت منابع نمی‌پردازد و برنامه را بر اساس زمان فعالیت‌ها محاسبه کرده و شناوری فعالیت‌ها را در خصوص مدت اجرای آنها حساب می‌کند. برای آنکه شناوری منابع را به دست آوریم باید نرم‌افزارهای مخصوص به کار گرفته شوند. CPM فقط مواردی را که محدودیت منابع ندارند پاسخ می‌دهد. با نرم‌افزارهای برنامه‌ریزی متداول البته می‌توانیم تخصیص منابع را انجام دهیم و مدت زمان اتمام کار را به دست آوریم و سپس با تغییراتی در برنامه و مدت اجرای فعالیت‌ها و یا تغییر در برخی ارتباطات درون شبکه، باز به تاریخ خاتمه پروژه، در تاریخ مورد نظر برسیم. اما هیچگاه شناوری منابع را در دست نداریم که بدانیم کی و تا کی می‌توان منبع را در اختیار داشت و این مهلت چقدر می‌تواند افزایش یابد. این روش RCP و نرم‌افزار خاصی است که در این مقاله آقای لیبرزون بدان پرداخته است.

از قبل حتی در کشور ما نیز مدتی را به عنوان پیش‌گیری در انتهای پروژه قرار می‌دادند که اگر به هر دلیلی برخی نیازها محقق نگردید فرصت برای جبران باشد. این همان "بافر یا ضربه‌گیر" است که اینک در سطح جهان متداول شده که برای پروژه و برای برخی فعالیت‌ها "بافر یا ضربه‌گیر" می‌گذارند. در این روش اگر فعالیتی در کل مدت اجرای کل پروژه ۱۰ روز زمان می‌توانست دربر داشته باشد، به عنوان ضربه‌گیر، برای پیشگیری از هرگونه تأخیری که ممکن است در کارها بروز کند، زمان را کمتر منظور کرده و با اعمال احتمال مثلاً ۲۰ درصد که بر اساس آنالیز ریسک به دست می‌آید، به آن ۸ روز زمان می‌دهند. اگر فعالیت تمام شد که به مقصود رسیده‌اند و با فراغ بال پروژه را ادامه می‌دهند و اگر بنا به هر دلیل تأخیری بروز کرد بالاخره طی ۱۰ روز مدت اولیه مورد نظر کار به اتمام رسیده و از تأخیر در کل پروژه جلوگیری می‌شود. در حالی که اگر بر اساس ۱۰ روز اولیه پیش می‌رفتند با بروز ۲ روز تأخیر غیرمترقبه، آن کار طی ۱۲ روز انجام و ۲ روز تأخیر حادث می‌گردد.

ذخائر غیرمترقبه: اینها ذخیره‌سازی‌هایی هستند که مدیر پروژه برای استفاده خودش برای پیش‌بینی و پیشگیری از تصادفات و حوادث غیرمترقبه به کار می‌گیرد. زمان، نیروی کار، مصالح و هزینه‌ها را برای خودش ذخیره می‌کند تا در دوران بروز تصادفات و حوادث غیرمترقبه، دچار مشکل نگردد. برنامه زمانبندی غیرمترقبه را که به صورت بدبینانه است، مدیر پروژه برای خودش به کار می‌گیرد و برنامه فشرده خوشبینانه را به عوامل اجرائی می‌دهد. حال هر حادثه نامطلوبی رخ دهد، شرایط بدتر در زمان‌ها و در منابع، برای عوامل اجرائی پیش‌بینی شده است. شرایط خوشبینانه یعنی کارها بدون مشکل پیش روند.

این برنامه، زمان‌های فشرده‌تر و تراکم کاری بیشتری را در خود دارد. این برنامه بدان صورت تهیه می‌شود که همه چیز به خوبی فراهم است و با سرعت می‌توان کارها را پیش برد. بنابراین کارها فشرده‌تر دیده شده‌اند و چنانچه مشکلی پیش آید تازه به برنامه واقع‌بینانه یا خیلی محتمل و بعد از آن به برنامه بدبینانه می‌رسند که همه محدودیت‌ها و ریسک‌ها در آن ملحوظ شده و تحت بدبینانه‌ترین شرایط و بروز تمامی ریسک‌ها است که به تاریخ قراردادی و بودجه مصوب می‌رسیم.

تخصیص منفرد منابع

چنانچه کلیه منابع به طور صحیح و واقعی به برنامه وارد نشوند، حتی اگر تسطیح منابع به خوبی انجام شود، باز برنامه تهیه شده با واقعیت وفق نخواهد داشت. بتن‌ریزی به همان میزان که به سیمان نیاز دارد به ماسه و شن نیز نیاز دارد. چنانچه در برنامه‌ها فقط سیمان را به فعالیت بتن‌ریزی تخصیص دهیم، ماسه یا شن می‌تواند در مقطعی کمبود داشته و منبع بحرانی گردد. همینطور است پمپ بتن یا تراک میکسر و یا حتی سیلوی سیمان. گروه کامل منابع باید به فعالیت‌ها تخصیص داده شوند. در پروژه‌های مختلف دیده شده که در مقطعی سیمان به عنوان مصالح مهم در پروژه وجود داشته ولی به علت نبود مصالح شن و ماسه، بتن‌ریزی به تعویق افتاده است. وقتی بتن‌ریزی به تعویق می‌افتد، و در مسیر بحرانی، کل پروژه را به تأخیر می‌اندازد، یعنی این منابع هستند که بحرانی بودن فعالیت‌ها را تعیین می‌کنند، نه خود فعالیت‌ها، مگر نه آنکه بنا به تعریف: فعالیت‌ها تلفیق منابع و هزینه هستند؟ گروه منابع باید به فعالیت‌ها تخصیص داده شوند.

نمونه‌ای از یک پروژه به اجراء درآمده در کشور

در یک پروژه نمونه که همه چیز فراهم بود و کارفرما منابع مالی را به صورت قابل قبول تأمین می‌کرد، (از ذکر نام پروژه‌ها به خاطر حفظ امانت اجتناب می‌شود) در یک برهه، شیشه نما عامل اصلی در عدم پیشرفت پروژه گردیده بود و نصب شیشه نما به فعالیت بحرانی تبدیل گردیده بود. حال آنکه در برنامه اولیه با توجه به اینکه شیشه‌ها را یک کارخانه معتبر که قبلاً نیز در پروژه مشابهی برای همین پیمانکار شیشه ساخته و به موقع تحویل داده بود و تصور می‌شد که باز هم به همان ترتیب ۲ سال قبل نیازها را برآورده سازد، این فعالیت‌ها در قالب سایر فعالیت‌ها به ترتیبی ملحوظ شده بودند که آغاز و انجام و خاتمه یابند، و ساخت و نصب شیشه در مسیر بحرانی قرار نداشت. فقط به خاطر برخی خریدهای خارج مربوط به قاب‌ها یا لامل‌های شیشه و ساخت آنها، مجموعه ساخت و نصب شیشه به خاطر برخورد با فعالیت‌های انتهایی پروژه، تبدیل به فعالیت‌های بحرانی شده بودند. اما به واسطه بروز مسائل و مشکلاتی که پروژه‌ها طبیعتاً با آن روبرو هستند (به آن اشاره نمی‌شود) تاریخ عقد قرارداد با پیمانکار فرعی نما به عهده تعویق افتاد، این باعث گردید تا تاریخی را که در برنامه زمانبندی برای نما لحاظ شده بود، که هوا مناسب کار باشد، برهم خورده و این فعالیت‌ها به تابستان و کار در زیر تابش سخت آفتاب رسید که باعث کاهش بازدهی گروه‌های کاری گردید. زیرا در شرایط تابش





شیشه منبع بحرانی بدون شناوری برنامه ریزی
بر اساس منبع شیشه با روش RCP

انتقال از پائین با دستگاه مخصوص حمل شیشه به سمت کلایمر



گرفتن شیشه از دستگاه انتقالی و جایگذاری در قاب

چگونه می‌تواند تمامی انرژی پروژه را به خود جذب کند و همه نظرها را معطوف خود سازد زیرا این منابع هستند که پروژه را تشکیل می‌دهند. در طول این کارها، سیستم به ترتیبی فعال گردید که این پروژه در میان تمامی پروژه‌های ساخت کارخانه شیشه و شرکت پیمانکار نصاب نما که هردو از شرکت‌های بزرگ هستند، سریع‌ترین پروژه ساخت شیشه و نصب نما گردید. شایان ذکر است کنترل کیفیت نیز همواره مرغوبیت انجام کارها را کنترل می‌کرد.

مستقیم آفتاب بازدهی افت پیدا می‌کند و محاسباتی که برای نصب شیشه شده بود، دیگر کارائی نداشت. از طرف دیگر شیشه‌های طراحی شده به ترتیبی بود که صدها نوع از شیشه باید در ابعاد و اندازه‌های مختلف و با اشکال متفاوت و طرح‌های ویژه بر روی شیشه، ساخته و به کارگاه حمل گردیده و در محلی انبار شده و به طبقات منتقل و نصب می‌گردید. وزن شیشه‌ها با توجه به ابعاد آنها متجاوز از یکصد کیلوگرم بود که حمل آنها و جابجائی و انتقال و نصب در قاب مربوطه را با مشکل مواجه می‌ساخت. بعد از آنکه مشاهده گردید سیستم CPM یعنی کنترل فعالیت، کارائی ندارد و باید منبع (یعنی شیشه) کنترل شود، برنامه ریزی جدید بر اساس زنجیره بحرانی و سپس RCP به کار گرفته شد و "منبع" به عنوان عامل اصلی در تعیین مسیر بحرانی مورد شناسائی قرار گرفت. زمان‌های شناوری بر اساس شناوری منبع محاسبه گردید. برای تمامی تیپ‌های شیشه‌ها برنامه زمانبندی تهیه شد. هر تیپ در کدام طبقه و در کدام جبهه (شمال - جنوب - غرب - شرق - منطقه دارای شکستگی تقاطع جنوب و غرب) هر ناحیه برای خود دارای برنامه زمانبندی بر مبنای منبع شیشه گردید. برنامه منبع شیشه، توسط دو اکیپ مجزای نصاب به اجراء درآمده و تحت کنترل واقع گردید. مسیر ساخت شیشه در کارخانه سازنده تحت کنترل واقع گردید و سیر ساخت در کارخانه تا رسیدن به سایت و سپس در محل انبار مورد کنترل قرار گرفت و گزارش‌های روزانه تهیه و ارائه شد. گزارش‌هایی مبنی بر تأخیرات و کارکردها. سیستم WIP نیز (یعنی کار و مصالح در طول فرایند)، وارد عمل گردید. سپس مشاهده شد که روند انتقال به طبقه و بیرون دادن شیشه و نصب در قاب مربوطه زمانبر بوده و با "اهداف زمانی الزامی و تحمیلی" پروژه همخوانی و انطباق ندارد. بدین خاطر طرق مختلف انتقال به ارتفاع مورد ارزیابی قرار گرفت و در نهایت با استفاده از تجهیزات ویژه حمل شیشه که به صورت روباتیک شیشه را از روی زمین برداشته و به ارتفاع حمل می‌کرد، سرعت انتقال قطعات سنگین شیشه که بیش از یکصد کیلو وزن داشتند، افزایش یافت و بدین ترتیب کار به سرعت خاتمه یافت. همه هفته جلسات کارگاهی با شرکت پیمانکار فرعی نصاب نما برگزار و مسائل بررسی و مورد تحلیل واقع می‌گردید تا نمای پروژه زودتر خاتمه یابد. در اینجا برنامه خوشبینانه تهیه و به عوامل اجرایی دیکته می‌شد. ضمن ابراز این نکته، که کارهای داخلی ساختمان در مقطعی بدانجا می‌رسد که نمای بیرونی باید خاتمه یابد تا برخی کارهای داخلی قابل انجام و اتمام باشند که می‌توان به سقف‌های کاذب در این راستا اشاره کرد که منبع سقف کاذب خود همواره یک منبع بحرانی در پروژه‌ها قرار می‌گیرد.

در تمامی این دوران و این مراحل کارسنجی و زمان‌سنجی بر روی کار صورت می‌گرفت و بازدهی گروه‌های کاری نصاب شیشه با ارزیابی‌هایی که انجام می‌گرفت و تغییراتی که در روند اجرای کار داده می‌شد به نحو چشمگیری ارتقاء پیدا کرد. اکیپ‌های نصاب شیشه نتایج زمانسنجی‌هایی را که توسط کنترل پروژه به دست می‌آمد سؤال کرده و از آن برای بالا بردن سرعت کاری خود استفاده می‌کردند. در این فعالیت یگانه نصب شیشه نما، به خوبی عیان گردید که یک فعالیت واحد

مناسب نقش بسیار مهمی را در طولانی شدن پروژه‌ها ایفا می‌کند و هر چند توجه به ساخت داخل ممکن است در ابتدای امر به پائین آمدن کیفیت تجهیزات ساخته شده و طولانی شدن زمان اجرای پروژه‌ها بیانجامد؛ اما "فقدان بینش صحیح و علمی مدیریت پروژه" را می‌توان به عنوان علت‌العلل و منشاء عمده مشکلات و معضلات پروژه‌ها در کشور به شمار آورد.

پروژه‌های کشور عموماً به همان روش سنتی و برنامه‌ریزی نشده اداره شده و فقدان دید سیستماتیک در ارتباط با به کار بستن مجموعه تکنیک‌های مدیریت پروژه؛ سبب شده؛ همه ساله مدیران ارشد اجرایی کشور؛ میلیاردها دلار خسارت به منافع ملی وارد سازند.

اگر مدیریت پروژه را به‌کارگیری دانش؛ مهارت‌ها؛ ابزار و تکنیک‌های لازم در اجرای فعالیت‌ها به منظور رفع نیازها و تأمین انتظارات متولیان پروژه‌ها بدانیم، استقرار یک نظام هدف‌مند در خصوص مدیریت پروژه‌ها؛ قادر است دانش لازم جهت هدایت و مدیریت آنها را در صنعت مربوطه ایجاد نموده؛ علاوه بر برنامه‌ریزی و هدایت کارها؛ میزان نزدیکی عملیات به اهداف سازمانی را مشخص تر و سهل‌الوصول تر نماید.

نگارنده در پرتو نزدیک به دو دهه فعالیت در حوزه مدیریت پروژه بنا دارد تا یادداشت‌های کوتاه در این نشریه وزین را به نحوی ساده و آسان اصلی‌ترین مفاهیم مدیریت پروژه را با مخاطبان مرور نماید. عزیزان علاقمند در صورت نیاز به مطالب تکمیلی تر و گسترده‌تر می‌توانند تفصیل مطالب را در سایت مؤسسه مدیریت پروژه آریانا دنبال نمایند.

معرفی نویسنده مجید فراهانی

- دبیر کمیته صنعت کنفرانس بین‌المللی مدیریت پروژه، سرپرست و کارشناس ارشد برنامه‌ریزی و کنترل پروژه‌های ملی پارس جنوبی
- عضو مؤسس، شورایی و هیأت‌مدیره انجمن مدیریت پروژه ایران
- دارنده گواهینامه مدیریت پروژه حرفه‌ای PMP از موسسه PMI آمریکا و گواهینامه مدیریت پروژه PRINCE II از OGC انگلستان
- سرارزیاب جایزه ملی مدیریت پروژه ایران و جایزه ملی مشاوره مدیریت ایران

FARAHANI@ARYANAPM.COM



چرا مدیریت پروژه؟!

مجید فراهانی - مدیرعامل موسسه مدیریت پروژه آریانا

عنوان نمونه، محاسبات نشان می‌دهد فقط در پروژه کلان فازهای ۶، ۷ و ۸ پارس جنوبی، به‌ازای هر روز تأخیر در بهره‌برداری از این پروژه، کشور زبانی (عدم‌النتفع) معادل روزانه بیست میلیون دلار متحمل خواهد شد و این در حالی است که با فراگیری و به‌کارگیری تکنیک‌ها و روش‌های مدیریت پروژه در پروژه‌ها اگر پروژه‌ای بزرگ، چند ماه زودتر به بهره‌برداری برسد می‌تواند اثری تعیین‌کننده در اقتصاد کشور داشته باشد. به عنوان نمونه پروژه فرودگاه امام خمینی (ره) را با فرودگاه امارات مقایسه کنید.

امروزه در دنیا، اجرا، اداره و بهره‌برداری از پروژه‌ها جز با فراگیری و به کار بستن تکنیک‌های "مدیریت پروژه" امکان‌پذیر نبوده و وضع موجود نشان می‌دهد، اتکا به شیوه مدیریت سنتی جهت انجام بهینه طرح‌ها کفایت نمی‌کند. طولانی شدن بسیار زیاد زمان اجرای پروژه‌ها؛ ضعف مشهود کیفی پروژه‌های اجرا شده؛ هزینه تمام شده بسیار بالای پروژه‌ها نسبت به برآوردهای اولیه؛ فقدان استراتژی اجرای قوی جهت انجام پروژه‌ها؛ ضعف آموزش در جهت بهره‌برداری از پروژه‌های اجرا شده و... را می‌توان به عنوان بخشی از زنجیره مشکلات مهم پروژه‌های کشور ارزیابی نمود. اگرچه عدم تخصیص اعتبارات در زمان

دانش مدیریت پروژه نیاز فوری و حیاتی کشور ماست. با اندک توجهی به تعداد و حجم سرمایه‌گذاری در طرح‌های جاری کشور و آن دسته از پروژه‌ها که قرار است در طی این دهه به‌ویژه در حوزه پروژه‌های زیربنایی به اجرا درآیند، به اولویت و اهمیت این موضوع استراتژیک در ایران پی می‌بریم. اما متأسفانه پرداختن به دانش و مهارت مدیریت علمی پروژه‌ها در کشور به هیچ عنوان متناسب با این هدف استراتژیک نیست. شکست؛ تأخیرات زیاد و ناتمام ماندن پروژه‌های زیربنایی از مهمترین ثمرات نهادینه نشدن اصول مدیریت علمی پروژه در طرح‌های کشور است. مطابق آمار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی؛ در کشورمان قریب ۱۰ هزار پروژه نیمه‌کاره ملی و بیش از ۴۰ هزار پروژه ناتمام شهری وجود دارد که سالانه میلیاردها تومان خسارت‌های زمانی؛ هزینه‌ای و کیفیتی ناشی از عدم مدیریت علمی این پروژه‌ها را بر روی دست مردم به جا می‌گذارد. براساس همین آمار، متوسط زمان اتمام پروژه‌های ملی در کشور نزدیک به ۲،۲۲ برابر زمان برنامه‌ریزی شده پروژه‌ها بوده است! یعنی یک پروژه چهارساله به طور متوسط دست کم ۸ ساله به اتمام رسیده است! این آمار نشان‌دهنده خسارت فوق‌تصوری است که به کشور از منظر عدم مدیریت علمی پروژه‌ها وارد می‌شود. به

اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری، آیین نامه اجرایی ماده (۱۰۷) اصلاحی قانون مالیات های مستقیم را که به تصویب هیات وزیران رسیده است، برای اجرا به وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت نفت ابلاغ کرد. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت، متن این آیین نامه به شرح زیر است:

آیین نامه اجرایی ماده (۱۰۷) اصلاحی قانون مالیات های مستقیم

ماده ۱ - در این آیین نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می روند:

الف- درآمدها در ایران: درآمدهای اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی مقیم خارج از ایران که بابت فعالیت در ایران تحصیل می شود.

ب- درآمدهای از ایران: درآمدهای اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی مقیم خارج از ایران که بدون انجام فعالیت در ایران از ایران تحصیل می شود.

پ- اشخاص خارجی مقیم خارج از ایران: اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی که مقیم خارج از ایران می باشند.

ت- سایر حقوق: حقوقی که اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی مقیم خارج از ایران، اختیار استفاده از آن را واگذار می کنند و حق مذکور در ایران مورد استفاده و بهره برداری قرار می گیرد، از قبیل حق استفاده و بهره برداری از اموال و دارایی ها، حق توقف بازگنج (کانتینر)، حق ثبت، حق اختراع و اسناد علمی.

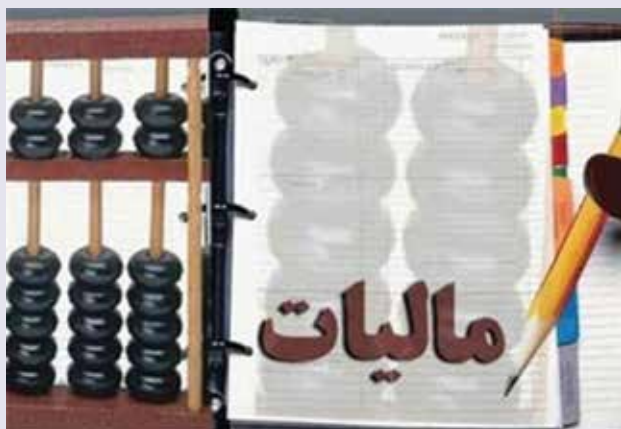
ث- قانون: قانون مالیات های مستقیم و اصلاحیه های بعدی آن.

ماده ۲- ضرایب تشخیص درآمد مشمول مالیات اشخاص خارجی مقیم خارج از ایران بابت درآمد حاصل از فعالیت در ایران، به شرح زیر تعیین می شود:

۱- الف- فعالیت های پیمانکاری و خدمات فنی در ایران نسبت به عملیات هر نوع امور راه و کار ساختمانی، توسعه، بهره برداری، نظارت، تهیه طرح ساختمان ها و تأسیسات، نقشه برداری، نقشه کشی و محاسبات فنی. درآمد مشمول مالیات بابت ناخالص وجوه دریافتی ۲۰ درصد

۱- ب- پیمانکاری و خدمات فنی، اکتشاف، توسعه و بهره برداری در حوزه های هیدروکربوری بالادستی. درآمد مشمول مالیات بابت ناخالص وجوه دریافتی ۱۵ درصد

۱- پ- درآمد حاصل از قراردادهای پیمانکاری



ابلاغ آیین نامه اجرایی ماده ۱۰۷ اصلاحی قانون مالیات های مستقیم

از سوی معاون اول رئیس جمهوری صورت گرفت؛

۶- سایر خدمات درآمد مشمول مالیات بابت ناخالص وجوه دریافتی ۳۰ درصد

تبصره ۱- درآمد حاصل از فعالیت های خدماتی از قبیل آموزش، تعلیمات و کمک های فنی و سایر خدمات و خدمات تشخیصی و درمانی پزشکی که محل ارائه خدمت خارج از ایران باشد، مشمول درآمد در ایران یا از ایران نخواهد بود. خدماتی که به صورت غیرحضور و از طریق سامانه های الکترونیکی و نظایر آن به ایران ارائه می شود ارائه خدمات در ایران محسوب می شود.

تبصره ۲- در قراردادهای بالادستی نفت و گاز وزارت نفت (شرکت های تابعه) با پیمانکار خارجی، چنانچه پیمانکار خارجی تمام یا بخشی از موضوع قرارداد را به موجب مقررات مربوط به اشخاص ثالث به عنوان مجری یا پیمانکار دست دوم واگذار نماید، مبالغ پرداختی به پیمانکاران دست دوم در محاسبه درآمد مشمول مالیات پیمانکار دست اول کسر و مانده با نرخ مذکور در جزء (ب) ردیف (۱) جدول موضوع این ماده به عنوان درآمد مشمول مالیات تعیین می شود و

بابت لوازم و تجهیزات در مواردی که مبالغ لوازم و تجهیزات به طور جدا از سایر اقلام در قرارداد مشخص نشده باشد، درآمد مشمول مالیات بابت ناخالص وجوه دریافتی ۱۰ درصد

۲- الف- حمل بار و مسافر از طریق ریلی و جاده ای از ایران به خارج از کشور. درآمد مشمول مالیات بابت ناخالص وجوه دریافتی ۲۰ درصد

۲- ب- فعالیت های حمل و نقل ریلی، جاده ای، آبی و هوایی در ایران. درآمد مشمول مالیات بابت ناخالص وجوه دریافتی ۱۸ درصد

۳- آموزش، تعلیمات و کمک های فنی. درآمد مشمول مالیات بابت ناخالص وجوه دریافتی ۱۵ درصد

۴- درآمد حاصل از بهره برداری سرمایه در فعالیت های اقتصادی در ایران به استثنای موارد مذکور در بندهای فوق. درآمد مشمول مالیات بابت ناخالص وجوه دریافتی ۲۰ درصد

۵- خدمات تشخیصی و درمانی پزشکی درآمد مشمول مالیات بابت ناخالص وجوه دریافتی ۳۰ درصد



چنانچه پیمانکار دست دوم از اشخاص حقوقی خارجی باشد، کسر مبالغ پرداختی به پیمانکار دست دوم مشروط به کسر و وصول مالیات موضوع ماده (۱۰۷) قانون در پرداختی‌های به پیمانکار دست دوم می‌باشد.

ماده ۳- ضرایب تشخیص درآمد مشمول مالیات اشخاص خارجی مقیم خارج از ایران بابت درآمدهایی که بدون فعالیت در ایران از ایران تحصیل می‌کنند، به شرح زیر تعیین می‌شود:

۱- تهیه طرح ساختمان‌ها و تأسیسات، نقشه‌برداری، نقشه‌کشی، نظارت و محاسبات فنی درآمد مشمول مالیات بابت ناخالص وجوه دریافتی ۲۰ درصد

۲- واگذاری امتیازات و سایر حقوق به:

الف- صاحبان واحدهای تولیدی و معدنی مشروط بر آنکه امتیازات و حقوق مذکور منحصراً مربوط به فعالیت‌های تولیدی و معدنی باشد. درآمد مشمول مالیات بابت ناخالص وجوه دریافتی ۲۰ درصد

ب- وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات دولتی و شهرداری‌ها درآمد مشمول مالیات بابت ناخالص وجوه دریافتی ۲۰ درصد

پ- سایر موارد درآمد مشمول مالیات بابت ناخالص وجوه دریافتی ۳۰ درصد

۳- واگذاری فیلم‌های سینمایی به عنوان بها یا حق نمایش یا تحت هر عنوان دیگر. درآمد مشمول مالیات بابت ناخالص وجوه دریافتی ۲۰ درصد

ماده ۴- در قرارداد پیمانکاری (اعم از دست اول

و دوم) چنانچه بهای لوازم و تجهیزات خریداری شده از کل مبلغ قرارداد تفکیک نشده باشد، کل مبلغ قرارداد مشمول مالیات موضوع ماده (۱۰۷) قانون خواهد بود. در صورت تفکیک مبالغ لوازم و تجهیزات در قراردادهای اصلاحی و الحاقی بعدی، معافیت لوازم و تجهیزات، نسبت به پرداخت‌های پس از انعقاد قرارداد اصلاحی و الحاقی جاری می‌باشد.

ماده ۵- پرداخت‌کنندگان وجوه مکلفند در هر پرداخت، مالیات متعلق را با توجه به مبالغی که از اول سال تا آن تاریخ پرداخت کرده‌اند کسر و تا پایان ماه بعد از آن به اداره امور مالیاتی پرداخت کنند، در غیر این صورت با دریافت‌کنندگان، متضامناً مسئول پرداخت اصل مالیات و جریمه‌های متعلق آن خواهند بود.

ماده ۶- در مواردی که اشخاص مشمول مقررات این آیین‌نامه در ایران دارای نماینده باشند، نماینده اشخاص مزبور مکلفند در اجرای تبصره (۲) ماده (۱۷۷) قانون نسبت به تسلیم اظهارنامه اشخاص یادشده اقدام و مالیات متعلق را براساس ماده (۱۰۷) قانون پس از کسر مالیات پرداختی موضوع ماده (۵) این آیین‌نامه، پرداخت نمایند.

ماده ۷- در صورتی که فعالیت موضوع این آیین‌نامه به وسیله نمایندگی از قبیل شعبه، نماینده، کارگزار و امثال آنها در ایران انجام شود، درآمد مشمول مالیات اشخاص خارجی مقیم خارج از ایران حسب مقررات تبصره (۴) ماده (۱۰۷) قانون تعیین خواهد شد. این حکم در مورد قراردادهایی که مستقیماً توسط شرکت

اصلی خارجی (دفتر مرکزی) منعقد و شعبه امور هماهنگی را انجام می‌دهد، جاری نمی‌باشد. تبصره- شعب و نمایندگی شرکت‌های خارجی در ایران مکلف به رعایت مقررات مربوط به کسر و وصول مالیات تکلیفی و مالیات حقوق کارکنان بابت فعالیت موضوع قرارداد شرکت اصلی در ایران می‌باشند.

ماده ۸- در مواردی که برابر قانون و مقررات مالیات‌های مستقیم، در خصوص فعالیت‌هایی که نحوه دیگری برای تعیین درآمد مشمول مالیات و مالیات آن مقرر شده است، حسب مقررات مربوط اقدام خواهد شد.

ماده ۹- کلیه اشخاص موضوع صدر ماده (۱۰۷) قانون که وفق مقررات این آیین‌نامه بابت درآمد حاصل در ایران یا از ایران مالیات متعلق را پرداخت کرده باشند و یا از جانب آن‌ها پرداخت شده باشد، بابت درآمدهای مذکور، مشمول مالیات دیگر موضوع این قانون نمی‌باشند.

ماده ۱۰- در مورد قراردادهای مشارکتی اشخاص خارجی مقیم خارج از ایران با اشخاص ایرانی، درآمد مشمول مالیات اشخاص خارجی به نسبت سهم مشارکت، با رعایت مقررات این آیین‌نامه و اشخاص ایرانی با رعایت مقررات موضوع مواد (۹۴) و (۱۰۶) قانون مشمول مالیات خواهد بود. در این صورت پرداخت‌کنندگان وجوه صرفاً در پرداختی به اشخاص خارجی مکلف به کسر مالیات متعلق و واریز آن به حساب اداره امور مالیاتی با رعایت مقررات می‌باشد.

آغاز تاسیس موسسه‌های رتبه‌بندی اعتباری در ایران

این فعالیت را در عرصه بین‌المللی داشته‌اند، ارایه شود، افزود: تمایل داریم موسسه‌های بین‌المللی با موسسه‌های ایرانی در این طرح شریک شوند و به طور مشترک این موسسه‌ها را در کشور تاسیس کنند. رتبه‌بندی اعتباری به معنای ارزیابی میزان ریسک و احتمال پرداخت به موقع تعهدات مالی ناشران اوراق و سهام است. رتبه‌بندی اعتباری پیش شرط حضور در بازارهای مالی و سرمایه است و امروزه موسسات رتبه‌بندی از کلیدی‌ترین نهادهای مالی در کشورهای توسعه یافته به شمار می‌روند به طوری که در بازارهای مالی جهانی، کمتر سرمایه‌گذاری را می‌توان یافت که قبل از انتخاب گزینه سرمایه‌گذاری به گزارش‌های موسسه رتبه‌بندی در این رابطه توجهی نداشته باشد.

که علاقه‌مند به فعالیت هستند می‌توانند، درخواست تاسیس موسسه‌های رتبه‌بندی در ایران را به سازمان بورس ارایه کنند. فطانت با بیان این که حداقل سرمایه برای تاسیس این موسسه‌ها باید ۵۰ میلیارد ریال باشد، اضافه کرد: نهادهای مالی رتبه‌بندی اعتباری، باعث پیوند بازار سرمایه کشور با سایر بازارهای سرمایه دنیا می‌شود.

وی ادامه داد: از همه موسسه‌ها و نهادهای فعال در عرصه بین‌المللی رتبه‌بندی، دعوت می‌شود درخواست خود را برای تاسیس موسسه رتبه‌بندی در ایران اعلام کنند. رییس سازمان بورس و اوراق بهادار با بیان اینکه ترجیح می‌دهیم پیشنهاد تاسیس این نهادهای مالی در ایران، توسط افرادی که تکنولوژی، ابزار و تجربه

رییس سازمان بورس و اوراق بهادار با بیان اینکه روند اجرایی تاسیس نهمین نهاد مالی تحت نظارت سازمان بورس آغاز می‌شود، از متقاضیان داخلی و خارجی برای دریافت مجوز فعالیت موسسه‌های رتبه‌بندی اعتباری دعوت کرد. محمد فطانت، با بیان اینکه بر اساس قانون بازار اوراق بهادار، تعدادی نهاد مالی باید تاسیس شود که از جمله آنها موسسه‌های رتبه‌بندی است، افزود: از دغدغه‌های همیشگی فعالان بازار سرمایه، آگاهی از ریسک و وضعیت مالی شرکت‌هاست که از این پس، موسسه‌های رتبه‌بندی به این موضوع خواهند پرداخت. رییس سازمان بورس و اوراق بهادار به تهیه دستورالعمل تاسیس و فعالیت موسسه‌های رتبه‌بندی اشاره کرد و گفت: امروز، همه افرادی



گفت وگویی

اهالی

نهادهای

مدنی

شورای سازمان‌های جامعه مدنی جمعی از نمایندگان سازمان‌های جامعه معدنی ایران هستند که تلاش می‌کنند با گردهم‌آوردن بخش بزرگی از فعالان و نهادهای مدنی گام‌های اساسی و مستمر برای ساختن نهادهای توانمند و اثرگذار بردارند و به تجمیع سرمایه اجتماعی در کشور کمک کنند.

نخستین نشست هم‌اندیشی این شورا با نهادهای مدنی روز چهارشنبه ۲۲ تیرماه برگزار شد تا درباره اهداف، برنامه و مسیر راه آینده این شورا گفتگو و تبادل نظر شود. در این نشست درباره تعدد و پراکندگی NGOها و لزوم تجمیع آمار آنها گفتگو شد.

جلسه با سخنرانی مهندس محمد عطاردیان رئیس شورای مرکزی سازمان‌های جامعه مدنی آغاز شد. وی در این نشست گفت: تشکل‌های مدنی دو نوع هستند: یکی سندیکاها یا انجمن‌ها و دیگری سمن‌ها یا سازمان‌های مردم‌نهاد. تشکل‌های کارگری و کارفرمایی داریم که در حقیقت آنها سندیکا هستند و جدیداً به آنها کانون صنفی گفته می‌شود. اینها با ترتیبی دور هم جمع هستند و مسائلشان را پیگیری می‌کنند، اما در حقیقت گرد یک منافع اقتصادی خاصی دور هم جمع هستند؛ مثل کارگران و کارفرمایان و هر صنفی که یک هدف اقتصادی دارد و از منافع صنف خود دفاع می‌کنند. ولی اینها در عین حال تشکل‌های مردمی هستند و در این تشکل‌ها هر کسی به تشکل مربوط به حوزه خود می‌پیوندد. اما کسانی که در تشکل‌های مردم‌نهاد عضو می‌شوند، می‌توانند فعالیت‌های گوناگونی داشته و برای یک هدف مشخص فعالیت کنند و بدون توجه به مسائل صنفی و اقتصادی، به نیازهای جامعه بپردازند.

■ نخستین نشست هم‌اندیشی شورای سازمان‌های جامعه مدنی و نهادهای مدنی ■

بودجه و امکانات، توانایی انجام آن را ندارد، با کمترین امکانات به انجام برسانند.

مهندس طبیب‌زاده نماینده انجمن‌های مهندسی نفت، گاز و پتروشیمی: کاری که شورا قصد انجام آن را دارد، یک پروژه اجتماعی است که اگر دو بحث فرهنگ‌سازی و توانمندسازی انجام شود کار بزرگی صورت گرفته است. باید استراتژی سازمان‌هایی که در این جلسه حضور دارند، بررسی شود و دلایل موفقیت آنها بیان شود.

خانم عزیزپناه نماینده انجمن حمایت از حقوق کودکان: باید «برای پیشبرد کارها یک فازی تعیین شده و یک سقف زمانی در نظر گرفته شود» همه ما یک فصل مشترک داریم و به دنبال تغییر در حوزه‌های خودمان هستیم. کنار هم قرار گرفتن ظرفیت‌های ما می‌تواند منجر به نتیجه و انجام کارهای موثر شود.

دکتر بهزاد رحمانی عضو هیأت مدیره «حجم»: اسم شورای سازمان‌های جامعه مدنی، اسمی ضروری و شایسته برای وضعیت فعلی جامعه

کنیم. متأسفانه گفت وگوهای اجتماعی ما در طول یک دهه اخیر بسیار تضعیف شده و تلاش ما این است که در این جلسه ببینیم چگونه می‌توان مجموعه از حامیان جامعه مدنی قدرتمند داشت و در کنار دولت و ملت باقی ماند؟!

خانم حسینی‌پور موسس انجمن حامیان کودکان کار و خیابان: متأسفانه جامعه ما از این NGOها نه تنها سودی نبرده بلکه میزان آسیب‌های اجتماعی در سال‌های اخیر بسیار بیشتر شده. ما باید آسیب‌شناسی را از خودمان شروع کنیم و ببینیم هر کدام از ما چه کاری می‌توانیم انجام دهیم.

خانم ضیایی مهر نماینده موسسه رویش نهال جوان: هر چقدر ما بتوانیم جامعه مدنی بی‌شکل را جمع کرده و متشکل کنیم، قدم خیلی خوبی است؛ چون با تمام تفاوت‌ها در اهداف و برنامه‌ها، در بسیاری از مسائل دارای اشتراک هستیم.

مصطفوی نماینده انجمن هنرمندان نابینا و کم‌بینا: NGOها باید بتوانند کاری را که دولت با

مینو مرتاضی یکی از اعضای شورای مرکزی سازمان‌های جامعه مدنی: نهادهای مدنی در راستای توسعه پایدار که بر محوریت انسان و محیط زیست بنا می‌شود از سال ۱۹۹۰ مطرح شد. در ایران همزمان با جنبش اصلاحات و از سال ۱۳۷۶ این موضوع مطرح شد. حدود ۱۳۰۰۰ نهاد مدنی در ۸ سال دوره اصلاحات شکل گرفت که متأسفانه ۶۰-۷۰ تا بیشتر فعال نبودند. اینکه چرا فعال نیستند برمی‌گردد به مسائل اقتصادی و بخشی از آن برمی‌گردد به دیدگاهی که مسئولین و نهادها به تشکل‌ها دارند که عموماً، آنها را سیاسی می‌بینند. بخش دیگر برمی‌گردد به تفاوت بین NGO (نهادهای مستقل و مردمی) و GO (نهادهای تحت نظارت و دخالت مستقیم دولت). به هر حال با وجود سختی‌ها، ما با پایداری توانستیم مجوز بگیریم.

سعید دهقان به عنوان یکی از اعضای شورای مرکزی سازمان‌های جامعه مدنی: ما از عرصه‌های مختلف در اینجا گردهم جمع شده‌ایم تا با هم‌اندیشی از پتانسیل‌های یکدیگر استفاده



قدردانی اتاق تهران از همراهی دولت با بخش خصوصی

نامه مسعود خوانساری به اسحاق جهانگیری

هیات نمایندگان اتاق تهران خردادماه امسال در پانزدهمین نشست خود اخذ مالیات بر تسعیر ارز از صادرکنندگان را اقدامی بازدارنده و مانعی پیش روی توسعه صادرات کشور تلقی کرده بودند.

مسعود خوانساری رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران در نامه‌ای به معاون اول رییس جمهوری از ابلاغ دستور ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی برای توقف اخذ مالیات بر تسعیر ارز قدردانی کرد.

هیات نمایندگان اتاق تهران خردادماه امسال در پانزدهمین نشست خود اخذ مالیات بر تسعیر ارز از صادرکنندگان را اقدامی بازدارنده و مانعی پیش روی توسعه صادرات کشور تلقی کرده بودند.

پس از آن نیز رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران در نامه‌ای به معاون اول رییس جمهوری و رییس ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی درخواست‌های بخش خصوصی را در قالب مطالبات ده گانه منعکس کرد. در دومین ماده از این نامه «معاف کردن سود تفاوت نرخ تسعیر ارز حاصل از صادرات از هرگونه مالیات و عوارض و عطف به ماسبق کردن این معافیت برای بازرگانان از سال ۱۳۹۰» آمده بود. درباره این ماده توضیح داده شده بود: با هدف توسعه صادرات و ایجاد انگیزه نزد بازرگانان کشور، رفع معضل مالیات تسعیر ارز موضوعی بسیار خطیر و حیاتی برای سال‌های گذشته و نیز سال ۱۳۹۵ است. با عنایت به اهداف دولت در توسعه صادرات غیرنفتی پیشنهاد می‌شود بخشنامه و دستورالعمل سازمان امور مالیاتی

در این بخش بی‌اثر شده و بازرگانان کشور از پرداخت مالیات ناشی از تسعیر و تبدیل ارز حاصل از صادرات معاف شوند. بدیهی است ضرورت ایجاد انگیزه و نشاط ایجاب می‌کند این موضوع به سال‌های پیش نیز تسری یابد. پس از برگزاری نشست‌های متعدد با معاون اول رییس جمهوری، وزیر امور اقتصادی و دارایی، رییس و کارشناسان سازمان امور مالیاتی و نمایندگان بخش خصوصی در اتاق تهران و تشکل‌های بخش خصوصی، این مالیات حذف شد و رییس سازمان امور مالیاتی کشور بخشنامه آن را سه‌شنبه بیست و دوم تیرماه ابلاغ کرد. براین بخشنامه تسعیر ارز در مورد فروش‌های صادراتی ریالی (به کشورهایمانند افغانستان و عراق) موضوعیت ندارد. همچنین جدا از ریالی یا ارزی بودن فروش‌های صادراتی اعطای معافیت مالیاتی با رعایت مقررات قانونی امکان‌پذیر است. از

طرف دیگر در مورد فروش‌های صادراتی که با نرخ ارز مرجع یا مبادله‌ای ثبت می‌شود اما در زمان تسویه یا تاریخ ترازنامه از نرخ ارز توافقی (آزاد) در صرافی‌های مورد تایید بانک مرکزی استفاده می‌شود، فقط تفاوت نرخ ارز توافقی در صرافی در تاریخ اولیه و تاریخ‌های بعدی مبنای محاسبه سود یا زیان تسعیر ارز قرار می‌گیرد. این بخشنامه در مورد پرونده‌های مالیاتی سال ۱۳۹۱ به بعد قابل اجراست. پس از ابلاغ این بخشنامه، رییس اتاق تهران در نامه‌ای به «اسحاق جهانگیری» معاون اول رییس جمهوری و رییس ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی، از توجه به خواسته‌های بخش خصوصی و در دستورکار گرفتن ماده ۲ از مطالبات ده گانه اتاق تهران قدردانی کرد و آن را «نشانه برداشتن یک گام رو به جلو در تسهیل فضای کسب و کار کشور و مهمتر از آن نشان‌دهنده همراهی دولت در برابر مطالبات به حق بخش خصوصی» دانست.



اهمیت توسعه مبحث دوم مقررات ملی ساختمان

اکبر ترکان رئیس نظام مهندسی ساختمان کشور در پیامی به مناسبت نوزدهمین اجلاس نظام مهندسی ساختمان در کیش گفت: «نوزدهمین اجلاس هیأت عمومی سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور در حالی برگزار می شود که دستاوردهای ارزشمندی را در طول حیات بیست ساله همچون میراثی ماندگار برای جامعه مهندسان به یادگار می گذارد.» متن کامل پیام به شرح ذیل است:

پیام ترکان به اجلاس نظام مهندسی ساختمان

جایگاه ارزشمند اجتماعی که به واسطه رشد اخلاق حرفه‌ای در بین مهندسان، در جامعه به دست آمده است. امروز جمعیت ۴۰۰ هزار نفری مهندسان عضو سازمان نظام مهندسی ساختمان ظرفیت بزرگی از علم و فناوری را در این سازمان پدید آورده‌اند که از ظرفیت طراحی و نظارت بر ساخت و ساز مسکن در جغرافیای ایران فراتر است و آمادگی دارد در سایر حوزه‌های صنعت ساختمان و دیگر طرح‌های عمرانی کشور و صادرات خدمات فنی و مهندسی ایفای نقش نماید که باید در این مسیر، بازمینی و توسعه مبحث دوم مقررات ملی ساختمان مورد توجه قرار گیرد. چنین رویکردی سبب‌کردن بار مسئولیت دولت از امور تصدی‌گری و اجرایی کشور بوده و افزایش مسئولیت سازمان نظام مهندسی ساختمان استان‌ها و نتیجه برون‌سپاری ارائه خدمات کوچک و چابک‌کردن دولت در محدوده سیاست‌گذاری و واگذاری امور اجرایی به مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد خواهد بود.

نوزدهمین اجلاس هیأت عمومی سازمان نظام مهندسی ساختمان کشور در حالی برگزار می‌شود که دستاوردهای ارزشمندی را در طول حیات بیست ساله همچون میراثی ماندگار برای جامعه مهندسان به یادگار می‌گذارد.

مطمئناً با تمامی کوشش‌های انجام‌شده و با حمایت هیأت‌مدیره‌های دوره هفتم سازمان نظام مهندسی ساختمان این دوره از اجلاس هیأت عمومی نیز در شرایط مطلوبی برگزار خواهد شد و با انتخاب اعضای محترم شورای مرکزی دوره هفتم سازمان نظام مهندسی ساختمان در مسیر رسیدن به اهداف عالی نظام جمهوری اسلامی ایران و ذکر شده در قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان در حوزه امور زیربنایی و اقتصادی کشور مؤثرتر و مستحکم‌تر گام بر خواهد داشت.

درد بیکران خود را به روح پرفتوح بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (ره) و مهندسان شهید و پیش‌کسوتان مهندسی ایران اسلامی تقدیم می‌کنم و خداوند بزرگ را شاکرم که نوزدهمین اجلاس هیأت عمومی سازمان نظام مهندسی ساختمان در صدد است چکیده‌ای از دانش و علم و هنر مهندسان این سرزمین را ارائه نماید.

مسکن، اصلی‌ترین و در اکثر موارد، تنها پس‌انداز خانواده‌های ایرانی است و بر اساس آخرین آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی، جمعیت صاحب مسکن در شهرهای بزرگ به ۶۴،۴ درصد رسیده است و همان‌گونه که در مقدمه قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان نیز ذکر شده است، سازمان نظام مهندسی ساختمان را مکلف به صیانت از تنها دارایی ارزشمند خانوارهای ایرانی می‌کند. در تاریخچه تاسیس سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان این سازمان‌ها موفق شده‌اند با رعایت و اجرای مقررات ملی ساختمان، حداقل ۱۴ میلیون واحد مسکونی را با کیفیتی قابل قبول و متفاوت از گذشته به مصرف‌کنندگان تقدیم کنند؛ لذا لازم است منتخبان مهندسان کشور با برنامه‌ریزی صحیح، رعایت اصول و هویت‌بخشی به معماری و شهرسازی، صرفه‌جویی مصرف انرژی در ساختمان، افزایش عمر مفید ساختمان‌ها، استحکام بنا و استفاده از مصالح استاندارد که از دستاوردهای بیست ساله سازمان نظام مهندسی ساختمان است را مورد توجه و تأکید خود قرار دهند تا این صنعت مهم کشور در شرایط مناسب به فعالیت ادامه داده و ایمنی، سلامت، بهداشت، رفاه، آسایش و صرفه اقتصادی را برای شهروندان به ارمغان بیاورد.

یقیناً شرایط امروز حاکی از قرارگیری در مسیر حقیقی رشد و تکامل سازمانی و تعالی صنعت بوده که در برنامه‌های سازمان مورد توجه قرار گرفته است و در کنار آن، کسب

مدنی ایران می‌باشد. ما در چند سال گذشته فعالیت‌های زیادی انجام دادیم، از این نهاد محافظت کرده و هزینه‌های زیادی هم پرداخت کرده‌ایم؛ با این حال در کمال مطلوب خود نیستیم.

بختیاری نماینده مجمع هنرمندان صنایع دستی کشور: تعامل و تعادل از اصطلاحاتی است که باید رعایت کنیم و در هر کاری که این دو نکته رعایت شود، باعث ماندگاری خواهد شد. با تعامل با استاد توان‌افزایی سازمان‌های مردم‌نهاد و دیگر سازمان‌ها می‌توان امکاناتی را ایجاد کرد که موجب تسهیل در رسیدن به اهداف سازمان‌های مدنی باشد.

امیدی نماینده گروه ورزش خانواده بر توانمندسازی: مایک مشکلی به نام حبس اطلاعات داریم که هیچ سازمانی اطلاعات نهادهای ثبت شده خود را در اختیار ما نمی‌گذارد.

خانم علی‌نژاد نماینده زنان مدیر کارآفرین: اگر شورا بتواند فرهنگ‌سازی و ترویج این دو موضوع را رسالت خود قرار دهد، کار بسیار بزرگی صورت می‌گیرد.

خانم سارا امینی نماینده حمایت از حقوق حیوانات: باید حس تعلق خاطر به شورا پیدا کرد و از من به ما تبدیل شد.

در پایان نشست **مهندس عطاردیان** با بیان اینکه کار گروهی شرط دارد؛ اگر با هم مخالفت کردیم، از هم نرنجیم، با این شعر، پایان جلسه نخست هم‌اندیشی را اعلام کرد:

تو پای به راه در نه و هیچ میرس خودراه بگویدت که چون باید رفت

سمینار آشنایی با مدیریت نت



سمینار آموزشی مدیریت نت و PDM و PAM و RCM روز سه شنبه ۲۲ تیرماه توسط مهندس محمدرضا رستمی تهرانی در سندیکا برگزار شد. سرفصل‌های این سمینار شامل تعریف نگهداری و تعمیرات (نت)، تکنیک‌ها و تاکتیک‌ها و سیستم‌های نت، استراتژی‌های نگهداری و تعمیرات ماشین‌آلات، تکنیک‌های CM و روش‌های پایش وضعیت، عوامل مؤثر بر بروز خرابی‌های اضطراری و کاهش عمر اجزاء ماشین، نکات مهم در مورد نگهداری روغن‌ها مواد آلاینده سوخت و... بود.

مهندس رستمی در تعریف نگهداری و تعمیرات (نت) عنوان کرد: نگهداری و تعمیرات به کلیه اعمالی گفته می‌شود که در جهت حفظ ماشین‌آلات، تجهیزات و اماکن در وضعیت مطلوب و مطابق با استاندارد قابل قبول، صورت می‌گیرد. سیستم نگهداری و تعمیرات مجموعه‌ای متشکل از روش‌ها و فرم‌ها است که هدف‌های مذکور را برآورده می‌سازد. مبحث نگهداری و تعمیرات در ماشین‌آلات عمرانی دارای ویژگی‌های خاص خود می‌باشد.

وی با تقسیم مبحث نت به سه گروه تکنیک‌ها، تاکتیک‌ها و سیستم‌ها به تشریح این موارد پرداخت و عنوان کرد: تاکتیک‌های نت را می‌توان به دو بخش مهم تقسیم کرد که شامل تاکتیک‌های نت بدون برنامه‌ریزی یا تاکتیک مبتنی بر خرابی و تاکتیک‌های نت مبتنی بر برنامه‌ریزی است. وی درباره نت مبتنی بر قابلیت اطمینان RCM گفت: نت مبتنی بر قابلیت اطمینان را شاید بتوان توانمندترین ابزار تعریف فعالیت‌های نت، تعیین فواصل اجرای آن‌ها و نحوه اجرای آن‌ها دانست. نت مبتنی بر قابلیت اطمینان RCM یک روش مهندسی برای ایجاد ارتباط بین فعالیت‌های نت و سازوکار خرابی‌ها به کمک یک ساختار منطقی است. هدف آن دستیابی به یک روش نت مطمئن (متناسب با میزان هزینه) به وسیله انجام موارد ضروری (و نه بیشتر) است. با توجه به روش‌هایی که RCM برای شناسایی و حذف سیستماتیک خرابی‌ها اتخاذ می‌کند، می‌توان آن را نت آنالیتیک (نت مبتنی بر تحلیل) نامید.

خوانندگان محترم ماهنامه می‌توانند برای خواندن مشروح این کلاس آموزشی به فصلنامه ماشین‌آلات مراجعه کنند.

بررسی مزیت‌های روغن موریس

است. گروه سوم بالاترین عملکرد را در میان روغن‌های معدنی حاصل شده از نفت خام داراست. روغن‌های پایه گروه ۳ خواص بسیار نزدیک به روغن‌های سینتتیک گروه ۴ دارند و تولیدکنندگان روانکارها می‌توانند بر روی محصولات تولید شده با این روغن‌های پایه از کلمه "سینتتیک" استفاده نمایند. روغن پایه‌های گروه ۴ از پلی‌آلفا‌الین‌ها (PAOs) تشکیل شده است. سینتتیک پایه (PAO) بوده و به روش شیمیایی ساخته می‌شوند. گروه ۵ می‌تواند شامل ماده پایه با کیفیت پایین مانند نفتنیک (Naphthenic) و یا با کیفیت بالا مانند استرها باشد. وی تصریح کرد: هنوز هیچ واحدی جهت تولید روغن‌های پایه گروه ۲ و بالاتر در ایران راه اندازی نشده است و تولیدکنندگان روانکارها، نیاز خود به این روغن‌های پایه را از طریق واردات تامین می‌نمایند. وی افزود: واردکنندگان یا مصرف‌کنندگان اگر فرمول خاصی داشته باشند می‌توانند آن را به موریس ارائه دهند تا موریس بر اساس آن فرمول روغن مورد نظر را بسازد.

در پایان این دیدار مهندس محمود مصطفی‌زاده رئیس کمیسیون ماشین‌آلات با تاکید روی این نکته که شرکت‌های عضو سندیکا به دنبال استفاده از محصولاتی هستند که بیشترین بازدهی را با کمترین آسیب‌های زیست‌محیطی داشته باشد، این شرکت‌ها را مشتریان بالقوه‌ای دانست که در صورت ارائه بسته‌ای از تخفیفات و تسهیلات از طرف شرکت موریس و شرکت نمایندگی آن در ایران به مشتریان بالفعلی تبدیل می‌شوند.

جلسه کمیسیون ماشین‌آلات در روز سه شنبه ۲۹ تیرماه با معرفی «روغن موریس» توسط نماینده شرکت موریس و نمایندگان شرکتی که نمایندگی این شرکت را دارد، آغاز شد. در این دیدار که ادوارد هومسی نماینده شرکت موریس، علیرضا حسینی عدنان رئیس شرکت بازگانی کلید فولاد پایه، و اردشیر خواجه نوری نماینده فروش شرکت بازگانی کلید فولاد پایه، حضور داشتند قابلیت‌های روغن موریس تشریح شد.

در ابتدای جلسه ادوارد هومسی نماینده شرکت موریس توضیح مختصری درباره این شرکت ارائه داد و گفت: این شرکت خصوصی در سال ۱۸۶۹ کار خود را در زمینه تولید فرآورده‌های روغنی آغاز کرد و در حال حاضر محصولات خود را در بیش از ۸۰ کشور دنیا ارائه می‌دهد و علاوه بر تولید محصولات معمول خود در زمینه تولید محصولات با مشخصات درخواست شده از طرف مشتریان نیز پیشرو است. وی افزود: شرکت KBS (شرکت بازگانی کلید فولاد پایه) از سال ۱۳۹۱ نمایندگی رسمی موریس در ایران است.

آقای علیرضا حسینی عدنان رئیس شرکت KBS نیز به تشریح انواع روغن پرداخت و گفت: روغن‌های گروه اول پایه نفتی دارند که تولیدکنندگان داخلی ما اغلب در این گروه فعال هستند. در این مورد مهم‌ترین مشکل سولفورزدایی و عناصر سنگین است که به خوبی انجام نمی‌شود و آسیب‌های زیادی به ماشین‌آلات وارد می‌کند.

گروه دوم و سوم نیز حاصل از پالایش نفت خام

مدیرعامل شرکت تضمین
شرکت‌های ساختمانی
گزارش مالی و ترازنامه
این شرکت را ارائه داد
که مورد تأیید حاضران
قرار گرفت.



برگزاری مجمع عمومی سالیانه شرکت تضمین

انتخاب شده بودند، مورد تأیید قرار داد.

در ادامه دکتر غلامرضا علی‌زاده، مدیرعامل شرکت تضمین شرکت‌های ساختمانی با تأکید بر اینکه شرکت تضمین در سال گذشته با سرمایه‌گذاری به شکل سپرده‌های کوتاه‌مدت سعی در حفظ ارزش پول و بالا بردن ارزش سرمایه داشته است، گزارش مالی و ترازنامه این شرکت را ارائه داد که مورد تأیید حاضران قرار گرفت.

در پایان و پس از تأیید گزارش‌های مجمع و معرفی کاندیدها، رأی‌گیری جهت انتخاب ۴ عضو هیأت‌مدیره و دو عضو هیأت‌بازرسان صورت گرفت که مهندس علی‌آزاد، مهندس هدایت‌الله نورانی‌پور، مهندس محمد انصاری‌فر، مهندس سیروس محسنین به عنوان اعضای هیأت‌مدیره و مهندس سیروس پیشوتن و مهندس علی‌احسان به عنوان اعضای هیأت‌البدل هیأت‌مدیره انتخاب شدند. مهندس غلامرضا خوش‌گفتار منفرد و مهندس کاظم عارف‌آذر به عنوان اعضای اصلی و مهندس سیدمحمدباقر تقی‌زاده مطلق به عنوان عضو علی‌البدل بازرسان انتخاب شدند.

این ارزش افزوده را در دفتر خود اعمال نمی‌کند. البته شرکت پارس همگام اشتباه کرده که تاکنون توضیح لازم را در این باره به مشتریان خود نداده است. از عزیزانی که خدمات بیمه‌ای خود را از طریق پاس همگام دنبال می‌کنند خواهشمندم چک‌ها را به نام این شرکت ننویسند. چرا که ثبت این چک‌ها در دفتر به نام پارس همگام برای خود آنها در مقوله ارزش افزوده مشکل ایجاد می‌کند.

مهندس خوانساری با تأکید بر استقبال اعضای هیأت‌مدیره شرکت تضمین از نظر اعضا و سهام‌داران این شرکت، تصریح کرد: با توجه به سهم ۵۱ درصدی سندیکا در شرکت تضمین، و طبق اساسنامه سه نفر از اعضای هیأت‌مدیره و یک نفر از بازرسان توسط سندیکا انتخاب و معرفی می‌شود که سندیکا مهندس محمود مصطفی‌زاده، مهندس جواد خوانساری، و مهندس عبدالمجید سجادی نائینی را به عنوان اعضای هیأت‌مدیره و مهندس محمدعلی پورشیرازی را به عنوان عضو بازرسان معرفی کرده است.

پس از این سخنان مجمع عادی سالیانه نوبت اول شرکت تضمین به اتفاق آراء اعضای معرفی شده انتخابی سندیکا را که وفق تبصره ۲ ماده ۴

مجمع عمومی سالیانه شرکت تضمین شرکت‌های ساختمانی ایران روز شنبه ۱۹ تیر ماه برگزار شد تا طبق دستور جلسه، اعضای هیأت‌مدیره و بازرسان شرکت تضمین انتخاب شوند.

مجمع عمومی تضمین در نوبت اول و با استقرار هیأت‌رئیس در پانل که شامل آقایان مهندس جواد خوانساری به عنوان رئیس جلسه، مهندس ناصر شفیعیان و مهندس محسن بنی‌هاشمی به عنوان ناظران جلسه، و دکتر غلامرضا علی‌زاده به عنوان منشی جلسه رسمیت یافت.

مهندس جواد خوانساری نائب رئیس هیأت‌مدیره سندیکا و رئیس هیأت‌مدیره شرکت تضمین با اشاره به اینکه پارس همگام از شرکت‌های زیرمجموعه شرکت تضمین است که به نوعی در واسطه‌گری بیمه فعال است، افزود: این شرکت بیمه را از کسی می‌گیرد و به کس دیگری می‌دهد، بنابراین درآمد آن پورسانت به حساب می‌آید و خرید و فروش بیمه به نام شرکت اصلی صادر می‌شود و ارزش افزوده هم به شما (به عنوان خریدار) و به بیمه اصلی (به عنوان فروشنده) مربوط است و پارس همگام



بعد از تصویب گزارش هیأت‌مدیره، گزارش بازرسان و گزارش مالی، بحث انتخاب هیأت بازرسان طبق دستور جلسه پیش آمد که به دلیل تأخیر در تأیید داوطلبان توسط اداره تعاون، این مسئله به جلسه آینده موکول شد

برگزاری مجمع عمومی شرکت تعاونی شرکت‌های ساختمانی



نیز توسط مهندس خوش گفتار منفرد قرائت شد، که ایشان تأکید کرد هیأت بازرسان ترازنامه را بررسی و بازبینی و مواردی را برای اصلاح توصیه کرده است.

بعد از تصویب گزارش هیأت‌مدیره، گزارش بازرسان و گزارش مالی، بحث انتخاب هیأت بازرسان طبق دستور جلسه پیش آمد که به دلیل تأخیر در تأیید داوطلبان توسط اداره تعاون، این مسئله به جلسه آینده موکول شد و مقرر گردید مهندس خوش گفتار تا آمدن بازرس جدید به عنوان بازرس به کار خود ادامه دهد.

عنوان رئیس جلسه، مهندس ناصر شفیعیان و دکتر غلامرضا علی‌زاده به عنوان ناظر و مهندس درخشان به عنوان منشی جلسه بود، رسمیت یافت.

در ابتدا مهندس **محمدباقر گلبن رئیس هیأت‌مدیره شرکت تعاونی** درباره عملکرد شرکت تعاونی شرکت‌های ساختمانی گزارشی ارائه داد و اولویت تعاونی را در سال ۹۵ رفع مشکلات حقوقی این تعاونی اعلام کرد تا از تاراج اموال آن جلوگیری شود. گزارش بازرسان

مجمع عمومی عادی نوبت دوم شرکت تعاونی شرکت‌های ساختمانی ایران روز دوشنبه ۲۱ تیرماه برگزار شد تا طبق دستور جلسه، گزارش هیأت‌مدیره در سال و گزارش بازرس در سال ۹۴ قرائت شود و درمورد صورت‌های مالی سال ۹۴ اتخاذ تصمیم شود. در نهایت بودجه پیشنهادی سال ۱۳۹۵ تصویب و روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی تعیین شود. مجمع عمومی عادی نوبت دوم شرکت تعاونی شرکت‌های ساختمانی ایران با تشکیل پانل ریاست که شامل **مهندس محمدباقر گلبن به**

اخبار صنعت ساختمان

احتمال انتشار اوراق مشارکت از سوی بخش خصوصی



می شود و منابع بانک‌ها می‌توانند به شرکت‌های کوچک و متوسط اختصاص یابد، رئیس جمهوری قول پی‌گیری جدی دادند»

خواستار اجازه انتشار اوراق مشارکت توسط شرکت‌های بزرگ بخش خصوصی شد. رئیس جمهوری هم پس از صحبتی کوتاه با دکتر جهانگیری (معاون اول) و دکتر طیب نیا (وزیر اقتصاد) تحقق این ایده را ممکن دانست و گفت: شخصاً این موضوع را پی‌گیری می‌کنم و بهتر است هر چه زودتر مقدمات انجام این کار فراهم شود. وقتی من (جلال پور) هم توضیح دادم که در صورت انتشار این اوراق، نیاز مالی شرکت‌ها با عرضه انواع اوراق مشارکت، تأمین

رئیس جمهوری «انتشار اوراق مشارکت توسط شرکت‌های بزرگ بخش خصوصی» را ایده‌ای قابل تحقق دانسته و قول داده است این موضوع را پی‌گیری کند تا هر چه زودتر مقدمات اجرای آن فراهم آید. این خبر را محسن جلال پور رئیس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران در گزارش ضیافت افطار رئیس جمهوری به افتخار بازرگانان و نمایندگان بخش خصوصی در کانال تلگرامی خود قرار داد. رئیس اتاق ایران نوشته است: «دکتر مسعود حجاریان



رونمایی کتاب با طعم توسعه و به نفع خیریه

دکتر اقبال قاسمی پویا:

خواندن این کتاب را به همه علاقمندان توسعه، تومیه می‌کنم

ندارم چه کمکی می‌توانم بکنم؟ همانجا تصمیم گرفتم اولاً با کمک دوستان رسانه‌ای و فرهنگی، تحولی در مفهوم کار خیریه وجود بیاوریم و شاید گلریزان فکری اولین واژه‌هایی بود که به ذهنم رسید و به عنوان اولین قدم تصمیم بر آن شد تا سود حاصل از فروش آثار تألیفی‌ام را به این مؤسسه خیریه که دختران معلول را تحت پوشش دارد، هدیه کنم.

نظری در ادامه افزود: از همین جا تقاضا می‌کنم همه کسانی که به پیشرفت ایران و مسائل آموزش و توسعه علاقمند هستند، با تهیه کتاب نگاه تربیتی به توسعه، هم مقالات و یادداشت‌هایی را که تماماً تحت نظارت اساتیدم تألیف شده دریافت کنند و هم در یک موضوع انسان دوستانه و خیر مشارکت نمایند. لذا به پشتوانه اساتید بزرگی که در این سال‌ها افتخار درس‌آموزی از ایشان را داشته‌ام، از تمام دانشجویان عزیز به ویژه دانشجویان رشته‌های جامعه‌شناسی و علوم تربیتی و از تمام همکاران عزیزم یعنی فرهنگیان و معلمان فکور و آزاداندیش ایران دعوت می‌کنم با تهیه و مطالعه این کتاب، تجربه مشارکت در یک کار خیر با طعم توسعه و خردورزی را در زندگی خود رقم بزنند.

گلریزان فکری، نخستین تجربه

در همین ارتباط علی‌اکبر ملکی عضو هیأت مدیره مؤسسه نیک‌آفرینان غدیر که در این رونمایی حاضر بود، از خدمات و پوشش شبانه‌روزی این مؤسسه برای دختران دارای معلولیت‌های جسمی خبر داد و ضمن تشکر از اقدام نویسنده کتاب از تلاش این مؤسسه برای خلق و توسعه مفهوم متفاوتی از نیکوکاری در سطح مدارس توضیحاتی به حاضران

پیرامون مسائل کلیدی و اساسی مطرح شده در کتاب «نگاه تربیتی به توسعه» و ضرورت تداوم فعالیت‌هایی از این دست مطالبی ارائه نمود.

توسعه، زیرساخت تربیتی می‌خواهد

مرتضی نظری نویسنده کتاب در این نشست گفت: آموزش و پرورش قبل از آن‌که یک دستگاه اجرایی باشد، یک نهاد گسترده اجتماعی است که زیرساخت تربیتی توسعه را فراهم می‌آورد، اما به باور من آموزش و پرورش در ایران دچار غربت گفتمانی شده است. نمی‌توانیم از توسعه حرف بزنیم، اما حاضر به پذیرش الزامات توسعه نباشیم. سیاسیون، احزاب و حوزه عمومی هنوز آموزش و پرورش را در عمل جدی نمی‌پندارند تا در فضای فکری و گفتمانی جامعه ایران درباره نقش آموزش و پرورش در توسعه یافتگی، تحرک فکری و گفتمانی به وجود نیاید، سخن از هر نوع تحول در آموزش و پرورش راه به جایی نمی‌برد.

کار خیر با طعم توسعه

مرتضی نظری با بیان توافق صورت گرفته با یکی از مؤسسات خیریه تهران گفت: سال گذشته به دعوت یکی از دوستان در یکی از مراسم‌های گلریزان در یک مؤسسه خیریه شرکت کردم. میهمانان عموماً از طبقه مرفه و ثروتمند بودند. وقتی لیخند دختران معلول را می‌دیدم که دست‌سازه‌های آنها توسط حاضران به قیمت‌های بعضاً چندین برابر خریداری می‌شود و با این کار در تأمین هزینه‌های نگهداری بچه‌ها کمک می‌کنند خیلی خوشحال شدم و البته متأثر از این‌که چقدر این کار می‌تواند گسترده باشد و همچون من که تمکن مالی بالایی

ششمین نشست کافه خرد، شامگاه دوشنبه بیست و یکم تیر در محل باشگاه اندیشه برگزار شد. در این مراسم که با حضور شخصیت‌ها و صاحب‌نظران علمی و تربیتی همراه بود، از دو کتاب جدید اثر مرتضی نظری پژوهشگر آموزش و پرورش و توسعه انسانی رونمایی شد.

در این نشست دکتر حسن عشایری، دکتر اقبال قاسمی پویا از مؤلفان و پژوهشگران ملی، مهندس داود محمدی نماینده مجلس شورای اسلامی و نایب رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات و مطهری نژاد رئیس انجمن روابط عمومی ایران از جمله سخنرانان این نشست بودند. همچنین پژوهشگران و اساتیدی از دانشگاه تهران، دانشگاه فرهنگیان و پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش و نیز معلمان و کارشناسان آموزشی و فرهنگی در این مراسم حضور داشتند.

کتاب «نگاه تربیتی به توسعه» مشتمل بر ۲۶ مقاله و گفتار در زمینه آموزش و پرورش و توسعه انسانی است که توسط نشر قطران در ۲۲۴ صفحه و پنج گفتار منتشر و کتاب «نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در تربیت دینی فرزندان» که عنوان پژوهش نویسنده در دوره کارشناسی ارشد بوده، در ۲۶۰ صفحه و هفت فصل توسط انتشارات مشق شب روانه بازار نشر شده است.

دکتر عشایری با موضوع تفکر انتقادی، مطهری نژاد با موضوع ارتباط مؤثر در محیط‌های آموزشی و دکتر اقبال قاسمی پویا با موضوع نقش آموزش و پرورش در توسعه یافتگی در این نشست با حاضران به گفت و گو پرداختند.

همچنین، داود محمدی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی ضمن بیان برنامه‌های آتی مجلس برای ارتقاء جایگاه آموزش و پرورش،



پیام آبادگران
تیر ۱۳۹۵
شماره ۳۴۴

رونمایی از کتاب ایران و شاخص‌های جهانی توسعه

نویسنده: مهندس احمد آل یاسین

ارائه کرد و افزود: این برای نخستین بار است که ما به تعبیر آقای نظری، یک گلریزان فکری برگزار می‌کنیم. یعنی کسانی که برای آگاهی و دانایی جامعه بها و ارزش قائل هستند، یک یا چند نسخه از کتابی که در ارتباط با آموزش و پرورش و توسعه‌یافتگی نگارش شده خریداری می‌کنند و مطمئن هستند که با پولشان در تأمین نیازهای ضروری و درمانی دختران معلول مشارکت کرده‌اند.

توصیه دکتر اقبال قاسمی پویا، مؤلف و

مدرس و پژوهشگر ملی

استاد اقبال قاسمی پویا از چهره‌های نام‌آشنای تعلیم و تربیت و پژوهش، در ششمین نشست کافه خرد، ضمن سخنانی در تبیین نقش آموزش در توسعه، طی یادداشتی، مخاطبان را به مطالعه کتاب نگاه تربیتی به توسعه دعوت کردند. وی خطاب به کتاب دوستان نوشت: کتاب «نگاه تربیتی به توسعه» به دور از این نوع مفاهیم کلی و انتزاعی به مطالبی پرداخته است که امروز در بحث توسعه در سراسر جهان مطرح است و کوشندگان راه توسعه تلاش می‌کنند بر اساس ویژگی‌های جامعه توسعه‌یافته بر آنها تأکید نهند. مصداق‌های این مفاهیم در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته به صورت عملی محقق شده و جامعه‌ها شاهد و ناظر آن هستند. در بحث توسعه، از انسان توسعه‌یافته سخن به میان می‌آید که ویژگی‌های آن ملموس و عینی است نه رویایی آسمانی.

این یادداشت می‌افزاید:

همچنان که در این کتاب هم آمده است، آموزش رکن بنیادین توسعه است اما نه هر آموزشی. آموزش برای توسعه، نشانگان و سنجه‌هایی دارد که با آموزش و پرورش سنتی و ایستا تفاوت‌های بسیاری دارد. شوربختانه ما از نبود ساختار و برنامه‌های توسعه محور در رنجیم. شاید کتاب‌هایی از این سنخ بتواند مسؤلان و دست‌اندرکاران را از سریر تعصب به زمین واقعیت‌ها فرود آورد و میهن ما هم در مسیر توسعه‌یافتگی قرار گیرد. شاید پرسیده شود آیا چنین وضعی در جامعه ما شدنی است؟ در پاسخ باید گفت آری شود اما به خون جگر شود. خون جگر خوردن برای نوشتن و نشر این گونه کتاب‌ها از نمونه‌های تلاش‌هایی است که برخی از کوشندگان کشور بدان مبادرت می‌ورزند. این چهره نام آشنا در حوزه تعلیم و تربیت و پژوهش خواندن این کتاب را به معلمان و دانشجو معلمان و کلیه افرادی که دغدغه توسعه دارند، توصیه کرد.

انتشار کتاب "ایران و شاخص‌های جهانی توسعه"، همانند کتاب "تاریخچه برنامه‌ریزی توسعه در ایران: با اقبال گسترده فرهیختگان، کارشناسان و دغدغه‌مندان آینده ایران روبرو شده است. از این روی مجله آبادگران بر آن شد تا ضمن معرفی بیشتر کتاب در چند شماره به درج فرازهایی از متن کتاب بپردازد.

نکته مهم و اثرگذار در این کتاب، بررسی معیارهای رشد اقتصادی و پیشرفت از منظر کرامت و منزلت انسان است. توسعه‌ای که نشانه آن فقط کارخانه و صنعت و برج و شاهراه نیست. بلکه «اصولی جهان شمول» مانند: سطح زندگی، کیفیت نظام آموزشی، سلامت و بهداشت، خدمات اجتماعی، رضایت شغلی، مشارکت اجتماعی، آزادی‌های فردی و حق انتخاب، پایداری محیط زیست و تغییرات اقلیمی، حکمرانی خوب و عدالت اجتماعی، شفافیت دولت و سرکوب فساد، نگرانی از مهاجرت‌های جوانان و گریز مغزها، دسترسی آزاد به اطلاعات و مردم سالاری و سلامت سیاسی را در بر گرفته است.

در واقع ظرافت نویسنده در نوشتن کتابی مستدل درباره وضعیت ایران در جهان با استناد به شاخص‌های گوناگون توسعه، اعم از اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و از منابع معتبر بین‌المللی و دولتی و دانشگاهی، در این است که شاید تلاشی برای برون‌رفت از توسعه‌نیافتگی صورت گیرد. کتاب واقع‌بینانه و اندوه برانگیز است، زیرا به استناد جدیدترین آمارها، تا فروردین ۱۳۹۵، رتبه ایران در شاخص توسعه انسانی هفتاد و پنجم، در رابطه مردم با زیست بومشان رتبه هفتاد و هفتم، از لحاظ کیفیت زندگی پنجاه و هشتم، از لحاظ مردم سالاری رتبه صد و پنجاه و هفتم، از لحاظ آزادی اقتصادی صد و هفتاد و یکم و از لحاظ شاخص فلاکت پس از ونزوئلا مقام پنجم را احراز کرده است.

نویسنده در بخش نهایی به آسیب‌شناسی توسعه می‌پردازد که جنبه‌های گوناگون تاریخی و اجتماعی و تمرکز دولتی یا دولت متمرکز را برمی‌شمارد. بدیهی است که توسعه نیاز به آرامش و صلح و اعتدال و ثبات دارد، به عبارت دیگر محیط پرورش اقتصاد محیطی استوار، آرام و امیدبخش است. «چه باید کرد» بخش نهایی کتاب برای نشان دادن

راه حل است. اما، توفیق در پیمودن راه‌حل‌ها منوط به فراهم آوردن محیط و پیش‌زمینه سیاسی مسالمت‌آمیز و دوری گزیدن از بحران و بحران‌زایی است.

دکتر محمود سریع‌القلم در مقدمه دلنشین کتاب نوشته است: مطالعه تاریخ به وضوح نشان می‌دهد کشورهای از دو طریق توسعه پیدا کرده‌اند: ۱. یا گروه‌های تجاری، صنعتی رشد کرده، تشکل پیدا کرده و در یک فرایند نسبتاً طولانی، تنظیمات اداری، حکومتی، سیاسی را تغییر داده‌اند.

۲. یا خود حکومت‌ها مسئولیت تغییر و تحول را از بالا پذیرفته‌اند و اقشار اجتماعی را همراه خود کرده‌اند.

در طریق اول تجربه غرب اروپا و شمال آمریکا مصادیق اصلی هستند و در طریق دوم، کشورهای در حال توسعه بعد از جنگ جهانی دوم در آسیا، آمریکای لاتین و بعضاً در خاورمیانه، نمونه‌های بارز را نشان می‌دهند. هر دو طریق اصول مشترکی را رعایت کرده‌اند و در تحقق این اصول جغرافیا، فرهنگ، ایدئولوژی، قشریندی اجتماعی و دیگر متغیرها، چندان نقشی ایفا نکرده و مانعی نبوده‌اند. کلیدی‌ترین این اصول به صورت زیر هستند:

۱. صنعتی شدن
 ۲. تجارت بین‌الملل
 ۳. یادگیری از تجارب دیگران
 ۴. نظام اداری و مالیاتی شفاف
 ۵. تمرکز در فعالیت‌های اقتصادی و تولید ثروت
 ۶. تفکیک قدرت سیاسی از قدرت اقتصادی
 ۷. مدیریت کارآمد
 ۸. منطبق بودن ریل توسعه اقتصادی با ریل سیاست خارجی
- در پایان مقدمه آمده است: در رتبه‌بندی کشورهای جهان در شاخص‌های توسعه‌یافتگی، کتاب ایران و شاخص‌های جهانی توسعه، مقایسه‌ای دقیق و نادر از وضعیت شاخص‌های توسعه ایران در مقیاس جهانی عرضه می‌کند. با بحثی مقایسه‌ای و به کارگیری مؤسسات مختلف بین‌المللی، جایگاه ایران را با آمار و ارقام و دور از مباحث صرفاً ایده‌آلی به تصویر می‌کشد. این آمار و ارقام با آنچه هر شهروند در زندگی روزمره خود در کشور تجربه می‌کند، سازگاری دارد.